



## سلسله نشست های موضوعی

نشست اول ■ ارزش های جوهری در حفاظت بافت های تاریخی  
سخنران: مهندس سید محمد بهشتی

نشست دوم ■ بهسازی محلات تاریخی  
سخنران: دکتر مهدی حجت

نشست سوم ■ حفاظت و توسعه از نظر تعامل  
سخنران: دکتر اسکندر مختاری

نشست چهارم ■ حفاظت و توسعه دو امر متعامل یا دو امر متقابل  
سخنران: دکتر سید محسن حبیبی

نشست پنجم ■ حفاظت و توسعه توأمان دریافت های تاریخی (جمع بندی)  
سخنرانان: دکتر حبیبی، دکتر مختاری، دکتر حجت، مهندس صفامنش،  
مهندس سلطانی آزاد، دکتر بنیادی، دکتر عرفانیان، مهندس طلائی، دکتر اعتماد  
و همراهی حضار

۱۳۹۱

## دفتر دوم: حفاظت و توسعه توآمان دریافت های تاریخی

نشست های سلسله نشست شرکت عمران و بهسازی شهری ایران ■ حفاظت و توسعه توأمان دریافت های تاریخی



دکتر مهدی حجت



مهندس سید محمد بهشتی



دکتر سید محسن حبیبی



دکتر اسکندر مختاری



وزارت راه و شهرسازی  
شرکت عمران و بهسازی شهری ایران  
(تخصصی)

زیر نظر دفتر مطالعات کاربردی و امور ترویجی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران



دفترت و اسنادهای  
مکتوب و چاپی و دیجیتال  
تهران

سلسله نشست های موضوعی  
(دفتر دوم: حفاظت و توسعه توأمان در بافت های تاریخی)

به اهتمام: امیرمحمد معززی مهرطهران، الناز مرادی،  
خدیجه رضازاده

زیرنظر: منا عرفانیان سلیم (مدیرکل دفتر مطالعات کاربردی و  
امور ترویجی)

طراح گرافیک: سپیده ابراهیمی رحمتی

مدیر اجرایی: مهید توانائیان

چاپ نخست: ۱۳۹۴ | شمارگان: ۱۰۰۰

دفتر مرکزی: تهران - میدان ونک - خ شهید خدای - پ ۵۱  
تلفن: ۰۱-۸۸۷۸۸۶۰۰ نمابر: ۸۸۷۷۹۸۹۲  
پست الکترونیکی: motaleatekarbordi@gmail.com  
وب سایت: www.udrc.ir



وزارت راهبردی  
میراث فرهنگی، صنایع دستی و  
گردشگری



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

## سلسله نشست های موضوعی

نشست اول ■ ارزش های جوهری در حفاظت بافت های تاریخی

نشست دوم ■ بهسازی محلات تاریخی

نشست سوم ■ حفاظت و توسعه از نظر تا عمل

نشست چهارم ■ حفاظت و توسعه دو امر متعامل یا دو امر متقابل

نشست پنجم ■ حفاظت و توسعه توامان در بافت های تاریخی (جمع بندی)



مقدمه |

## مقدمه

مجموعه پیش رو ماحصل برگزاری دفتر دوم از سلسله نشست‌های موضوعی با موضوع "حفاظت و توسعه توأمان در بافت‌های تاریخی" است که توسط شرکت مادر تخصصی عمران بهسازی شهری ایران و با همکاری مرکز علمی- کاربردی شهرسازی، نوسازی و بهسازی شهرداری تهران برگزار شده است. اهمیت موضوع حفاظت، احیاء و باززنده سازی محلات و محدوده‌های تاریخی به عنوان یکی از اصلی‌ترین مأموریت‌های این شرکت از یک سو و مغفول ماندن این مهم متأثر از ترجیحات اقتصادی و تحول ارزش‌های فرهنگی- اجتماعی موجب گردید که این موضوع در قالب دفتر دوم به بحث و هم‌اندیشی گذارده شود. این سلسله نشست‌ها با بهره‌گیری از مشاوره و دبیری علمی استاد گرامی جناب آقای دکتر سید محسن حبیبی برنامه‌ریزی شد. در این برنامه تلاش بر این بود که به موضوع حفاظت به عنوان یکی از ارکان توسعه پرداخته شود و در این راستا موضوع از چهار دیدگاه مورد بررسی قرار گرفت و در جلسه‌ای پایانی جمع‌بندی شد. عناوین جلسات عبارت‌اند از:

■ جلسه نخست: ارزش‌های جوهری در حفاظت بافت‌های تاریخی؛

■ جلسه دوم: بهسازی محلات تاریخی، حفاظت و توسعه از نظر تا عمل؛

■ جلسه سوم: حفاظت و توسعه دو امر متعامل یا دو امر متقابل؛ و

■ جلسه چهارم: جمع‌بندی مباحث مطروحه در نشست‌های پیشین..

لازم به توضیح است که با توجه به اینکه ساختار برگزاری نشست به گونه‌ای بوده است که در ابتدا سخنران نشست به ایراد سخنرانی و سپس حاضرین به طرح سوالات و نقطه نظرات خود می‌پرداختند. بنابراین، تدوین هر بخش از این مجموعه نیز بر اساس همین چارچوب صورت گرفته است؛ شامل متن کامل سخنرانی که به تأیید سخنرانان رسیده و خلاصه‌ای از پرسش و پاسخ‌های مطرح شده از سوی حاضران. بدیهی است مطالب این نوشتار صرفاً نقطه نظرات گویندگان را منعکس می‌نمایند و الزاماً بیانگر رویکردها و سیاست‌های شرکت عمران و بهسازی به شمار نمی‌روند. تصاویر ثبت شده برگرفته از مدارک ارائه شده در سخنرانی‌ها هستند که با هدف اطلاع‌رسانی و مستندسازی علیرغم

کیفیت نامناسب برخی، بکار رفته اند. در پایان از تمامی سخنرانان، اساتید، صاحب نظران و بزرگوارانی که با حضور و اظهار نظرهای خود در پریارترشدن این نشست ها به ما یاری رساندند، صمیمانه سپاس‌گزاری می‌گردد. امید است تا از طریق این گونه برنامه ها ضمن فراهم آوردن فضایی برای گفتگو، در راستای اشاعه افکار و اندیشه‌ها و نیز شناسایی چالش‌ها و حل مسائل شهری گامی اندک برداشته باشیم.

منا عرفانیان سلیم

مدیرکل دفتر مطالعات کاربردی و امور ترویجی

شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران



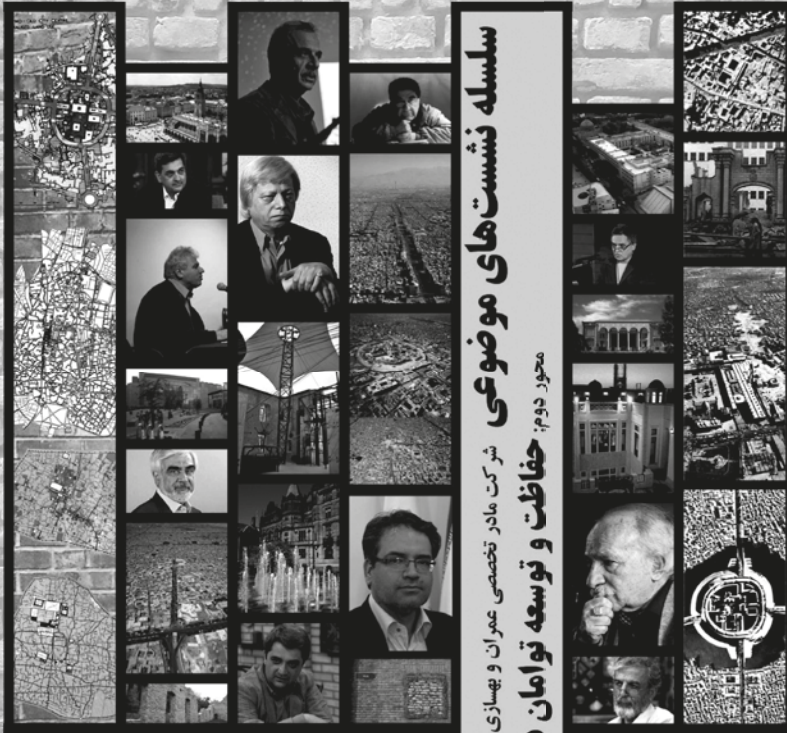


نشست اول:

## ارزش‌های جوهری در حفاظت بافت‌های تاریخی



مؤسسه ملی پژوهش‌های  
تاریخی و معماری شهرهای ایران  
تهران



### سلسله نشست‌های موضوعی حفاظت و توسعه توأمان در بافت‌های تاریخی

مجموعه دوم:

شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران

یکشنبه ۱۹ مرداد ماه ۱۳۹۳  
ساعت ۱۴ - ۱۶

سخنران:

مهندس سید محمد بهشتی

دبیر علمی:

دکتر محسن حبیبی



مؤسسه ملی پژوهش‌های  
تاریخی و معماری شهرهای ایران



آدرس محل برگزاری:  
تهران، پلازما از میدان وک، خیابان  
خدایی، پلاک ۵۱  
شرکت عمران و بهسازی شهری ایران  
(مادر تخصصی)  
تلفن: ۰۱-۸۸۷۸۸۶۰  
[www.udro.org.ir](http://www.udro.org.ir)

پوستر نشست اول





## نشست اول

ارزش‌های جوهری در حفاظت بافت‌های  
تاریخی

سخنران: مهندس سید محمد بهشتی

دبیر علمی: دکتر سید محسن حبیبی

تاریخ برگزاری: ۱۳۹۳/۵/۱۹



مهندس سید محمد بهشتی

گزیده ای از رزومه علمی-اجرایی سخنران

- کارشناس ارشد مهندسی معماری دانشگاه شهید بهشتی
- عضو هیأت مدیره سازمان زیباسازی شهر تهران (از سال ۱۳۶۸ تا کنون)
- عضو هیأت امنای بنیاد سینمایی فارابی سال(سال های ۷۳-۱۳۶۲؛ ۸۰-۱۳۷۶؛ ۱۳۹۲ تا کنون)
- عضو پیوسته فرهنگستان هنر (سال ۱۳۷۸ تا کنون)
- رئیس گروه معماری شهرسازی فرهنگستان هنر (سال ۱۳۷۸ تا کنون)
- عضو شورای عالی معماری و شهرسازی (سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲)
- عضو هیأت علمی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری (سال ۱۳۷۶ تا کنون)
- عضو هیأت مدیره نظام مهندسی تهران (سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹)
- رئیس کمیته ملی ایکوم ایران ( سال های ۸۴-۱۳۷۷؛ ۱۳۹۱ تا کنون)
- مدیرعامل شرکت توسعه فضاهای فرهنگی شهرداری تهران (سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۲)
- رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری (سال های ۸۶-۱۳۸۳؛ ۱۳۹۳ تا کنون)
- عضو کمیته ملی فرهنگ کمیسیون ملی یونسکو
- عضو هیأت مدیره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی (سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۶)
- مدیر طرح دانشنامه معماری شهرسازی ایران زمین ۱۳۸۵ تا کنون
- ریاست جشنواره بین المللی فیلم فجر (سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۲)
- مؤسس موزه سینمای ایران (سال ۱۳۷۷)
- ...

## چکیده

ارزش‌های جوهری اصولاً مواردی هستند که به بقای جامعه کمک یا آن را تعریف می‌کنند و با دگرگونی زمانه همراه و لباس زمانه را می‌پوشند، ولی تغییر ماهوی نمی‌یابند. دگرگونی امری اجتناب‌ناپذیر است؛ هر امر یا موجودی دچار تغییر و تحول می‌شود ولی جوهر وجودی و ارزش‌های خود را حفظ می‌کند و بنابراین ارزش‌های جوهری امری وجودی هستند و می‌توانند در شکل‌های متفاوت موجودیت پیدا کنند و هر زمانه‌ای از زمانه دیگر متفاوت باشد که نمونه‌های عینی آن در معماری ما بسیار است. بهتر است به جای وسعت دادن طول و عرض شهرها، شهریت و کیفیت آنها را زیاد کنیم و از حافظ بخواهیم:

خوشا شیراز و وضع بی مثالش، خداوندا نگه دار از زوالش.

## دکتر حییبی

بحثی که امروزه تحت عنوان «حفاظت و توسعه» از منشور آتن مطرح است، عمدتاً با نگاه توسعه بدان نگریسته شده است. معمولاً هنگامی که بحث حفاظت به میان می‌آید، نگاه‌های موزه‌ای مطرح می‌شود و این امر در اولویت قرار می‌گیرد که در بافت‌ها و یا ساختمان‌ها به شیوه موزه‌ای مداخله صورت گیرد. **شهر یک موجود زنده است**، معمولاً ما در موزه‌اشیایی را نگهداری می‌کنیم که به روزگاران قبل بازمی‌گردد ولی شهر را در موزه نمی‌توان نگهداری کرد! رویکردی که قریب به یک قرن است، غلبه پیدا کرده «رویکرد توسعه» است، درحالی که توسعه همواره وجود داشته است. در هر نسلی و در همه جای دنیا، همیشه با نسل و آثار پیشین در تعامل بوده و دانش محیطی و دانش فنی خود را به کار گرفته است و چیزی بر آن‌ها افزوده و آن را برای نسل بعدی به جای گذاشته است و همچنین دو واژه **تخریب و نوسازی** که همواره وجود داشته‌اند. با این حال رویکردی که در ۱۰۰ سال اخیر در ایران غالب است رویکرد تخریب می‌باشد و رویکرد نوسازی به مفهوم بازسازی به کار گرفته شده است، در واقع کمتر دانش فنی و محیطی به کار گرفته شده است و بیشتر به رویکردی که در مقیاس جهانی مطرح است، نگریسته شده است. بنابراین ما از این که بتوانیم گفت‌وگوی جدی با شهر داشته باشیم، از این که بتوانیم ارزش آثار فاخری که به جای مانده را



بر آن بیافزاییم و در اختیار آیندگان قرار دهیم، فاصله گرفته‌ایم. حفاظت و توسعه توامان تقریباً از دهه ۸۰ به بعد میلادی به طور جدی در دستور کار جهانی قرار گرفته است، با یک دید مشخص بدان نگاه می‌کنند. خطری که در دهه اخیر با آن مواجه هستیم، تجاری شدن فضا است. به معنای صحیح کلمه، حفاظت رمز بقا و مقصد توسعه، حفاظت است.

### مهندسی بهشتی

جناب حافظ می‌فرمایند:

خوشا شیراز و وضع بی مثالش خداوندا نگه‌دار از زوالش

ما در یک شهری که همیشه در حال تحول و دگرگونی است، زندگی می‌کنیم. وقتی صحبت از ارزش‌های جوهری می‌شود، بدین معنا است که می‌تواند بقا داشته باشد و متأثر از تغییر و تحولات روزمره نشود، در مقابل آن این ذهنیت وجود دارد که باتوجه به همه تغییر و تحولاتی که در شهر اتفاق می‌افتد، سخن گفتن از ارزش‌های جوهری امری موهوم و غیرواقعی است. بدیهی است که همین تغییر و تحولات ما را اجبار به این امر می‌کند که به معماری امروز شهرمان ایراد داشته باشیم.

خوشا شیراز و وضع بی مثالش خداوندا نگه‌دار از زوالش

بنا به بحث‌هایی که در حوزه پزشکی راجع به کالبد می‌شود، تقریباً تمام سلول‌هایی که ما امروز به واسطه آن زندگی می‌کنیم، حدود ۵ سال عمر دارند، ولی وقتی می‌خواهیم خود را معرفی کنیم چیزی را معرفی می‌کنیم که رابطه مستقیمی با این سلول‌ها ندارند. این سلول‌ها فانی هستند و در مرور زمان از بین می‌روند ولی من و هویت من در سر جای خود باقی مانده‌ایم. انسان‌ها دارای یک جنبه وجودی هستند، که این جنبه‌های وجودی در ما تداوم پیدا می‌کنند و این امر قابل ذکر است که آن‌ها هم حاصل تکوین هستند ولی در یک سیر بسیار بطئی قرار دارند. زمانی شیراز وجود نداشت، برای همین نمی‌توان گفت که "خوشا شیراز و وضع بی مثالش" چون موجود نبوده است از یک جایی در تاریخ، شیراز شیراز شده است، و آن شیراز که حافظ از آن سخن می‌گوید بسیار دچار تغییر و تحول شده است. امروزه ما با یک موجودیت به اسم شیراز مواجه هستیم که ممکن است، حتی اگر حافظ هم برگردد دیگر



آن را به جای نیاورد. بنا به درک امروزی، ما هنوز هم می‌توانیم بگوییم که "خوشا شیراز و وضع بی مثالش" و بلندتر از حافظ دعا کنیم "خداوندا نگهدار از زوالش" به دلیل این که در دوران حافظ این زوالی که امروزه ما با آن مواجه هستیم به این شدت اتفاق نمی‌افتاده است گویا همان بصیرتی که حافظ داشته است، به آن اجازه می‌داد که کارهایی که امروزه ما انجام می‌دهیم را ببیند و آن دعا را بخواند. خداوندا نگهدار از زوالش. منظور چیست؟ این شیرازی که حافظ از آن سخن می‌گوید چیست؟ آیا شبکه ارتباطی است که در آن زمان در شیراز وجود داشته است، و امروز دچار تغییر و تحول شده است؟ یا یک طرح تفصیلی با مجموعه‌ای از کاربری‌ها، نوع فعالیت‌هایی که در شهر صورت می‌گرفته است؟ آیا این‌ها مواردی از این دست مدنظر حافظ بوده است؟ وقتی راجع به انسان صحبت می‌کنیم راجع به اجزای کالبدی آن صحبت می‌کنیم یا چیز دیگری؟

شیرازی که حافظ از آن یاد می‌کند یک کیفیت است، که در مفهوم شیراز ظهور پیدا کرده است و آن شهر بودن شیراز است. شهر بزرگ‌ترین دستاورد بشری و فراخ‌ترین فرصتی است که فرهنگ در آن ظهور پیدا می‌کند. **شهر کیفیت از حیات بشر است**، این تنها جنبه‌ای از شهر است. تلاش و تکاپوی حیات مدنی در بین جامعه، این فرصت را فراهم کرده که صورتی به مثابه شهر پیدا کند، که ما در واقع امروزه از آن به شیراز یاد می‌کنیم. جنبه دیگر شهر، اصلاتی است که در شیراز ظهور پیدا کرده است ویژگی منحصر به فردی است که از جهت کیفیت فقط در شیراز می‌توان یافت، شهر موجودی کاملاً کیفی است. این ویژگی‌های ارزش‌های جوهری است که در شهر وجود دارد، که حاصل یک یا دو نسل نیست، حاصل تمام سرگذشتی است که شهر پشت سر گذاشته است. حاصل تباری است که از پس خود دارد و اگر این تبار و سرگذشت را نداشته باشد نمی‌تواند از این ویژگی‌های منحصر به فرد برخوردار گردد. این، جا افتاده است. جا افتادن موقوف به این است که ما صبور و شکیبا باشیم و فرصت دهیم به چیز که در مرور زمان جا بیافتد. شیراز جایی شده است در مقابل ناکجا، که واجد ارزش کیفی نیست، ناکجا یعنی از یک منزلت مکانی برخوردار شده است. ما خیلی وقت‌ها تفاوت جا و ناکجا را نمی‌دانیم. **کیفیت همیشه موجود است و کهنه نمی‌شود**. مثالی که برای تقرب بیشتر به این قضیه می‌توان در نظر داشت، مثال یک درخت است.





یک درخت بنا به برگ و بارش، هر لحظه در حال تغییر و تحول است. این یک جنبه از حیات شهر است، اما جنبه‌ای دیگر از حیات شهر، تنه و ریشه درخت است، که آن هم نیز در حال تکوین و تغییر و تحول می‌شود. ما وقتی درخت را در تصور خود می‌آوریم، معمولاً برگ و بار آن بیشتر در نظرمان می‌آید چون بیشتر ظهور دارد و علنی است. اما تنه و ریشه به خصوص ریشه آن پنهان است. یعنی ما اگر اهل بصیرت باشیم، توجه ما معطوف به تنه و ریشه درخت می‌شود. موجودیت درخت به چیست؟ یک درخت می‌تواند آفت بزند و یک سال محصول پرباری نداشته باشد، اما اگر ریشه و تنه سالمی داشته باشد، این فرصت را در سال بعد خواهد داشت که بتواند محصول بهتری را تولید کند. در شهرها هم، جنبه تنه و ریشه درخت وجود دارد. تنه و ریشه درختی که موجودیت شهر را تشکیل می‌دهد، و گرنه شهر به یک سکونتگاه تبدیل خواهد شد، مکانی که هویت و اصالت ندارد. ما چه نسبتی با شهر برقرار می‌کنیم؟ بنا به نوع نسبتی که با شهر برقرار می‌کنیم، نیازمندی‌های ما را، جنبه‌های کارکردی شهر بر طرف می‌کند و صرفاً جنبه کیفی ندارد. همه این‌ها دلالت بر کیفیت و ارزش‌های جوهری دارند. آن وجهی از شهر که دل شهر است و با دل ما ارتباط برقرار می‌کند، وجه جوهری شهر است. این وجه شهر در کجای شهر ظهور دارد؟ در بافت تاریخی اما ما به چه چیزی بافت تاریخی می‌گوییم؟ بافت تاریخی در تلقی شهرسازانه امروزی ما لکه‌ای از شهر است که آن را بافت تاریخی تلقی می‌کنیم. در صورتی که وقتی ما می‌گوییم بافت تاریخی یعنی همه آن چیزی که در طول تاریخ به هم بافته شده و شهر پدید آمده است، وجه ملموس آن خانه‌ها، راه‌ها، میدان‌ها، بازارها و... است و وجه غیر ملموس آن شامل همه باورها، نام‌ها، آیین‌ها و سنت‌هایی است که جزء ویژگی‌های منحصر به فرد آن شهر می‌باشد. زمانی که از بافت تاریخی نام می‌بریم منظور وجه غیر ملموس آن است نه بخش‌هایی که در طرح جامع و تفصیلی به آنها اشاره می‌کنیم. لایه‌ای از شهر که در واقع بافت تاریخی شهر است، لایه‌ای که سِری در زمین دارد و سِری در آسمان. آسمان آن، وجه غیر ملموس و جنبه‌های فرهنگی شهر است. بخش‌های زمینی هم آن بخش‌های کالبدی است. باید شهر در اثر برنامه‌ریزی و طراحی، توسعه پیدا کند. نه این‌که ما کنار این شهر کالبدهایی بسازیم که شهر را در حیثیت اصلی و تاریخی خود حبس کند.

در طول تاریخ ۱۰۰ ساله اخیر نه تنها در ایران بلکه در جاهای دیگر همواره، نسبت تاریخی شهرها با امر توسعه، نسبت رو در رویی بوده است. زمانی ارزش‌های تاریخی می‌توانسته است از خود دفاع کند، ولی این دو در جبهه‌های مقابل همدیگر قرار دارند. تمامی منشورها و کنوانسیون‌ها مناسبات حسن همجواری بین توسعه و حفاظت از ارزش‌های تاریخی شهرها را تنظیم می‌کردند، نه **مناسبات مسالمت‌آمیز**. حسن همجواری بدین معناست که به **حقوق یکدیگر تعدی نکنیم، نه اینکه با هم کاری مشترک داشته باشیم**. وقتی صحبت از توسعه به میان می‌آید، به خصوص با اصطلاحات رایج فعلی صحبت از توسعه پایدار می‌شود، پایدار بودن توسعه موکول به این است که بر تنه و ریشه کهن، جوانه جدید داشته باشیم، نه این‌که ما خودمان را در جوار و همسایگی این درخت ببینیم. همسایگی به این مفهوم که سایه مشترک داشته باشیم بدین ترتیب توسعه‌ای اتفاق نخواهد افتاد. شهر وسعت پیدا می‌کند و حتی می‌تواند در جهات کارکردی بسیار توانمند شود. ولی شهریت ممکن است در آن بمیرد و از آن مهمتر ممکن است آن اصالت منحصر به فرد صدمه ببیند و در چنین شرایطی باید گفت: خوشا شیراز و وضع بی مثالش / خداوندا نگه‌دار از زوالش. زیرا که فقط در جهت زوال شیراز در حرکتیم. توسعه شهری یعنی به شیراز بودن شیراز افزودن نه حتی مراعات کردن آن. اگر صحبت از توسعه می‌کنیم یعنی باید شیراز ما شیرازتر گردد. این‌ها موکول به چیست؟ موکول به این است که ما بر این تنه و ریشه کهن پیوند تازه زنیم. زمینه‌هایی را فراهم کنیم که این درخت خرم‌تر گردد. توسعه یک موضوع جدید نیست، بسیاری از شهرهای ایران در دوره قاجار به جزء اصفهان شاهد توسعه بسیار وسیعی بودند. بعضی از شهرهای ما ۵ برابر دوره صفوی خود توسعه پیدا کرده‌اند. تهران دوره صفوی نسبت به تهران دوره ناصری، تهران‌تر و بر تهران بودن آن افزوده شده است. اصفهان دوره صفوی یک اصفهان ۵۰ یا ۶۰ هزار نفری بوده است، برای یک اصفهان ۵۰۰ یا ۶۰۰ هزار نفری تجهیز شده است. ۱۰ برابر شدن جمعیت آن یعنی توسعه‌ای انفجاری که عملاً با آن مواجه هستیم. پس چه طور اصفهان، اصفهان‌تر شده است، وقتی که جمعیت آن ۱۰ برابر شده است؟ چرا تهران را نتوانستیم تهران‌تر کنیم وقتی جمعیت آن ۱۰ برابر شد؟ بهانه ما این است که تکنولوژی باعث این خرابکاری‌ها شده است. تکنولوژی قرار بوده است چه کار





کند؟ تکنولوژی قرار بوده است نیازمندی‌های ما را به شکل آسان‌تر، مطمئن‌تر و ارزان‌تری تأمین کند. اگر تکنولوژی اثر معکوس داشته است، پس درنوع بهره‌برداری از آن اشکالی وجود داشته است. تفاوت ماهوی بین تکنولوژی و آن چیزی که ما در طول تاریخ به عنوان فناوری از آن یاد می‌کنیم وجود دارد. تا قبل از دوره اشکانیان فقط در جاهایی که رود، چشمه و نهر وجود داشته است سکنی می‌گزیدند و فناوری این‌که بتوانیم آب را از دل زمین به سطح زمین جاری سازیم وجود نداشت، در دوره اشکانی زمانی که این فناوری شناخته شد، تعداد نقاط قابل زیست به شکل چشم‌گیری افزایش یافت. فناوری این‌گونه راه‌گشای بوده است، نه اینکه برای ما بهانه‌ای باشد تا ارزش‌های شهر را از بین ببریم. ما برای ارزش‌های جوهری بها قائل نشده‌ایم، تأمل نکرده‌ایم و آن را نشناخته‌ایم. اگر از ما تفاوت شیراز و اصفهان را بپرسند، فقط کمیات آن‌ها را (جمعیت، وسعت و ...) در نظر داریم. هیچ معیاری برای سنجش کیفیت وجود ندارد، به عبارتی برنامه‌ریزان تقلیل یافته شهرها هستیم. شهر موجودیتی دارد که بسیار عالی‌تر از کمیات تقلیل یافته است و ساختن آن موقوف به فرهنگ، تدبیر و شناختی است که ما آن را در هیچ جایی فرا نمی‌گیریم. و این‌ها ما را از توسعه شهری ناتوان ساخته است. ما فقط طول و عرض شهرها را افزایش می‌دهیم و گرنه شهریت شهر را توسعه نمی‌دهیم. خوشا شیراز و وضع بی‌مثالش / خداوندا نگهدار از زوالش.

### دکتر حبیبی

بحث‌هایی که مطرح شد، نگاهی کیفی به شهر است. نگاهی که سر در دانش فنی و زیستی دارد.

## پرسش و پاسخ

### مهندس محرمی

ما معمولاً همیشه از کیفیت صحبت می‌کنیم، ولی در اجرا به این مسائل توجهی نداریم. نکات مطرح شده را در چند مثال ملموس (عوامل یا اجزایی که باید بدان‌ها بیشتر توجه شود)، بیان کنید.

### مهندس بهشتی

در شیراز مجموعه باغاتی وجود داشت با نام باغات قصرالدشت و در روی نقشه‌ها به عنوان یک لکه سبز مشخص بود. جریان بادی در شیراز وجود دارد که در مسیر عبوری خود از رودخانه‌های فصلی و از این باغات می‌گذشت. بدین ترتیب جریان هوایی که به شهر شیراز می‌رسید، غنی از اکسیژن و عطر بهار نارنج بوده است. مردم شیراز در آن زمان این هنر را داشتند که حتی هوای شهر خود را مدیریت کنند. ما باید در زمینه کیفیت تمرین داشته باشیم.

## پرسش‌گر

خلل و زوال به انسان معطوف می‌گردد. یعنی انسان در جامعه خود نسبت به دهه‌ها و سده‌های گذشته، ارزش‌های انباشته شده و تاریخی را فراموش کرده یا بدان‌ها توجهی نداشته است و یا این‌که دچار روزمرگی شده است و با الزامات جدید شهر آمیزش پیدا کرده است (انقلاب صنعتی). **الزامات و معیشت روزمره در کلان شهرها چگونه می‌تواند با کیفیت مطلوب هم‌زیستی داشته باشد؟**

### مهندس بهشتی

مشکل اصلی ما در بحث بحران مدنیت است که اتفاق افتاده است. بحران مدنیت رفته رفته رو به افول است، و رفتار و تمنای مدنیت ظهور پیدا می‌کند، ما باید درک کنیم و تحولات درونی در خود ایجاد کنیم.



## شهرپری

مردم هنوز به این نیاز و تفکر نرسیده‌اند که باری پیدا کردن کیفیت به متخصصین تکیه کنند و هنوز تفکر سنتی حکیم‌وار بودن دارند و می‌خواهند به خودشان تکیه کنند این خود باعث از بین رفتن کیفیت می‌شود.

## مهندسی بهشتی

اگر جامعه تخصصی با بدنه جامعه توافق در معنا و مفهوم خوب بودن داشته باشند، مشکلات حل خواهند شد. جامعه ما در حال حاضر متوجه خانه خوب شده است اما هنوز جامعه تخصصی ما متوجه نیست. باید برای به وجود آمدن این توافق، تمرین کرد.

## پرسش‌گر

چه سنگ محکی وجود دارد که کیفیت سنجیده شود؟ آیا یک چارچوب از پیش اندیشیده شده برای این موضوع ارائه شده است؟

## مهندسی بهشتی

با معیارهای ریاضی نمی‌توان کیفیت را بررسی کرد. معنی خوب بودن، متریک بودن نیست. ما باید متوجه شویم چیزی به اسم کیفیت وجود دارد. برای بهتر شدن کیفیت باید به سراغ بافت تاریخی، معماری و شهرسازی گذشته خود برویم تا بتوانیم دوباره کیفیت را دریافت کنیم.

## دکتر کشاورز

چگونه می‌توان در کنار رویکرد توسعه پایدار و حفاظت، توازن و تعادل برقرار کنیم، در حالی که تجاری شدن فضا در قرن ۲۱ مطرح شده است؟ آیا تجاری شدن فضا، تقابل میان ملاحظات اقتصادی و ملاحظات زیست‌محیطی را افزون نخواهد کرد؟ دیدگاه تجاری شدن فضا، به شهریت بودن شهر صدمه نخواهد زد؟ برای ایجاد تعادل در میان این رویکردها چه کنیم؟

### دکتر حبیبی

این بحث در مقیاس جهانی بسیار جدی است. به عنوان مثال، برای این که زندگی شهری را در ترکیه برگردانند و در عین حال حفاظت صورت گیرد، سرتاسر خیابان‌های ترکیه را تجاری می‌کنند و سپس برندهای معروف در آنجا حضور پیدا می‌کند. این امر باعث می‌گردد که ما به فسادیسیم روی آوریم، مدنیتهی است که به یکباره ظهور می‌کند. ولی تجاری شدن فضا بحثی است که می‌تواند در مقابل حفاظت و توسعه پایدار قرار بگیرد.



### دکتر شفائی

جامعه متقاضی کیفیت است و آن کیفیت را به مفهوم ابتدال شناخته است. کیفیت چیز دیگری است ولی آن را نمی‌شناسند. در واقع در جامعه امروزی ما هم شهر و هم کیفیت، کالا شده است. بنابراین چه چیز را باید کیفیت دانست و اصل کیفیت چیست؟



### مهندس بهشتی

برای جامعه‌ای که کیفیت برای آن موضوعیت نداشته است، وقتی به دنبال کیفیت می‌رود خود یک اتفاق بزرگ است. اما این کیفیت در حالت‌های مختلف اتفاق می‌افتد. در این میان نیز راه حل‌های میان‌بری نیز وجود دارد، طبیعی است که اگر به این سمت پیش روند. ما باید در حوزه معماری و شهرسازی نیز به سوی کیفیت پیش روییم. اگر که می‌خواهیم ابتدال شامل حال آن نشود، باید نوع خوب آن را نیز عرضه کنیم. اما این نوع خوب از کجا می‌تواند عرضه شود؟ از خلاقیت معماران و شهرسازان ما می‌تواند ناشی شود.



### دکتر اطهری

ما برای تبدیل کجا به ناکجا آباد به سرعت عمل می‌کنیم، و نمونه عینی آن شهرهای شمال است و این نقطه‌ای است که باید بدان بیشتر توجه و پرداخته شود. ناکجا آباد به چند دلیل بستگی دارد:

- فقدان مرکزیت ناهنجاری‌های گونه‌های معماری؛
- فرسودگی بافت‌های قدیمی؛





■ عدم تناسب گونه‌های مختلف مسکن؛

■ عدم رعایت هنجارهای محیط‌زیستی؛

■ ناسازگاری بین تنه درخت و شاخه‌های آن.

تنه‌ای وجود دارد (ساختارهای فرهنگی و...) ولی شاخه‌ها کاملاً ناهنجار شدند. ما کمتر به دنبال بازیگران این ناهنجاری‌ها و ناکجاآبادی‌ها گشته‌ایم. مفهوم بازیگر در واقع مفهومی است که بیشتر در رابطه با قضایای جامعه‌شناسی به کار گرفته شده است.

### مهندسی بهیشتی

جامعه ما به سمت متقاضی بودن کیفیت پیش می‌رود اما آیا جامعه تخصصی ما آمادگی پاسخ دادن به این تقاضا را دارد؟ خیر! ندارد. زیرا که خود پرورش یافته دورانیست که کیفیت مقفول بوده است و آمادگی این پاسخگویی را ندارد. برای به دست آوردن این آمادگی، اولین قدم شناخت است. ما باید بر تنه درخت کهن خود جوانب جدید را ببینیم و از جای دیگری تقلید نکنیم. ما چاره‌ای جز این نداریم که شبیه خودمان باشیم. هر جای از جهان که توسعه پیدا کرده است، خودش شده است. اگر قرار است توسعه پیدا کنیم، باید مبتنی بر ارزش‌های ظاهری خودمان توسعه پیدا کنیم و همه این جوانب موکول به شناخت است.

### دکتر ایزدی

باید به مقوله کیفیت به نحوی دیگر بیان‌دیشیم. و خواهش من به عنوان عضوی از حوزه دولت از متخصصین این است و کیفیت را بصورت یک درخواست مطرح کنید. از مسئولین بخواهید، تا زمانی که درخواستی وجود نداشته باشد کسی، هم پاسخگو نیست، این بدان معناست که ما کار خودمان را پیش می‌بریم. شاید بهترین فرصت برای رسیدن به کیفیتی مقفول این است که متقاضی آن باشید، چرا که زمانی ما می‌توانیم پاسخگو باشیم که سوآلی مطرح باشد.

## دکتر حبیبی

ما باید متوجه این امر باشیم که به مقوله کیفیت هم بیاندهشیم.

هیچ کوزه‌گر کند کوزه شتاب      بهر عین کوزه نه بر بوی آب  
هیچ کاسه‌گر کند کاسه تمام      بهر عین کاسه نه بهر طعام  
هیچ خطاطی نویسد خط به فن      بهر عین خط نه بهر خواندن

برای ساختن کوزه به دانش فنی و هنر نیازمندیم، ولی کوزه در عین کوزه نیست و برای نوشیدن آب به کار می‌رود. کیفیت به شکلی که ما از آن تصور داریم نیست، بلکه به شکلی است که لباس زمانه را بر تن دارد و شاکله آن پنهان است، شاکله‌ای که با کمیات قابل اندازه‌گیری نیست و باید آن را درک کنیم و بشناسیم. ما هیچ‌گاه شهری را بر مبنای نگاه کیفی طراحی نکرده‌ایم. ما باید دانش جهانی را فرا گیریم ولی این دانش همواره پاسخگو نمی‌باشد و در واقع این دانش بومی و ارزش‌های نهفته است که باید بدان‌ها توجه داشته باشیم. چگونه می‌توان بین کلام و عمل آشتی به وجود آورد؟ چگونه می‌توانیم زمانی که با کمیات خوی گرفته‌ایم، به کیفیات بیاندهشیم؟ با استفاده از کدامین بازیگران (معلمین، متخصصین، مدیران، جامعه و ...) که نقش دارند و نیرو هستند؟ این مقولات چگونه کیفیت شهر را مطرح می‌کنند؟ در حالی که کیفیت در کشورهای صنعتی به کالا تبدیل شده است، چگونه می‌توانیم از آن‌ها برحذر باشیم؟





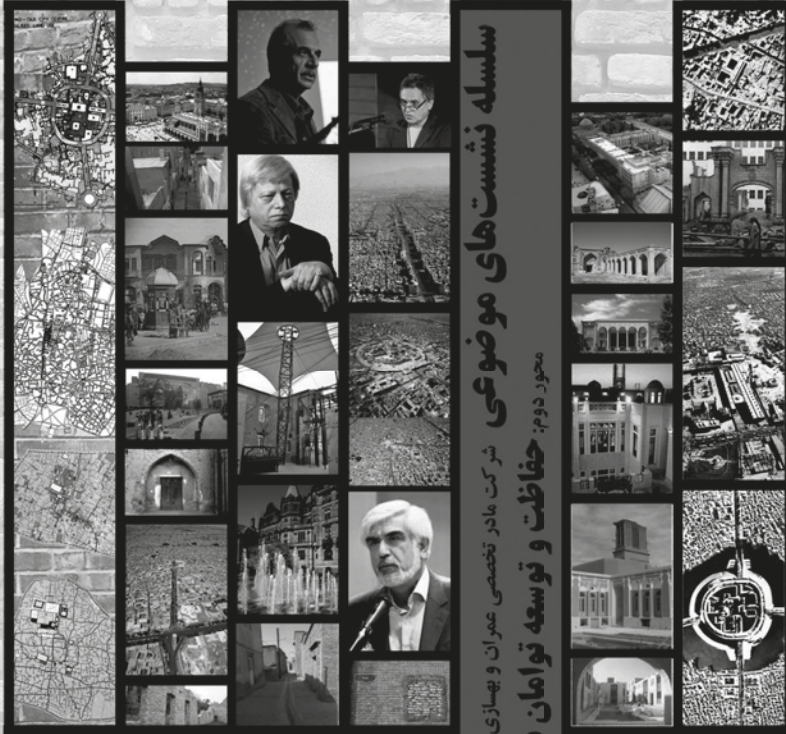


نشست دوم:

# بهسازی محلات تاریخی



مؤسسه ملی تحقیقات  
توسعه و بهسازی شهری ایران  
تهران



## سلسله نشست‌های موضوعی

مجموعه دوم:

حفاظت و توسعه توأمان در بافت‌های تاریخی  
شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران

## پوستر نشست دوم

یکشنبه ۲ شهریورماه ۱۳۹۳  
ساعت ۱۶-۱۴



سازمان توسعه و بهسازی شهری ایران



مؤسسه ملی تحقیقات  
توسعه و بهسازی شهری ایران  
تهران

سخنران:  
دکتر مهدی حجت  
دبیر علمی:  
دکتر محسن حبیبی

آدرس محل برگزاری:

تهران، بالاتر از میدان ونک، خیابان

خدایی، پلاک ۵۱

شرکت عمران و بهسازی شهری ایران

(مادر تخصصی)

تلفن: ۰۱-۸۸۷۸۸۸۶۰

www.udro.org.ir

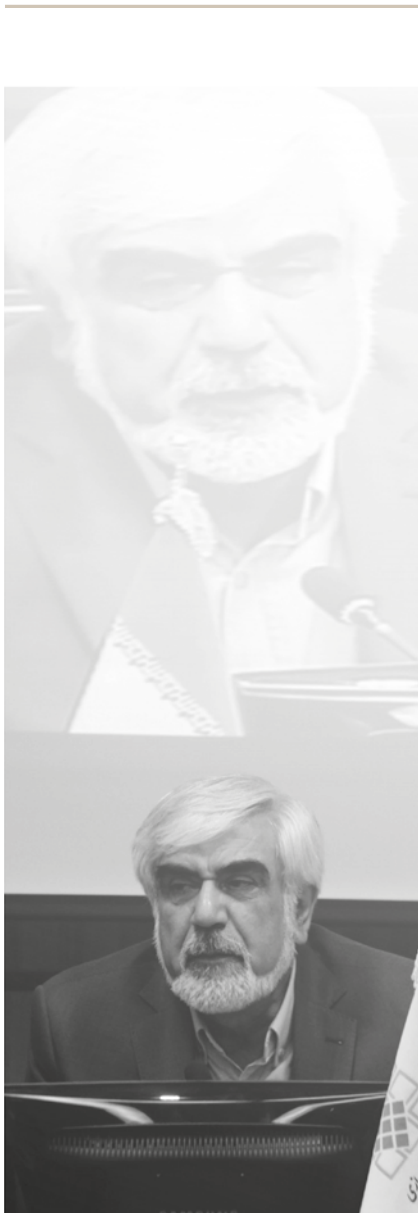




## نشست دوم

### بهبهسازی محلات تاریخی

سخنران: دکتر مهدی حجت  
دبیر علمی: دکتر سید محسن حبیبی  
تاریخ برگزاری: ۱۳۹۳/۶/۲



دکتر مهدی حجت

گزیده ای از رزومه علمی-اجرایی سخنران

- دکتری معماری و حفاظت از بناهای تاریخی دانشگاه یورک انگلستان
- بنیانگذار سازمان میراث فرهنگی کشور (سال ۱۳۶۴)
- رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع-دستی و گردشگری (سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۰)
- نخستین رئیس سازمان میراث فرهنگی کشور
- معاون امور برنامه‌های سازمان صدا و سیما
- معاون وزیر فرهنگ و آموزش عالی
- عضو شورای عالی سازمان اسناد ملی کشور تا کنون
- عضو شورای عالی معماری و شهرسازی
- رئیس شورای مرکزی نامگذاری اماکن کشور
- داور پروژه‌های ملی تا کنون
- عضو شورای هماهنگی مراکز تحقیقاتی کشور
- رئیس موسسه فرهنگی ایکوموس ایران
- مسئول کمیته طرح‌های معماری سازمان سرمایه‌گذاری شهرداری تهران تا کنون
- عضو کمیته پژوهشی استاندارد سازی عمرانی و زیرساخت‌های شهری تا کنون
- ...

## چکیده

شهر مکان تجلی خواست‌های انسانی است و کالبد شهر، عناصر و اجزای آن آینه‌ای است که جامعه در آن متبلور و منعکس شده است و این آینه عملاً بیانگر تمایلاتی است که شهروندان در شهر دارند و اگر قرار است تغییری رخ دهد تغییر در آینه نیست؛ تغییر در شهروندان، هنجارها و رفتارهاست و اصولاً چه آنی که در متن شهر قرار گرفته و چه آنی که در حاشیه شهر قرار گرفته، تصویری از هنجارها و رفتارها در جامعه هستند. شکل‌گیری شهر همچنین تعریف و بازتعریف آن در سه‌گانه‌ی سرزمین (مکان)، تاریخ (زمان) و نگرش به جهان (باورها و اسلوب‌ها) استوار است و هویت شهر از رابطه‌ای که با این سه‌گانه دارد، حس می‌شود، در نتیجه هرگونه بافت اصطلاحاً تاریخی، تاروپود و نظم و نسب خود را دارد و هرگونه اقدامی در این بافت‌ها نیازمند به یک راه و رسم خاص است بنابراین با یک الگو نمی‌توانیم به همه این بافت‌ها بپردازیم.

## دکتر حجت

آن‌چه که امروزه در مورد آن بحث می‌گردد، **نوع مجوز و نحوه دخالتی** است که ما در شهرها انجام می‌دهیم. شهر مجموعه‌ای از عناصر معماری و همه خواست‌ها و نیازهای انسان است که در کنار یکدیگر تجلی یافته و یک فضای اجتماعی را تشکیل داده است. هیچ عنصری در شکل‌گیری شهر نقش نداشته مگر این‌که از پس نیت و خواستی باشد. حال این خواست خواه جنبه عملکردی داشته، خواه پاسخگوی عواطف و احساسات انسان باشد. شهر به مثابه آینه‌ای است که تمام اجزاء و خصوصیات مورد توجه شهروندان اعم از خوب و بد را در خود منعکس می‌سازد. اگر قصد در تغییر و تحول تصویر این آینه را داشته باشیم، می‌بایستی در ابتدا تغییر و تحول را در کسی که روبه‌روی آینه قرار گرفته است ایجاد کنیم، تا در تصویر آن نیز تغییراتی رخ دهد، نه این‌که دستی در تصویر آینه ببریم، زیرا که امری غیرقابل اجراست. ما به شدت به دنبال اصلاحات و تحولات در معماری و شهرسازی هستیم و می‌خواهیم یک معماری معقول ایرانی و اسلامی داشته باشیم، بدون آن‌که بخواهیم تحولی در درون کسی که جلوی آینه قرار دارد ایجاد کنیم. ما آثار گذشتگان را از راه آثار ملموس



برجای مانده از دوران خویش مورد مطالعه قرار می‌دهیم و نظاره‌گر این امر هستیم که تمام خصوصیات، حالات و احوالات، آیین‌ها، اعتقادات و... در شهر منعکس شده است. امروز هم شهرهای ما در ایران، محل انعکاس همه خصوصیات رفتاری و حالات نفسانی درونی ماست و هر نوع دخالت در آن‌ها بایستی دارای یک مجوز و قاعده‌ای خاص باشد، این بدان معناست که برای عمران و بهسازی شهر بایستی روش و اسلوب ویژه‌ای در نظر داشته باشیم. ما با چه قاعده، روش و ترتیبی به این مجموعه‌ها وارد و در آن‌ها تغییر ایجاد می‌کنیم؟ آنچه که به اتفاق حادث می‌شود، را یک آیین می‌دانیم. به عنوان مثال فرض کنید، مکان‌هایی که با نام اسکان غیررسمی (خاک سفید، حلبی‌آباد و ...) وجود دارند، حتی با توجه به شکل و شمایل، روابط و عناصری که در آن به کار گرفته شده است، شکل گرفته‌اند و پدید آمده‌اند و کاملاً گویای این امرند. اساساً فرهنگ اجتماعی ما و فرهنگ هر سرزمینی در هر جامعه‌ای منبعث از مکان و زمانی است که در آن اتفاق می‌افتد همچنین باورها و اعتقاداتی که بر آن مجموعه حاکم می‌باشد. جغرافیا در کیفیت به وجود آمدن معماری و شهرها تأثیرگذار است. در طول تاریخ بر احوالات ما چه گذشته است و شاهد چه حوادث و رخدادهایی بوده‌ایم، تجربیاتی که از طریق آزمون و خطا از این اتفاقات کسب کرده‌ایم و بر کیفیت زندگی مان تأثیرگذار بوده است، امری غیرقابل انکار است. همچنین باورها و اعتقاداتمان را در نحوه شکل گرفتن محیط زیست به روشنی شاهد هستیم، بنابراین می‌توانیم به وضوح شاهد تأثیرپذیری زندگی از سه عنصر تاریخ، جغرافیا و باورها باشیم.

شهر یا یک اثر معماری محل ثبت و ضبط داده‌های فوق‌العاده ارزشمند و طولانی مدت مدنیت، بدین منظور که هرآنچه به عنوان بافت در یک شهر قرار می‌گیرد، محل تجلی مجموعه ارزش‌هایی است که در آن مکان و در گذر زمان بر اساس باورها منبعث شده است. پس با یک پدیده ارزشمندی مواجه هستیم که این پدیده ارزشمند، خلق الساعه و مانند یک فناوری صنعتی نیست که بتوانیم آن را به وجود آوریم. شهری دارای هویت است که توانایی این امر را داشته باشد که تمامی داده‌های مکانی و زمانی طولانی مدت خود را به نحوی در خود مذبور کند که اگر کسی با آن مواجه شود، آن را درک کرده و احساس قریبی با آن دیار داشته و آن را هویت‌مند بداند.

اگر به یک بافت ارزشمند بنگریم و توجه داشته باشیم، یا حتی به بافتی که ارزش‌های زیادی به همراه ندارد (اسکان غیررسمی و...) ولی نماینده نوعی از آن زندگی است که در آن‌جا شکل گرفته است، در هر حال ما با یک بافت مواجه هستیم. حال منظور از بافت چیست؟ آیا بافت ارتباط ویژه‌ای دارد که در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند؟ هنگامی که عناصری در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و رابطه و قاعده ویژه‌ای را بین خود برقرار و یک بافه ایجاد می‌کنند، اینجاست که یک بافت شکل گرفته است.

تقریباً تمام خصوصیتی که بافت فرسوده اطلاق می‌بهر عین کاسه نه بهر طعام شود، مجموعه‌ای از عناصری است که در کنار هم دیگر قرار گرفتند و اولین خصوصیت آن این است که ساده نیست. حال ساده نبودن به چه معناست؟

در کنار هم قرار گرفتن عناصر به صورت پیچیده، روابطی را ایجاد می‌کند که در وهله اول با آن آشنا نیستیم. امروزه ما سعی در از بین بردن این مقولات و ساده کردن آن‌ها داریم. نوع فضای شهری که امروز ما به سمت و سوی آن گرایش پیدا کرده‌ایم، هندسه‌ای ساده دارد و چون ساده است، آن را تحسین، درک و نیز توصیه می‌کنیم، اما هنگامی که به یک بافت پیچیده و درهم‌تنیده مراجعه می‌کنیم، آن را غیر قابل تداوم می‌پنداریم و راه‌حل آن‌ها را دخالت از راه‌های تجمیع، تملک و تعریض می‌دانیم و این بافت‌ها را به ریزدانی متهم می‌کنیم. ریزدانی دارای بافه‌ای پیچیده و درهم‌تنیده است و چون ما درک درستی از آن‌ها نداریم در این اندیشه‌ایم که باید به سمت هندسه‌ای ساده سوق دهیم. درست است که امروزه از هندسه فرکتال صحبت در میان است، اما متوجه این امر نیستیم که این قسمت از شهر، دارای یک بافه اجتماعی بسیار پیچیده است که تمام روابط اجتماعی آن باهم در ارتباط و پیوسته هستند و تجلی در بافه فیزیکی دارد. ما قصد در ساده کردن این معقولات اجتماعی داریم زیرا که درک درستی از آن‌ها نداریم. خطری که در مقوله تخریب و نوسازی ما را تهدید می‌کند، این است که ما را از ارزش‌ها دور کرده و به عقب‌تر بر می‌گرداند.

امروزه بحث بر این است که باید مداخله توأم با مشارکت عمومی باشد و جمعیت برانگیخته شوند. اگر قرار بر این امر باشد که مشارکتی واقعی وجود داشته باشد، بایستی قواعد آن از درون موجودیت بیرون بیاید. تفاوتی ماهوی بین دو کلمه **رشد** و **توسعه** وجود دارد.





کلمه توسعه از وسع به معنای وسعت یافتن می‌آید و در ترجمه لغت DEVELOPMENT و معنای حقیقی آن، گسترش یافتن برای رسیدن به مقصود است. توسعه یک معنا برای گسترش یافتن است اما رشد به معنای دیگری به میان می‌آید. رشد را چه زمانی به کار می‌بریم؟ آیا وقتی که یک گردو را در زمین می‌کاریم توسعه پیدا می‌کند؟ گردو رشد پیدا می‌کند، زیرا در **درون خود قاعده‌ای دارد که در صورت فراهم آوردن شرایط برای رشد خود از آن قاعده تبعیت می‌کند.**

توسعه می‌تواند به هر ترتیبی اتفاق بیفتد، زیرا که توسعه، قانون درونی در خود ندارد. در بافت‌های تاریخی نیازمند به رشد هستیم. برای بهبود بخشی بافت‌های تاریخی شهر، بایستی شرایط مطلوب را برای **رشد** و نه **توسعه** این بافت‌ها فراهم آوریم، زیرا که هر نوع گسترش در آن‌ها مبتنی بر قاعده ذاتی است که در درون خود نهفته دارد و باید مورد انکشاف قرار گیرد. به این جهت هر دخالتی در مجموعه‌های بافت شهری، نیازمند مطالعه انسانی بسیار دقیق و قوی است. بایستی به‌طور حتم قاعده پنهان زندگی موجود در آن فهم شود تا قاعده رشد به درستی درک گردد و بر اساس قاعده رشد عمل شود. حال چگونه صحبت از محرک‌های شهری می‌شود؟ چگونه برای یک گردو محرک ایجاد کنیم؟ **هیچ نوع دخالتی در قاعده رشد آن نداریم، بلکه شرایط مناسبی را برای رشد آن فراهم می‌کنیم.** پرهیز از هر گونه دخالت بیرونی، زیرا که هرگونه دخالت بیرونی باعث نابودی آن می‌گردد. بایستی در بافت‌های قدیمی هم شرایطی را فراهم کنیم که بر اساس قاعده رشد درونی خود، شروع به حرکت، تغییر، رفع معایب، گسترش و ارتقاء یافتن شهر پیش رود. شرطی مهم برای گسترش و تغییر و تحول بافت‌های تاریخی در نظر است که آن شرط، مطالعه و فهم دقیق قواعد پنهان زندگی موجود در اثر است، که با توجه به ارزش‌های نهفته در بافت می‌توانیم در جهت ارتقاء کیفی آن حرکت کنیم. دخالت در بافت شهر به مثابه رفو کردن قالی است. یک رفوگر بایستی دانش و مهارتی بیشتر از یک بافنده قالی را در بر داشته باشد. کسی که در قسمتی از شهر دخالت می‌کند به مانند یک رفوگر قالی است و اولین امری که باید بر آن مسلط باشد، درک درست از قاعده حاکم بر آن بافه (بافت شهر) است.

ما امروزه به عنوان فردی که قرار است در بافت‌های تاریخی دخالت کند باید بدانیم

که شهر به مثابه موجودی است که دارای پیکره است و اندام‌های مختلفی آن را تشکیل می‌دهند، از این رو بایستی در جهت نیازها، ظرفیت و توقعی که از شهر داریم حرکت کنیم، در این هنگام است که مشارکت، توسعه و ... معنای حقیقی خود را پیدا می‌کند.

## پرسش و پاسخ

### پرسش‌گر

در گذشته ارزش‌هایی با نوعی بهتر وجود داشتند ولی، اکنون این ارزش‌ها در بافت‌ها دیده نمی‌شوند. تعریف ارزش‌ها در دوره ای که ما در آن زندگی می‌کنیم بسیار متفاوت است. مردم بر این باورند که تمامی مشکلات توسط معماران و شهرسازان حل خواهد شد؛ این درحالیست که برخی از اقدامات نیازمند معمار و شهرساز نیست بلکه نیازمند جامعه‌شناسان، کارشناسان و فرهنگستان است که باید در ابتدا زمینه‌هایی را برای ورود معماران و شهرسازان ایجاد کنند. به نوعی ابتدا باید لازمه اجتماعی برطرف گردد و سپس به کالبد آن پرداخته شود. بایستی برای درک بهتر ارزش‌های نهفته در بافت برای نسل امروزی تغییر نگرش ایجاد گردد، که این امر نیازمند بسترسازی فرهنگی است.

### دکتر حجت

در حال حاضر با توجه به اینکه ارزش‌ها تغییر یافته‌اند، مستلزم ارائه راهکارهای جدید توسط کارشناسان، جامعه‌شناسان و... هستیم. به عنوان مثال اگر رنگ ماشینی را عوض کنیم شکلی نو به خود خواهد گرفت ولی اگر موتور ماشین تعویض گردد، نمود عینی نخواهد داشت. این بدین معناست که عناصری در موجودات عالم وجود دارد که نمود عینی دارند ولی برخی مانند موتور ماشین نمودی ندارند. جامعه ما از نقطه نظر تحولات احساسی، ادراکی و ارتباطی و ... تغییر یافته است. این حوزه نیازمند به باور و نگاه چند هزار سال سابقه تاریخی ما تا به امروز می‌باشد و بایستی نسبت به آن استوار باشیم و نباید با چند دهه این چنین تغییر یابد.



## پرسش گر

اینکه در بافت های تاریخی و با ارزش ما توسعه ناهمگونی اتفاق افتاده است، برای همگان روشن است. با گذشت زمان و تغییر یافتن نیازهای جامعه، نیازهای ساکنین این بافت ها نیز تغییر پیدا می کند و به نوعی باید این بافت ها به روزرسانی گردند یا مفصل هایی در کنار آن ها طراحی شود. اگر بخواهیم این بافت ها را به صورت زنده داشته باشیم باید تغییر دوره ها، عصرها و قرن ها در آن ها در نظر گرفته شود. امروزه کنار هم قرار گرفتن بافت های قدیمی و مدرن یک معضل به شمار می روند، آیا نباید مفصل ها یا بناهایی را طراحی کرد که منجر به پیوستگی و همگونی در این دو بافت گردد؟

## دکتر حجت

یک شهر با همه بافه، رنگ و نقش هایش به مثابه یک فرش است. اگر قرار بر این باشد که کسی در نقطه ای از آن دست به اقداماتی بزند باید در تناسب با این مجموعه و پیرو قاعده ذاتی شهر باشد نه اینکه مفاصل یا ساختمان های جدیدی اضافه کند. شهرهای ما باید بر اساس قواعد چند هزار ساله خویش به روز گردند و تغییرات پیش رو بایستی بر اساس قواعد درونی باشد.

## پرسش گر

شکل گیری شهرهای امروزه ما بر اساس درآمدزایی و اقتصاد است و اگر چند سال بعد آن ها را بررسی کنیم به وضوح شاهد این هستیم که هیچ مطالعه اجتماعی در پس آن ها وجود ندارد. اگر شاهد از بین رفتن ارزش ها در بافت های قدیمی و با ارزش هستیم، به دلیل عدم ارائه یک الگوی مناسب است و تنها الگوی ما برای معرفی به این ساکنین، آپارتمان نشینی است. چگونه می توان به عنوان مدیران اجرائی در چنین شرایطی ایفای نقش کرد؟



## دکتر حجت

شکل‌گیری هیچ شهری از سه معقوله باورها، زمان و مکان خارج نیست. اگر به دنبال تحقق شهری سالم هستیم، بایستی چیزی را که به مرور رخ داده است، را به تدریج رفو کرد. برای این امر باید بهایی پرداخت شود و در ابتدای راه بایستی ذهنیت‌ها شکل بگیرد و در پی آن به کالبد رسیدگی شود.

## پرسش‌گر

با تعریفی که از توسعه و رشد وجود دارد، در بافت‌های تاریخی و شهری حضور و مداخله بایستی به صورت رفع موانع رشد باشد نه به‌عنوان محرک توسعه. چگونه می‌توان تبیین عملکردی از موضوع داشت با توجه به اینکه در برنامه‌های پیش‌رو محرک توسعه وجود دارد؟

## دکتر حجت

دو نوع محرک توسعه وجود دارد، محرک توسعه انسانی و محرک توسعه فیزیکی. تا محرک جنبه انسانی پیدا نکند، هیچ اتفاقی روی نخواهد داد. با یک اقدام فیزیکی مسیری پیش نمی‌رود و قطعاً احتیاج به این امر است که محرک‌ها در ذهن‌ها تداعی گردند. جامعه‌دانان، اقتصاددانان و... هستند که باید شرایطی را فراهم آورند که در آن شرایط، وضعیت جامعه به نحوی تحول یابد که بتواند روی ساخت فیزیکی خود تأثیر بگذارد.

## پرسش‌گر

اگر شاکله جامعه را به یک پیکر تشبیه کنیم، برنامه‌ریزی در چه سطحی اتفاق می‌افتد؟ مهندسان و شهرسازان در کجای این پیکره قرار دارند و چون در سطح اقدام و اجرا نیستند این موضوعات در چه سطحی مطرح می‌گردد؟



## دکتر حجت

برنامه مقدم بر اقدام است و هیچ اقدامی بدون برنامه معنایی ندارد. نقطه ضعف بزرگ در حوزه برنامه‌ریزی این است که باید بدانیم با چه مجوز و نحوه‌ای وارد یک فضا می‌شویم. اگر برنامه‌ها منظم گردد، اقدامات خیلی خوب و مفیدی هم صورت می‌پذیرد.

## پرسش‌گر

پروژه‌های محرک توسعه در ایران بر چه مبنایی تعریف شده‌اند؟ آیا قرار است پروژه نواب در آن‌ها تکرار شود یا فکر دیگری در پس خود دارند؟ چند نمونه موفق پروژه محرک توسعه که به صورت دخالت نبوده است و شرایط را برای توسعه ایجاد کرده است را بیان نمایید.

## دکتر حجت

در دستگاهی که جنبه اداری و اجرایی دارد، طبیعتاً برای تبیین و روشن‌تر شدن جنبه‌های ذهنی و تئوری، فرصت برای این نیست که بخش عملی آن در غیر اقدام قرار گیرد. مدیریت مجموعه ناچار به این امر است که حرکت و اقدام را توأمان با تفکر و تعلق به کار برد. تعبیری که امروزه شرکت عمران و بهسازی شهری ایران از محرک توسعه دارد، محرک فیزیکی نمی‌باشد. بیشتر جنبه‌های انسانی و اجتماعی را در دستور کار خود دارد اما ممکن است بازتاب فیزیکی در کار خود داشته باشد و دیگر شباهتی پروژه نواب نخواهد داشت. باغ هنر که در واقع در تهران - چهارراه حسابی است، را می‌توان نمونه موفق اجرایی دانست. زیرا که فضای مطلوبی در حوزه آن محیط ایجاد کردند. نمونه موفق دیگر، تبدیل پادگان به خانه هنرمندان است که فضای مطلوب و ارتباطی مؤثر با پارک ایرانشهر، دانشگاه تهران و خیابان طالقانی به همراه داشته است و نوعی ارتباط با عنصر به صورت ارگانیک شکل گرفته است.

## پرسش‌گر

اگر ساخت شهر و شکل‌گیری آن امری دفعی نیست، جایگاه طرح تفصیلی در کجا قرار دارد؟ چرا که بر اساس طرح تفصیلی شهر را ساخته، شکل و

توسعه می‌دهیم، در حالی که طرح تفصیلی خود امری دفعی به حساب می‌آید. توسعه شهر بر مبنای طرح تفصیلی چه می‌باید با توجه به اینکه در طرح‌های تفصیلی جایگاه مشارکت مردم نیز دیده نمی‌شود؟

### دکتر حجت

تمایز بین متخصصین و مردم در کشور از سابقه‌چندانی برخوردار نیست و اخیراً حادث شده است. طرح‌های جامع و تفصیلی متأخر هستند و شهرهای ما بر این اساس ساخته نشده‌اند. تمامی مباحث مطروحه بیان‌گر این امرند که آیا دخالت ما در شهرها و بافت‌ها از قاعده رشد درونی تبعیت می‌کند؟ آیا زمینه‌های رشد در فرهنگ ما فراهم است؟

### پرسش‌گر

ضوابط ملی در دو بند ملی و محلی تدوین می‌شوند، ضوابط ملی شامل ضوابطی هستند که شهر ایرانی-اسلامی را در کلیت مورد حفاظت قرار می‌دهند، و ضوابط محلی و شهری دستورالعمل‌هایی هستند که در سطح شهر، سطح پلاک‌های اجرایی را مشخص می‌کنند. حال اینکه از یک طرف این امر خود مستلزم این است که بافت تاریخی را روابط فرهنگی و اجتماعی حاکم بشناسیم و ساختار کالبدی شهر را در دوره‌های تاریخی و لایه‌های باستانی و پنهان شهر را برای رسیدن به رهیافتی منطقی بدانیم و بدانیم که برای چه کسانی این برنامه‌ریزی به انجام می‌رسد. آیا دستیابی به این رهیافت یعنی دیدن ساکنین فعلی آیندگان و گردشگران امکان‌پذیر است و این امر چگونه تحقق می‌یابد؟

### دکتر حجت

هر پدیده‌ای با پدیده‌های مشابه خود نقاط اشتراک و افتراقی به همراه دارد. به این جهت است که می‌توانیم از انسان با تمام اشتراکاتش صحبت کنیم. ولی در مسئله شهر و مظاهر فرهنگی، نقطه توجه باید بر افتراقات باشد و این افتراقات است که همه چیز را معین می‌کند. اگر طبع آن نقطه از شهر که با آن کار می‌کنیم، توانایی پذیرش مخاطبین غیر ساکن را داشته



باشد، عملاً این اتفاق خواهد افتاد.

## مهندسی صفامنش

اقداماتی که در جلغا و اخیراً در بازار تبریز صورت پذیرفت را می‌توان به عنوان نمونه عینی موفق برشمرد. اقدامات صورت گرفته عبارتند از احترام و ایجاد رونق برای محیط. زمانیکه رونقی در یک مجموعه حادث می‌گردد، بدین معناست که می‌تواند شرایطی را برای رفوی شهر فراهم آورد. بایستی به سابقه افراد در حوزه اقدامات خود بنگریم زیرا که ما در ایران به دنبال فضای غالب هستیم. فضای غالب ما در طول ۷ دهه گذشته از فضای غالب غرب نشأت گرفته و بر اساس آن تغییر یافته است و قرن ۲۰ به بعد قرنی است که در بالاترین سطح دانش و تکنولوژی همراه با بالاترین درجه حماقت توأمان گشته است (کشاورزی عقب افتاده، هیروشیما و...). ما به دنبال آن‌ها حرکت کرده‌ایم و بسیاری از حوادث شهریمان رخ داده است و حتی بافت‌ها، تشکلات جدید و ... بر اساس آن‌ها تغییر یافته‌اند. بنابر ۸۰۰ کتاب نگاشته شده توسط پژوهشگران انگلیسی، پژوهش و علم باعث نگاه جدیدی می‌شود و می‌توان دستاوردهای جدیدی را فراهم آورد. انسان‌های اخیر موجودیت تهران اخیر را می‌سازند لکن قرار بر این نیست که همچنان انسان‌هایی اخیر باقی بمانند. این حوزه‌ها هستند که انسان‌های جدید را می‌سازند و قطعاً شهروندان آینده به علت تقابل و هم‌افزایی اندیشه‌ها شهروندان دیگری خواهند بود به خصوص که زمینه آن از نظر جهانی فراهم خواهد بود. قرن ۲۰ با قرن ۲۱ نسبت به حساسیت‌هایی که برای زندگی بشر مطرح است، تفاوت بسیار مشخصی خواهد داشت، زیرا که نسبت به اتفاقات حادث شده در قرن پیشین خود به صورت آنتی‌تری می‌باشد. اگر در این زمینه‌ها مطالعات کاربردی علمی - پژوهشی داشته باشیم قطعاً به اهداف پیش روی دست خواهیم یافت.

## دکتر یلدا

ما به عنوان متخصصان سال‌هاست در این حیطه تفکر کرده‌ایم و دست به اقداماتی زده‌ایم. در شهرهای ما به علت عدم توجه به مسائل فنی، ضوابط، تبدیل ضوابط به طرح و... برای جلوگیری از حفظ بافت‌های قدیمی و با ارزش فجایی رخ داده است که باید این روند

اشتباه برگردد. بافت‌ها با سرعت زیادی از بین می‌روند (مشهد، دربند و ...) و ما متخصصان کنترلی بر این رویدادها نداریم. برای تسلط کافی بر این موضوعات باید پیرو روند کاری باشیم که از محلات، بافت‌ها و ساختمان‌های با ارزش حفاظت صورت گیرد و بایستی مردم را وارد بر این حیطة کنیم.



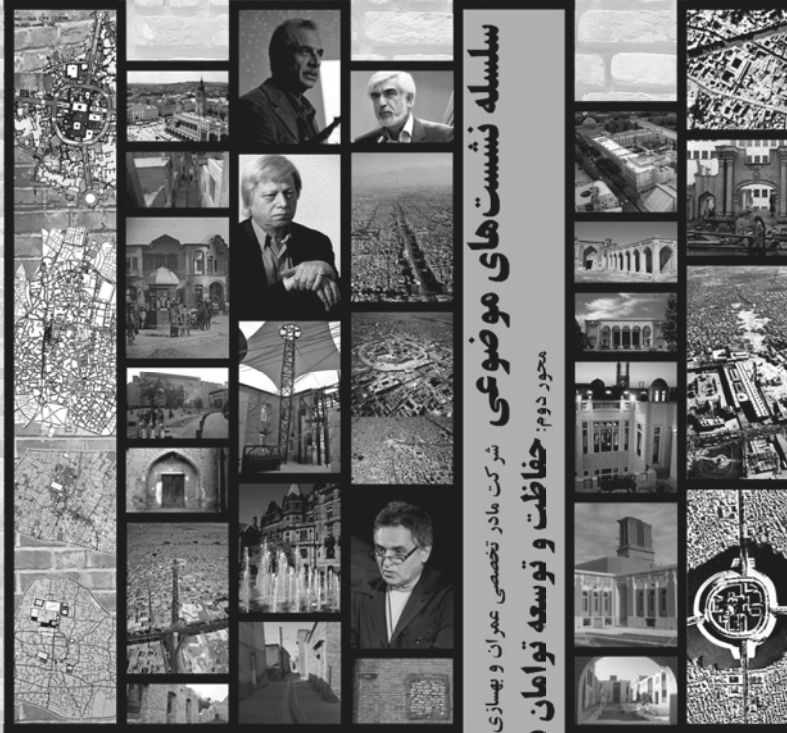


نشست سوم:

# حفاظت و توسعه از نظر تا عمل



مؤسسه ملی برنامه‌ریزی  
شهری و منطقه‌ای ایران  
تهران



## سلسله نشست‌های موضوعی

مجموعه دوم: **حفاظت و توسعه توأمان در بافت‌های تاریخی**  
شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران

## پوستر نشست سوم

یکشنبه ۱۶ شهریورماه ۱۳۹۳  
ساعت ۱۶-۱۴



مؤسسه ملی برنامه‌ریزی  
شهری و منطقه‌ای ایران



سخنران:  
دکتر اسکندر مختاری  
دبیر علمی:  
دکتر محسن حبیبی

آدرس محل برگزاری:

تهران، بالاتر از میدان ونک، خیابان  
خدایی، پلاک ۵۱  
شرکت عمران و بهسازی شهری ایران  
(مادر تخصصی)  
تلفن: ۰۱-۸۸۷۸۸۸۶  
[www.udro.org.ir](http://www.udro.org.ir)





### نشست سوم

#### حفاظت و توسعه از نظر تا عمل

سخنران: دکتر اسکندر مختاری  
دبیر علمی: دکتر سید محسن حبیبی  
تاریخ برگزاری: ۱۳۹۳/۶/۱۶



## دکتر اسکندر مختاری

گزیده ای از رزومه علمی-اجرایی سخنران

- دکتری پژوهش هنر گرایش حفاظت معماری دانشگاه هنر (سال ۱۳۸۶ شمسی)
- معاون حفظ و احیای میراث فرهنگی تهران (سال ۱۳۷۳-۱۳۸۳)
- مدیر پایگاه شهر تاریخی تهران (سال ۱۳۷۵-۱۳۸۸)
- مدیر پایگاه میراث جهانی بوم (سال ۱۳۸۳-۱۳۸۸)
- عضو هیأت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی (سال ۱۳۸۰-۱۳۸۸)
- تالیف بیش از ۵۰ مقاله در زمینه های تاریخ و تحول معماری ایران در نشریات تخصصی داخل و خارج
- مدیریت ده ساله در امر حفاظت، مرمت و نگهداری بناهای تاریخی تهران
- کسب افتخارات متعدد در زمینه های مختلفی چون ثبت تعیین حریم، مرمت و بازسازی بناها و اماکن تاریخی - فرهنگی تهران و فعالیتهای انجام شده در بازسازی بوم پس از زلزله
- ...

## چکیده

قبل از قانون رسمی، قانون عرفی وجود داشته که نانوشته بوده است ولی عمل کرده و این قانون عرفی در زمینه مرمت شهری بسیار قدرتمندتر از قوانین نوشته شده می‌باشد. این دانش بر مبنای شناخت و آفرینش بوده است، آفرینشی که به سه‌گانه بقا، نوسازی و تخریب شکل می‌گیرد و این قانون است که می‌تواند به معماری فاخر و هم‌عرض با آنی که بوده است دست یابد. تحولات اجتماعی امروز ما ناشی از مشروطیت است که مشروطیت به نوعی به شکل‌گیری حیات مدنی منجر شده و توسعه و هویت ملی را مطرح کرده و به عنوان یکی از خواست‌های مدنی انجمن آثار ملی را در سال ۱۳۰۴ تشکیل داده است. و این مطالبه مدنی است که تمنا می‌کند آثار تاریخی به عنوان اموال عمومی و ثروت ملی محسوب شوند. دانش نظری مرمت، توسعه پیدا کرده اما نتوانسته بر کیفیت حفاظت و مرمت تأثیر بگذارد همچنین به جای پایداری ارزشها، توسعه اقتصادی وجه قالب را پیدا کرده است و منابع طبیعی در حال نابودی‌اند و شرایط توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی امکان حفاظت از ارزش‌های تاریخی، طبیعی و فرهنگی را محدود نموده است. حفاظت بیشتر از هر عامل دیگر در گرو برنامه‌های توسعه ملی است. همچنین آراء و افکار صاحبان اندیشه در جامعه تخصصی، افکار عمومی و سازمان‌های غیر دولتی و مردم نهاد می‌توانند بیشتر از هر عامل دیگری در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه ملی تأثیرگذار باشند.

## دکتر مختاری

آنچه که تا کنون حادث شده است را در مقولات زیر بررسی می‌کنیم:

- طرح مسئله
- روند حفاظت
- ارزیابی اقدامات در توالی تاریخی
- نتیجه‌گیری

## طرح مسئله

چرا علی رغم اینکه شاهد توسعه نظری در امر حفاظت هستیم ارزش های فرهنگی هر روز بیش از پیش در معرض خطر و انهدام قرار گرفتند؟ و نکته این است که تعارض در نظر تا عمل به چه دلیل است؟

## روند حفاظت

از دریچه های زیر نگاهی گذرا به موضوع حفاظت در ایران خواهیم داشت:

## از نقطه نظر قوانین

### شرایط قبل از قانون عتیقات

قبل از قانون عتیقات قوانین نانوشته ای را در موضوع مرمت که همان دانش تاریخی مرمت است را حاکم داریم. مرحوم مهندس مهیار هنگامی که بر روی معماری اسلامی قرون اولیه کار می کردند و در مسجد جامع متمرکز بودند، هر جا که به عمق می رفتند یک شگفتی حاصل می گشت، از اینکه چه طور انسان های گذشته وقتی که با یک اثر تاریخی برخورد می کنند و می خواستند آن را برای یک زندگی جدید مهیا کنند، شناخت را اصل قرار داده بر اصل شناخت یک مداخله حداقلی صورت می گرفته است و در کنار آن مداخله حداقلی، یک آفرینش هنری مبتنی بر احترام بر گذشته صورت می پذیرفته است. این امر دانش تاریخی مرمت نام دارد، که همان توسعه فضاهای تاریخی در طول تاریخ هستند.

مهم ترین تحولات سیاسی و اجتماعی و تجلی آن در دو سده اخیر را می توان دوران مشروطه برشمرد. بر اساس این تحول اجتماعی و شکل گرفتن جریان حیات مدنی، شاهد بنیان های نوینی در پایدار کردن ارزش ها هستیم. وقتی که به اساسنامه انجمن آثار ملی می نگریم، متوجه یک دغدغه کلی در آغاز قرن معاصر می شویم که همه صاحبان اندیشه را نسبت به خود حساس کرده است که چگونه می توان به توسعه رسید و در عین حال هویت ملی را حفظ کرد.



## قانون عتیقات، ۱۳۰۹

انجمن آثار ملی در سال ۱۳۰۱ شکل می‌گیرد و در سال ۱۳۰۴ فهرستی از ۲۰۰ اثر شاخص تهیه می‌کند. در پیامد آن قانون عتیقات به سعی مرحوم محمدعلی فروغی تهیه می‌شود که این قانون سرآغاز دوره جدیدی در موضوع حفاظت از میراث فرهنگی است. قانون عتیقات شامل ۲۰ ماده است که ۶ ماده از این ۲۰ ماده مربوط به آثار غیر منقول از قبیل: بناها و مجموعه‌های تاریخی می‌شود و ۱۴ ماده در رابطه با آثار منقول که عمدتاً معطوف به حفاری‌های تجاری می‌شود، است. قانون عتیقات کلیه آثاری که تا زمان زنده‌ی شکل گرفتند را مشمول ثبت آثار می‌کند و از طرف دیگر دولت را مکلف به تهیه فهرستی از این آثار و در موضوعات حقوقی اجازه کتبی وزارت معارف به نمایندگی از دولت و ابلاغ به مالکین اثر را توصیه می‌کند. در بند دیگر ان اعلام می‌دارد که مالکین اثر حق تخریب اثر را نداشته و در صورت وارد کردن هرگونه خسارت، به اموال عمومی خسارت وارد کرده‌اند. در سال ۱۳۲۳ تبصره‌ای مشمول قانون عتیقات می‌شود که آثار دوره قاجار را تا دوره مشروطه هم علاوه بر آثار دوره زنده‌ی مشمول ثبت در فهرست آثار ملی قرار می‌دهد. این قانون در سال ۱۳۵۲ اصلاحیه دیگری را می‌پذیرد که بر اساس آن اصلاحیه قید قدمت از اثر تاریخی برداشته می‌شود و آثار شاخص هنری نیز تحت حمایت قوانین می‌توانند قرار گیرند. ما تا کنون از این قوانین استفاده کرده و بسیاری از آثار دوره معاصر را توانستیم تحت حمایت قانون قرار دهیم. به عنوان مثال از سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ به بعد میدان حسن آباد، سردر باغ ملی، موزه هنرهای معاصر، پارک شفق و گروه صنعتی بهشهر و نیز طیفی از این آثار تحت حمایت حقوقی قرار گرفتند.

## قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی

قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی از دستاوردهای انقلاب اسلامی است که در سال ۱۳۶۴ به تصویب می‌رسد.





## قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۶

بعد از تشکیل سازمان میراث فرهنگی قانون مجازات اسلامی را داریم که قانون مترقی و مکمل قانون عتیقات است.

### مصوبه ثبت میراث طبیعی در فهرست آثار ملی ۱۳۸۴

جالبترین این قوانین، مصوبه‌ای است که در سال ۱۳۸۴ به تصویب رسیده و میراث طبیعی را شایسته ثبت در آثار ملی می‌داند و سازمان میراث فرهنگی را مکلف بر حفاظت از میراث طبیعی می‌کند که درختان کهنسال مشمول این قانون می‌شوند.

### قانون برنامه سوم توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی

### قانون برنامه چهارم توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی

## کنوانسیون‌ها

- ۱- کنگره آتن، ۱۹۳۱
- ۲- معاهده لاهه، ۱۹۵۴
- ۳- کنگره سیام، ۱۹۶۰
- ۴- توصیه نامه یونسکو، ۱۹۶۲
- ۵- کنگره ونیز، ۱۹۶۴
- ۶- معیارهای کیوتو
- ۷- اجلاس پاریس، ۱۹۶۸
- ۸- کنگره رم، ۱۹۷۲
- ۹- معاهده پاریس، ۱۹۷۲
- ۱۰- بیانیه بوداپست، ۱۹۷۲
- ۱۱- معاهده حفظ میراث و فرهنگ جهانی، ۱۹۷۳
- ۱۲- شورای اروپا، ۱۹۷۵
- ۱۳- کنگره بولونیا، ۱۹۷۵

- ۱۴- بیانیه روتنبرگ، ۱۹۷۵
- ۱۵- بیانیه آمستردام، ۱۹۷۵
- ۱۶- توصیه نامه ناپروبی، ۱۹۷۶
- ۱۷- منشور فلورانس، ۱۹۸۲
- ۱۸- بیانیه ترینیداد، ۱۹۸۲
- ۱۹- بیانیه درسدن، ۱۹۸۲
- ۲۰- بیانیه رم، ۱۹۸۳
- ۲۱- منشور واشنگتن، ۱۹۸۷
- ۲۲- بیانیه لوزان، ۱۹۹۰
- ۲۳- معاهده ماستریخت، ۱۹۹۲
- ۲۴- دستورالعمل کلمبو، ۱۹۹۳
- ۲۵- سند ناراء، ۱۹۹۴
- ۲۶- بیانیه سنت آنتونیو، ۱۹۹۶
- ۲۷- منشور صوفیه، ۱۹۹۶
- ۲۸- منشور بورا، ۱۹۹۶
- ۲۹- بیانیه استکهلم، ۱۹۹۸
- ۳۰- بیانیه ایکوموس، ۱۹۹۸
- ۳۱- بیانیه مکزیکوسیتی، ۱۹۹۹
- ۳۲- بیانیه مکزیکوسیتی، ۲۰۰۰
- ۳۳- منشور بارسلونا، ۲۰۰۲

از کنگره آتن تا به امروز کنوانسیون‌های مختلفی در مراجع جهانی به تصویب دولت‌ها رسیدند. یکی از مهم‌ترین این مصوبات کنوانسیون میراث جهانی است که شامل دستاوردهای زیادی است. تقریباً در همه موضوعات که مشمول اندیشه به موضوع حفاظت می‌شوند، کنوانسیون‌ها به جزئیات رفته و گسترش معنایی در موضوع حفاظت در طول ۱۰۰ سال اخیر صورت گرفته، مصادیق موضوع حفاظت تغییر کرده و گسترده شده است. جزئیات چه





در کیفیت‌ها و چه در کیفیت‌ها در معاهدات جهانی مورد لحاظ قرار گرفتند و در مجموع راهکارهای متنوعی را برای نجات آثار تاریخی مورد توصیه قرار دادند. این کنوانسیون‌ها طبق معاهداتی که دولت ایران با مراجع علمی بین‌المللی دارد مورد توجه و قرار است به عنوان میثاق مشترک در دستور کار قرار گیرد.

## تشکیلات

■ اداره کل عتیقات، ۱۳۱۱



قدیمی‌ترین تشکیلات که در سال ۱۳۱۱ شکل گرفته و موضوع آن مرتبط با حفظ میراث فرهنگی می‌باشد اداره کل عتیقات است که هم میراث منقول و هم میراث غیرمنقول را در بر می‌گیرد، که قبل از آن انجمن آثار ملی شکل گرفته است.

■ سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، ۱۳۴۵

سازمان حفاظت آثار باستانی ایران که در سال ۱۳۵۴ تأسیس شد، نقطه شکوفایی قوانین و تشکیلات قبل از انقلاب در حفاظت از ارزش‌های تاریخی است.

■ دفتر سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در ۳۱ استان



برای اولین بار از سال ۱۳۵۴ به بعد مرمت علمی با شیوه‌های نوین جای‌گزین مرمت تجربی می‌شود و دفاتر فنی متعددی در استان‌های معتبر کشور از جهت تعدد میراث فرهنگی تشکیل می‌گردد. آقای مهندس طلایی در یزد، مرحوم شیرازی در اصفهان، مهندس فتح نظریان در کرمان، مهندس دانش دوست در خراسان و مهندس هاشمی در تهران و افراد مختلف در سراسر کشور مسئولیت تأسیس این دفاتر را بر عهده می‌گیرند. این دفاتر دستاوردهای فراوانی را در اجرای مرمت علمی در کشور به عهده دارند. هنوز هم آن چیزی که توسط دفاتر فنی، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی در ایران انجام شده با عنوان سرمشق‌ها و الگوهای مرمت علمی در کشور شناخته می‌شود، زیرا که تمامی مداخلات بر اساس یک طرح از پیش تعیین شده در این آثار صورت می‌پذیرفت، احتیاط به فراوانی مورد نظر مداخله‌گران و مرمت‌گران بود و تیم‌هایی از باستان‌شناسان، مهندسان ساختمان هم، معماران را مورد حمایت قرار می‌دادند.



■ اداره کل حفاظت بناها و محوطه های تاریخی، ۱۳۵۲

در سال ۱۳۵۲ اداره‌ای با عنوان اداره کل حفاظت بناها و محوطه‌های تاریخی شکل می‌گیرد که عهده‌داری ثبت و تعیین حریم و حمایت حقوقی از آثار را وظیفه خود قرار می‌دهد. شکل‌گیری این اداره کمک می‌کرد به اینکه موضوع اجرا و حمایت حقوقی مرمت دو امر متفاوت ولی مکمل در کنار یکدیگر تلقی شوند.

■ سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۶۷

سازمان میراث فرهنگی کشور در سال ۱۳۶۷ بعد از قانون ۱۳۶۴ تشکیل می‌شود، که این آغاز اختلال در امر حفاظت و مرمت بناها و محوطه‌های تاریخی به دلیل غلبه رویکرد اداری بر رویکرد دفاتر فنی می‌باشد. سازمان میراث فرهنگی به دلیل نبود مکانی مناسب با دفاتر فنی مستقر در استان‌ها ادغام و باعث اختلال در اقدامات دفاتر می‌گردد. انگیزه‌ها و نوع منش که در دفاتر فنی وجود داشت دیگر با تشکیلات سازمان میراث فرهنگی قابل اعمال نبوده و شأن اجرایی تبدیل به یک شأن اداری می‌گردد. در نتیجه ما از نظر تشکیلات توسعه پیدا کردیم ولی کارایی خود را از دست دادیم.

## آموزش

در حیطه آموزش در ظاهر یک حرکت رو به رشد داشتیم ولی در باطن و معنا حرکتی سینوسی داشته‌ایم. قبل از تشکیل سازمان ملی حفاظت معماران با تجربه‌هنگامی که در دستور کار خود حفاظت را داشته تصمیم می‌گرفتند زیرا که دانش تاریخی حاکم بوده است. در دوره انجمن آثار ملی مهندسان در کنار این معماران قرار گرفتند، یعنی استاد محمد کریم پیرنیا با معمار محمودی کار و یک تیم را تشکیل می‌دادند، و این ترکیبی بود که دستاورد موفق چون مرمت میدان نقش جهان اصفهان را در پس خود داشت. از نمونه‌های موفق دیگر معمار محمودی و استاد پیرنیا می‌توان اقدامات صورت گرفته در کاخ گلستان تهران را برشمرد، امروزه دیگر کار استاد پیرنیا و معمار محمودی از دوره قاجاریه خیلی قابل تمیز نیست.

بعد از تشکیل سازمان ملی حفاظت از آثار باستانی استاد پیرنیا به توصیه مرحوم فروغی



دوره‌های ۶ ماهه‌ای را برای آشنایی با ظرائف ترتیب دادند. تمام دانش فراگرفته شده توسط پیرنیا و دیگر اساتید در این دوره‌ها انتقال حس، عاطفه و ادراک می‌بود. در این دوره هم‌زمان از دانش‌آموختگان امر مرمت به ایران آمدند ( دکتر بصیری، دکتر کسای، دکتر فلامکی، شیرازی و... ) و بنیان‌گذار مرمت علمی در کشور شدند و در پی آن دانشکده فارابی ( پردیس هنر اصفهان) در سال ۱۳۵۶ تأسیس گردید و این امر آغاز نهادینه شدن امر مرمت بود. در گذشته در دانشگاه تهران و دانشگاه ملی دو دفتر فنی مرمت تشکیل شده بود ولی مستقل نبودند، رشته مرمت برای اولین بار در دانشکده فارابی که بعدها به پردیس هنر اصفهان تبدیل گشت نهادینه شده است.

مشکلی که بعدها سازمان میراث فرهنگی با آن مواجه شد، تربیت عده‌ای تکنسین توسط اساتید و دانش‌آموختگان در داخل و خارج ایران بوند که این عده تکنسین از کارگاه‌ها وارد دانشگاه شدند و در پی این اقدام تأسیس رشته کارشناسی و کارشناسی ارشد مرمت صورت پذیرفت. با این امر ما در صدد تربیت مدعیان مرمت هستیم نه مرمت‌گر. به عبارتی هدف از حفاظت به سمت آموزش حفاظت پیش رفت. علی‌رغم اینکه مقاطع آموزشی تغییر کرده و متعدد گشته و توسعه یافته‌اند ولی اشتغال آن‌ها در بناهای تاریخی امری محتمل نیست و در پی آن استادکاران را از دست داده‌ایم.

هم‌زمان با انقلاب اسلامی ایران در حدود ۱۰۰۰ اثر در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است و بعد انقلاب تا کنون در حدود ۳۳۰۰۰ اثر است. این کثرت آثار که مشمول موضوع حفاظت شدند، تدبیر اجرایی و مدیریتی ندارند؛ و گویی فقط ثبت شده‌اند.

در مورد کاوش‌های باستان‌شناسی موضوع دردناک است. کاوش باستان‌شناسی اقدامی ضد حفاظتی است. با این اقدام از تپه زاغه، حسن‌لو، جیرفت، تپه ازبکی، چال ترخال، عشق‌آباد در جنوب تپه میل چیزی باقی نمانده است و تأسف بار است که از برخی این کاوش‌ها هم گزارشی در دست نیست و ثبت نشده است.

با کارگاه‌های مرمتی که تعداد آن‌ها کم نیست، اقتداری را از استاد کاران و معماران تجربی سلب و این مسئولیت را به دانش‌آموختگان جدید واگذار کرده‌ایم و این دستاوردی بدون کیفیت و ناقص و علمی بدون عمل است. اگر قرار بر این باشد که در مرمت به سمت

کیفیت پیش رویم، باید استادکار داشته و استادکار در اثر تداوم پرورش میابد و یک روزه خلق نمی‌گردد.

بالاترین دستاورد را بایستی موضوع میراث جهانی پنداشت چراکه از جهت شأنی برای کشور پدید آورده است و هم از جهت کاری که در فرآیند ثبت پرونده و میراث جهانی و بعد از آن صورت می‌گیرد یک دستاورد است. به عنوان مثال ثبت جهانی چغازنبیل، بم و ... صورت پذیرفت و تعداد آن‌ها به ۱۸ سهم رسیده است.

### رویکرد در مقیاس

رویکرد برای آغاز از اثر تاریخی شروع شد بعد ناگزیر به سمت مجموعه‌های تاریخی که در کنوانسیون‌ها، قوانین ملی ایران و در اقدامات مربوط به بافت تاریخی که یک موضوع پر چالش در توسعه شهری است، پیش رفت، و بعد شهر تاریخی که قابل تفکیک با شهر امروزه نیست و در نهایت به منظرهایی فرهنگی ختم می‌گردد و این نقطه امیدی در امر حفاظت می‌باشد. رویکرد دچار تغییری شده است که این تغییر از اثر تاریخی به محیط اطراف اثر و در نهایت به مقیاس‌های فرهنگی رسیده است که این امر خود یک دستاورد بزرگ در نظریه‌پردازی موضوع حفاظت است. اگر قصد در حفاظت داریم باید مقیاس نگاه را به نگاه LANDSCAPE CULTURE ببریم. اگر می‌خواهیم تهران را حفظ کنیم باید نگاه آمایشی داشته باشیم و بایستی همه چیز را با هم ببینیم. این نگاه موضع‌نگر است که ویرانی در پی خود دارد و تناسب را از دست می‌دهد.

نکته مهم دیگر LANDSCAPE CULTURE چون با موضوع فرهنگ و انسان رابطه داشته و محیط را می‌بیند، بنابراین گذشته نزدیک را هم باید لحاظ کنیم و به عبارتی گذشته نزدیک تاریخ آینده است.

### روش‌ها

طیفی از روش‌ها را شاهد هستیم:

- اتکاء به تجربیات تاریخی
- بهره‌گیری از علوم و اتکاء به دانش تاریخی





- روش‌های علمی و بی‌نیازی از تجربیات گذشته
  - مداخلات غیر علمی و شتابزده تخریب و به نام تعمیر
  - روش‌های علمی فراگیر
  - ارزیابی اقدامات در توالی تاریخی
- ارزیابی در دو مقیاس اثر تاریخی و شهر تاریخی قابل بررسی می‌باشد:

## اثر تاریخی

شامل ۴ مرحله می‌شود:

**مرحله اول:** دانش تجربی معماری است که خود توان تولید ارزش را داشته است، در گذشته هر اقدامی خود به نوعی ارزش بوده است.

**مرحله دوم:** ۱۳۴۵ - ۱۳۰۱: دانش تجربی را با رویکرد جدیدی در موضوع مرمت وارد کرده‌ایم.

**مرحله سوم:** ۱۳۶۷ - ۱۳۴۵: تلفیق انجمن آثار ملی و انجمن حفاظت ملی آثار استانی است که در این مرحله استادکار تربیت می‌شود.

**مرحله چهارم:** ۱۳۶۷ تاکنون: تجربیات تاریخی خود را فراموش کرده و نمی‌شناسیم. عدم اتکاء به تجربه‌های ارزشمند گذشته. در پیش گرفتن سازوکاری نو با اتکاء به دانش نوپای مرمت دانشگاهی. کثرت و تعدد کارگاه‌های مرمتی، شیوع اقدامات ناتمام. گستردگی وظایف سازمان‌های مسئول و نقصان امکانات.

امروزه یکی از بزرگترین چالش‌ها این است که امر مرمت به صورت پیمانکاری قابل اجرا نمی‌باشد ولی این امر بعد از انقلاب از طرف سازمان برنامه در دستور کار سازمان میراث فرهنگی قرار گرفت و اجرای مرمت به صورت امانی را ممنوع اعلام داشت. و اینگونه بود که استادکاران خود را از دست دادیم.



## شهر تاریخی

شامل ۴ مرحله می‌شود:

**مرحله اول: ۱۳۳۲-۱۳۰۳:** اتومبیل باید بتواند در شهر حرکت کند. بنابراین ساختار شهر تاریخی بایستی تغییر کند و توسعه پیرامونی نیز ناگزیر است و هر سه این معقولات دارای بار منفی هستند. اتفاقی که در زمان رضاشاه تا کودتای ۲۸ مرداد حادث شد، این است که هنوز ارزش‌های جایگزین قابل تولید هستند. امروزه بدنه‌های خیابان‌های رضاشاهی بدنه‌های با هویت شهر هستند، چراکه هنوز دانش تجربی وجود داشت و استادکاران مستقل بودند.

**مرحله دوم: ۱۳۵۷-۱۳۳۲:** بعد از کودتای ۲۸ مرداد و آمریکایی شدن تمام صورت‌های توسعه شهری انفعالی ناکارآمد در رابطه با شهرهای تاریخی رخ می‌دهد که تا زمان انقلاب ادامه دارد.

**مرحله سوم: ۱۳۷۰-۱۳۵۷:** بعد از انقلاب کوشش وسیعی برای احراز هویت صورت می‌پذیرد.

**مرحله چهارم: ۱۳۹۰-۱۳۷۰:** بعد از جنگ دوره سازندگی آغاز می‌گردد و این مرحله چالشی بین پایداری یا انهدام است و بسیاری از کوشش‌ها نافرجام ماند و امیدها از میان رفت تا به شرایط امروز رسیدیم.

اصل مسئله این است که حفاظت در یک مقابله نابرابر با توسعه ملی قرار گرفته است. هر دو در یک سطح قرار نگرفته‌اند و در جدالی نابرابر و در تقابل با یکدیگرند.





## نتیجه گیری

گسترش دانش نظری امری محتوم و قطعی است ولی از طرف دیگر ارزش‌ها در مخاطره بیشتری قرار گرفتند که دلیل آن توسعه ملی است. آهنگ توسعه ملی با حفظ ارزش‌ها یک نسبت معکوس پیدا کرده است.

دانش نظری مرمت با وجود توسعه‌یافتگی، نتوانسته بر کیفیت حفاظت و مرمت تأثیرگذار باشد.

به جای پایداری ارزش‌ها و توسعه فرهنگی، توسعه اقتصادی است که وجه غالب پیدا کرده است. لجام گسیختگی برنامه توسعه ملی در تقابل با برنامه‌های سرزمین است. صاحبان اندیشه تدبیر نداشته‌اند که به تقابل برنامه توسعه ملی رسیده‌اند. در حال حاضر نه تنها اعتقادی به لزوم ماندگاری ارزش‌ها وجود ندارد بلکه ارزش‌ها از میان رفته‌اند.

امری که تاکنون نادیده گرفته شده است این است که ارزش‌ها و موضوع میراث فرهنگی، شهرها و بناهای تاریخی جزء حقوق عمومی هستند و از حقوق عمومی باید دفاع کرد. روندی که امروزه حادث می‌شود، حقوق خصوصی است که به بهانه مالکیت ارزش‌ها نابود می‌گردند. حفظ از هر نوع ارزش از جمله بنا و شهر بیشتر از هر عامل دیگری در گرو برنامه‌های توسعه ملی است. صاحبان اندیشه، مردم و NGOها بیش از هر کس دیگری باید در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه ملی تأثیرگذار باشند. آینده حفاظت و تعامل با طرح توسعه ملی در دستان ما (کارشناسان) قرار دارد و این مدیران هستند که نقش دوم را ایفا می‌کنند.

## پرسش و پاسخ

### مهندس بلوچ

در بخشی که روند آموزش را عنوان کردید، یکی از بهترین جملات این بود که بهتر است طراحی نکنیم، در طی این چند سال گذشته همیشه مطرح بوده است که شما به عنوان یک مرمت‌گر باید بدانید که چگونه طراحی کنید. بحث دیگری که مطرح گشت تعدد زیاد در اساتید مرمت بود که نیازی بدان‌ها نیست. خیر اینگونه نیست که نیاز نباشد، مسئله این است که چارتی که در این باره مطرح شده است این نیاز را بر طرف نمی‌کند. در این سال‌هایی که ما در دانشکده‌ها مرمت را فرا گرفتیم، اساتید محترمی داشتیم که وقتی از چارت مقرر شده به خطا رفتند، آن زمان ما توانستیم چیزی را فراگیریم. **چیزهای زیادی در کارگاه‌ها یاد گرفتیم ولی این فراگیری‌ها جایگاهی در دانشگاه نداشتند. این یک روند گسسته در آموزش است و همه ما عالم نظری هستیم: باید چه راه حلی برای این روند یافت؟**

### دکتر مختاری

من به این روند، برنامه و نحوه تدریس آموزش اعتراض دارم. این روند خروجی ندارد و از دوره دیدن، کسی استاد نمی‌شود و برنامه‌های توسعه ملی اینگونه فقط برای ما جنبه سرگرمی دارند.

### مهندس طلائی

از گذشته‌ها به کار مرمت پرداخته‌ام و آنچه که دکتر مختاری بیان کردند تجربه و عمل بوده است. در گذشته مهندسان معماری تعداد کمی بودند از این جهت آن‌ها را جذب می‌کردند و برای آن‌ها حمایت و هدایت وجود داشت. در گذشته برای جذب متخصصین سعی به عمل می‌آمد و این روند متفاوتی بود که حاصل آن این است که از سال ۱۳۵۲ تا به امروز ۱۰ سال تولید و عمل درست و رشد را در بر داشته است، رشد آن این بود که دانشجویان زیادی به امید فعالیت در این رشته تحصیل کرده‌اند و این خود، یک سرمایه به حساب می‌آید.



## مهندس محرمی

به چند نکته به عنوان ضعف‌های موجود در رابطه با مباحث مطرح شده می‌پردازم:

■ ناکافی بودن آگاهی متخصصان و مردم از ارزش‌های فرهنگی و تاریخی است، فارغ از مردم حتی مسئولین و متخصصین اطلاعات کافی از ارزش‌ها ندارند.

■ رفتار انقباضی و احتیاط بیش از حد سازمان میراث فرهنگی بناها را به نوعی ایزوله کرده است و این احتیاط بیش از حد ناشی از ضعف بدنه کارشناسی آن است.

■ نگاه توریستی صرف داشتن به بناها و بافت‌های تاریخی است، مانند باغ فین کاشان که آن را تبدیل به پارک کرده است.

■ عدم ارتباط مناسب مسئولین میراث فرهنگی با سایر ارگان‌ها چراکه تنها متولی بناهای تاریخی، میراث فرهنگی می‌باشد.

■ بالا رفتن سرعت توسعه شهری و کند بودن روند حفاظت از بافت‌های تاریخی که در نتیجه این روند باعث ایجاد یک رقیب برای بافت‌های کهنه و با ارزش می‌گردد.

■ نبود طرح جامع برای بافت‌های تاریخی، در واقع برای بافت‌های تاریخی هیچ‌گاه برنامه خاصی وجود نداشته است.

**در کل نگاه سرزمینی کشور و برنامه آینده و چشم انداز این بافت‌ها چه خواهد بود؟**

## دکتر مختاری

برنامه‌های توسعه ملی نسبت به موضوع حفاظت از ارزش‌های طبیعی و فرهنگی یک سوءنگر، بخشی‌نگر و بی‌تفاوت‌اند.

## مهندس خداوردی

توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی امکان حفاظت از ارزش‌های تاریخی، طبیعی و فرهنگی را محدود کرده است. آیا در طی سال‌های گذشته ریشه‌یابی درباره این



موضوع که حفاظت، خود باعث عدم حفاظت گردیده، صورت گرفته است؟ اگر ما چیزی را برای حفظ میراث از چرخه توسعه جدا و از آن حفاظت کنیم، آیا برنامه‌ای برای تعامل این دو وجود داشته است؟ ارزش به نفع توسعه ملی نیز خواهد بود آیا در این زمینه که شرایطی فراهم گردد که حفاظت توأمان با چرخه اقتصادی و درآمدزایی برای حفاظت باشد برنامه‌ای وجود داشته است؟

### دکتر مختاری

این برنامه‌ها در ظاهر به اسم توسعه هستند ولی در باطن توسعه نیستند. قبل از انقلاب ۳۰ درصد جمعیت در شهرها و ۷۰ درصد در روستاها ساکن بودند ولی امروزه ۷۰ درصد شهرنشین و باقی روستاییانی هستند که تولیدی ندارند. آیا نام این امر را می‌توان توسعه نهاد؟ آیا درست است که ما اقتصاد میراث فرهنگی را در میدان نقش جهان متأثر از میزان بلیط فروشی اماکنی از قبیل: مسجد شیخ لطف الله، عالی قاپو و مسجد شاه بدانیم؟ این امری غلط است و همیشه نگاه بدین گونه بوده است. اقتصاد میراث فرهنگی این نیست اقتداری است که جوانان را در این سرزمین نگاه می‌دارد، اگر جوانان از کشور نرفتند، آن هنگام اقتصاد میراث فرهنگی رخ داده است.

### دکتر شفائی

هدف حفاظت جای خود را به هدف آموزش داده است یعنی به نوعی هدف تغییر یافته است. آموزش هیچ‌گاه هدف نیست بلکه برای رسیدن به حفاظت یک وسیله است.

### مهندس سربازی

ما معماران اشتباهاتی را که در تخریب آثار باستانی پیش می‌آید، انجام نمی‌دهیم، ولی این اتفاقات رخ می‌دهد. دو مشکل عمده وجود دارد:

(۱) مهندسان عمران، که به خود اجازه ساخت و ساز، طراحی، تخریب و بازسازی را می‌دهند و در نتیجه ساختمان‌های با ارزش از بین می‌روند.

(۲) شرکت‌هایی که دارای اشخاص حقوقی هستند و این شرکت‌ها در ساختار خود مهندس و



اشخاص حقیقی ندارند و مجوز هر گونه ساخت و ساز و تخریب را دارند. در رابطه با تخریب و اتمام منابع طبیعی، ما کشوری مهاجرپذیر هستیم و بیشتر جمعیت روستاهای ما را مهاجرین تشکیل می‌دهند و این باعث می‌شود مصرف بالا رود و منجر به اتمام منابع شود.

### **مهندس بدری**

در سال‌های گذشته، ما همواره از تفکر در حوزه حفاظت بناها و اماکن تاریخی آسیب دیده‌ایم، دید کاسب‌کاران است که عمدتاً به زمین بناهای تاریخی چشم دارند و با مداخلات خود تجدید برگشت ناپذیر را بیش از ظرفیت بناها بارگذاری می‌کنند و دیدگاهی اولترامیراثی دارند، یعنی به نوعی بیش از پیش به دنبال حفاظت موزه‌ای از بناها هستند و یکسری تفکر سوسیالیستی که به نوعی این تفکر را نقد می‌کنم. الان صحبت از ۳۳۰۰۰ آثار ثبت شده در کشور است، آیا قرار است همه آثار مذکور را دولت مرمت و نگهداری کند؟ آیا قرار است که تمامی کارشناسان و استادکاران را دولت و مزد پرداخت کند؟ ما باید به سوی هدف پیش روییم، پیشنهاد کارشناسان اقتصاد احیاء این است که باید بازار میراث فرهنگی شکل گیرد. وقتی که بازار میراث فرهنگی شکل گیرد، ارزش‌های بناها متلبور می‌شوند و این خود بناست که با ارزش می‌گردد. برای اینکه بازار شکل گیرد باید افکار عمومی را حساس و شبکه‌های اجتماعی را شکل داد. باید تبلیغات کرد و سبک زندگی را تغییر داد. بایستی پروژه‌های پیشگام اجرا کرد و شبکه‌های علمی تشکیل داد. وقتی بازار، ارزش این بناها را پیدا کند آن زمان است که بازار از دانشگاه استادکار می‌خواهد. آن هنگام است که استادکاران برمی‌گردند و کارگاه‌های فعال در سراسر کشور چندین و چند برابر می‌شوند. حفاظت باید پلورال، متکثر و غیر متمرکز باشد. دولت فقط باید برنامه‌ریزی کرده و استانداردها را وضع و نظارت کند و آن بناهایی که ما در حرفه خودمان به اسم نفایس می‌شناسیم، را در تملک و حفاظت خود قرار دهد.

## مهندسی برومند

در تمام کشورهای دنیا شاهد توسعه هستیم. توسعه جزء جدایی ناپذیر حرکت و تحول در جامعه بصری است. ولیکن توسعه انواعی از قبیل توسعه نامتوازن و ناهمگون و توسعه متوازن و همگن دارد. آن چیزی که در ایران مشاهده می‌شود توسعه همگن و متوازن نمی‌باشد بلکه توسعه‌ای نامتوازن است و بعد از انقلاب قرار بر این بود که ما استقلال ملی و توسعه متوازن داشته باشیم ولیکن متأسفانه سیاست‌هایی که در کشور ما اجرا می‌شوند، به گونه‌ای است که به سمت توسعه نامتوازن سوق داده شده‌ایم. دلیلی که برای این پدیده آوردند، این است که ایران مثل کشورهای چین، هند و مصر و ... که همه به نوعی توسعه خود را بر مبنای پتانسیل‌های خودشان شکل می‌دهند، ما نیز چون جزء تمدن‌های کهن دنیا هستیم، یکی از شاخص‌ها و پتانسیل‌های مهم کشور ما آثار تاریخی و شاخص‌های تمدنی ما است. در رابطه با محیط زیست نیز همین گونه است. ما اکوسیستم‌های نادر، شاخص و ارزنده‌ای در سطح دنیا را دارا هستیم و بنابراین محیط زیست طبیعی ما نیز باید یکی از شاخصه‌های توسعه باشد یعنی ما باید به این‌ها توجه داشته باشیم. ما هم می‌بایستی تجدید نظر کلی در رابطه با برنامه‌های توسعه داشته باشیم.



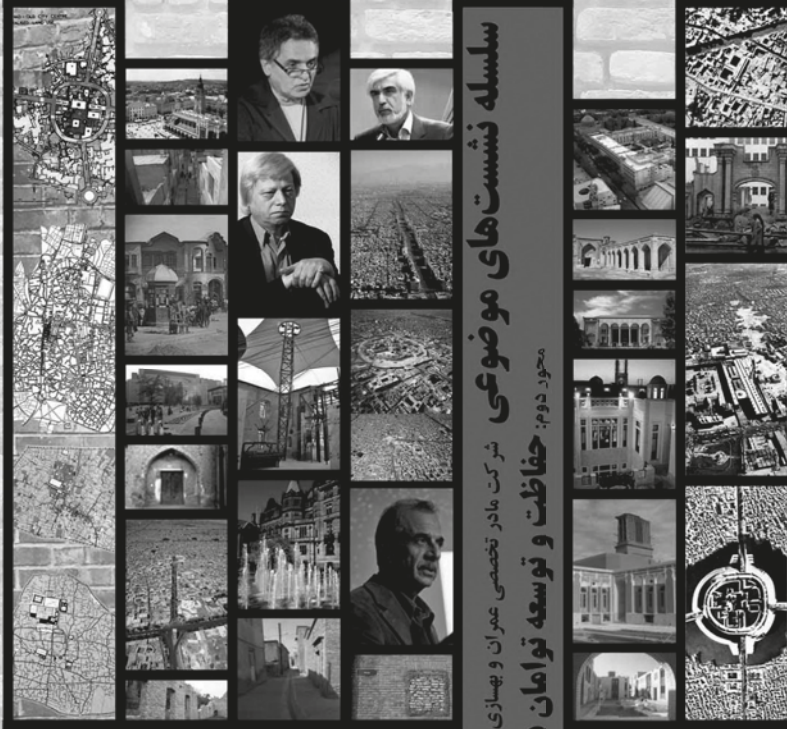


نشست چهارم (جمع‌بندی):

# حفاظت و توسعه دو امر متعامل یا دو امر متقابل



سازمان ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهرهای ایران  
تهران



سلسله نشست‌های موضوعی  
محور دوم: حفاظت و توسعه توأمان در بافت‌های تاریخی  
شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران

پوستر نشست چهارم



یکشنبه، ۳۰ شهریورماه ۱۳۹۳  
ساعت ۱۶-۱۴

سخنران:

دکتر سید محسن حبیبی



آدرس محل برگزاری:  
تهران، بالاتر از میدان ونک، خیابان  
خدایم، پلاک ۵۱  
شرکت عمران و بهسازی شهری ایران  
(مادر تخصصی)  
تلفن: ۱-۸۸۷۸۸۸۶۰  
[www.udro.org.ir](http://www.udro.org.ir)







### نشست چهارم

حفاظت و توسعه دو امر متعامل یا دو امر  
متقابل

سخنران: دکتر سید محسن حبیبی  
تاریخ برگزاری: ۱۳۹۳/۶/۳۰



دکتر سید محسن حبیبی

گزیده ای از رزومه علمی - اجرایی سخنران

- دکتری شهرسازی دانشگاه پاریس فرانسه سال (۱۹۸۱ میلادی)
- دیپلم تخصصی تحقیقات پیشرفته در شهرسازی دانشگاه پاریس فرانسه (سال ۱۹۷۸ میلادی)
- عضو شورای عالی نظارت بر توسعه شهری تهران (از سال ۱۳۹۲)
- عضو هیئت امنا بنیاد دانشنامه نگاری (از سال ۱۳۹۳)
- عضو پیوسته کرسی هنر و معماری هیأت حمایت از کرسی های نظریه پردازی (از سال ۱۳۹۲)
- عضو شورای عالی راهبردی مراکز تاریخی شهر تهران سازمان میراث فرهنگی (سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۱)
- مشاور عالی سازمان زیباسازی شهر تهران (از سال ۱۳۸۹)
- ریاست پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران (سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹)
- عضو هیأت مشورتی انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران (سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶)
- عضو شورای راهبردی و هدایت طرح توسعه شهری (جامع) تهران (سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴)
- عضو شورای پژوهشی سازمان میراث فرهنگی (سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴)
- مشاور معاون معماری و شهرسازی وزارت مسکن و شهرسازی (سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹)
- مشاور رئیس سازمان میراث فرهنگی کشور (سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰)
- عضو کمیته معماری و شهرسازی فرهنگستان هنر (از سال ۱۳۷۹)
- مولف، پژوهشگر و استاد برگزیده حوزه معماری شهرسازی در سال های مختلف
- مدیریت پروژه های متعدد علمی، پژوهشی و اجرایی کشور
- تالیف کتب و مقالات متعدد پرمخاطب در زمینه های معماری و شهرسازی در داخل و خارج از کشور

## چکیده

حفاظت، لازمه حیات است و این معنای واقعی حفاظت است. اگر حفاظت در میان نباشد حیات منقضی می‌گردد، بنابراین حفاظت لازمه رشد و توسعه است و شرط رشد، حفاظت می‌باشد. از کودکی تا پیری شرط لاینفک زندگی آدمی، حفاظت است و اساساً حفاظت در زمان و با زمان مصداق می‌یابد، بدون حفاظت، رشد و توسعه که هر دو بسته به زمان هستند بی‌معنا می‌گردند. حفاظت در گرو دو دانش فنی و زیستی-فرهنگی است. سه‌گانه حفاظت، نوسازی و تخریب با احیاء و تخریب مجموعه‌ای هم بسته بوده‌اند و ما امروزه این دانش را از دست داده‌ایم. حفاظت همواره با یادگرفتن، یاد دادن و به یاد آوردن همراه بوده است، یعنی سه‌گانه یاد، همواره حضور دارد و یاد آوردن بسیار مهم است زیرا حافظه جمعی و تاریخی را می‌سازد و در امر حفاظت معنا می‌یابد.

## گزیده‌ای از سخنرانی مهندس سیدمحمد بهشتی شیرازی (ارزش‌های جوهری در حفاظت بافت‌های تاریخی) به نقل از دکتر سید محسن حبیبی

ارزش‌های جوهری اصولاً مواردی هستند که به بقای جامعه کمک یا آن را تعریف می‌کنند و با دگرگونی زمانه همراه و لباس زمانه را می‌پوشند، ولی تغییر ماهوی نمی‌یابند. دگرگونی امری اجتناب‌ناپذیر است؛ هر امر یا موجودی دچار تغییر و تحول می‌شود ولی جوهر وجودی و ارزش‌های خود را حفظ می‌کند و بنابراین ارزش‌های جوهری امری وجودی هستند و می‌توانند در شکل‌های متفاوت موجودیت پیدا کنند و هر زمانه‌ای از زمانه دیگر متفاوت باشد که نمونه‌های عینی آن در معماری ما بسیار است. جهان در حال شدن است و این یعنی آفرینش دائمی و نوشدن و در واقع آفرینشی که ارزش‌های جوهری به عنوان شاکله در پس شکل‌ها ظهور پیدا کرده و متجلی می‌شوند و از این می‌توان نتیجه گرفت که یکی از ارزش‌های جوهری مدنیت است و جامعه مدنی و مدنیت در تکاپویی که داشته است، شهر را آفریده و به عبارتی شهر، محصول جامعه مدنی است که امری کیفی تلقی می‌شود. و چون کیفی است بنابراین محصول تاریخی است که ارزش‌های جوهری توانسته‌اند به اطوار گوناگون ظاهر شوند و ما آن‌ها را امروز می‌بینیم و امروزه شهر با این اطوار و گوناگونی



تعریف می‌شود. شهر مکانی است در مقابل هیچ‌جا و نامکان و بنابراین یک هویت خاص در برابر هویت عام است. به همین دلیل آن چیزی که بدان مدنیت گفته می‌شود و شاکله شهر می‌نامیم، در هر زمانه‌ای و در هر سرزمینی دگرگونی و دگردیسی می‌یابد بنابراین حال شهر با این دگرگونی‌ها و دگردیسی‌ها تعریف شده که مملو از ظهورها و صور متفاوتی هستند که شهر در گذر زمان از خود نشان داده است. این تدبر زمانی را با دو دانش می‌توان اندازه‌گیری کرد:

**دانش فنی** (دانش زمانی) دانشی که تدبر و تحول علم و فن در آن مشهود است؛

**دانش زیستی - فرهنگی** (دانش تاریخی) که دانش تاریخی سرزمینی است.

اگر شهری با این ۲ دانش همراه نگردد، نمی‌تواند محل مدنیت باشد و شرط استقرار را باید در این تحول دید. بافت تاریخی حاصل انباشت ارزش‌های جوهری است که در نسل‌های گذشته بازپرداخت شده است و هر نسلی مهر و نشان خود را بر این ارزش‌ها زده است و چیزی به آن افزوده و آن چیزی که اکنون با آن رویاروی هستیم، حاصل ارزش‌های مکانی و ارزش‌های فرهنگی بین نسلی است و به یک نسل خاص تعلق ندارد. توسعه شهر افزودن به شهریت شهر تعریف شد که چگونه این توسعه، شهریت را تعالی می‌بخشد و آن را شکل می‌دهد. بنابراین تاریخ شهر یعنی گذشته، حال و آینده شهر و پیوندی که این سه‌گانه را باهم خواهد داشت و بقا و پایداری شهر از این سه‌گانه حاصل می‌شود. توسعه پایدار توجه به بقا و پایداری است یعنی حفاظت از مفهوم دوگانه زیست‌بوم یعنی گفت‌وگو و هم‌بستگی بین توسعه و حفاظت می‌باشد. مسئله برای امروزه این است که چگونه با آن دو دانش (دانش فنی و تاریخی سرزمینی) بتوانیم تولید معماری به همان غنا، فاخریت و معنا داشته باشیم. چگونه؟ پس می‌توان نتیجه گرفت که نوسازی شهری امری **کیفی** است و نه امری کمی و این امر کیفی جزء با شناخت ابعاد جوهری شهر ناممکن خواهد بود و قادر نخواهیم بود که با مقداری از کمیات، شهر را بازتعریف کنیم، پس برای شناخت، تدبیر و فراستی لازم است که در حال حاضر موجود نبوده و باید آن را فراگرفت. شهر فقط با یک حس ادارک نمی‌شود و بایستی حواس پنج‌گانه خود را در شهر به کار بریم تا شهر را بشناسیم. اگر توانستیم با این نگاه و

ادراک شهر را ببینیم آن زمان متوجه خواهیم شد که نه فقط شهر بلکه هر فضای شهری رنگ و بوی خود را دارد و مهم این است که ما حساسیت‌های حسی را تقویت کنیم. اگر این حساسیت‌ها نباشد یعنی فراموشی، گم‌گشتگی و از یاد بردن. به نقل از زمیل: **"گم‌گشتگی عاطفی در کلان شهرها"** به معنی از یاد بردن کیفیت بوده که راه حل آن شناخت خود و شبیه خود بودن است. امروزه بازیگران شهری اعم از مردم و مسئولان، مدیران، کارشناسان و ... به از خود بیگانگی عاطفی دچار شدند و هویت ویژه خود را نمی‌شناسند و سرگشته می‌باشند و این امر نشانه بحران مدنیت است. حضور در شهر یعنی زندگی شهری، مدنیت، درجایی بودن، جاری شدن و به هستی دست یافتن و تمنای حضور در شهر در حال تبدیل شدن به یک مطالبه اجتماعی است و این مطالبه اجتماعی یعنی در آستانه خروج از بحران مدنیت ایستادن و بازیافتن هوشیاری و تمنای زندگی داشتن و این تمنا تا تحقق یافتن، راهی طولانی در پیش خواهد داشت و نیازمند مراقبت ویژه از جمله: پرداختن به سه‌گانه **یاد گرفتن، یاد دادن و به یاد آوردن** دارد.

### گزیده‌ای از سخنرانی دکتر مهدی حجت (بهسازی محلات تاریخی) به نقل از دکتر سید محسن حبیبی

مجوز نحوه دخالت ما در شهرها چیست؟ کدامین قاعده و کدامین اسلوب و رأس را به کار می‌گیریم؟ شهر مکان تجلی خواست‌های انسانی است و کالبد شهر، عناصر و اجزای آن آینه‌ای است که جامعه در آن متبلور و منعکس شده است و این آینه عملاً بیانگر تمایلات و تمنیات است که شهروندان در شهر دارند و اگر قرار است تغییری رخ دهد، تغییر در آینه نیست؛ تغییر در **شهروندان، هنجارها و رفتارهاست** و اصولاً چه آنی که در متن شهر قرار گرفته و چه آنی که در حاشیه شهر قرار گرفته، تصویری از هنجارها و رفتارها در جامعه هستند. در سال‌ها پیش، مامفورد این معقوله را به شکل دیگری بیان می‌کند: **"شهر ثمره تمدن جامعه‌ایست که در آن شهر زندگی می‌کند"**. باورهای فرهنگی، اجتماعی و آرمانی، در بازتولید فضای شهر نقش دارد و در واقع ظرف تجربه انسان بوده، برای اینکه بتواند باورهای خود را در فضا متبلور کند. با سه‌گانه سرزمین (**مکان**)، تاریخ (**زمان**) و



نگرش به جهان (باورها و اسلوب‌ها) به شهر می‌توان نگر بست. عمدتاً شکل‌گیری، تعریف و بازتعریف شهر در این سه‌گانه استوار است و هویت شهر در آن‌ها و از رابطه‌ای که با این سه‌گانه دارد، حس می‌شود، در نتیجه هرگونه بافت اصطلاحاً تاریخی، تار و پود و نظم و نسب خود را دارد و هرگونه اقدامی در این بافت‌ها نیازمند به یک راه و رسم خاص است. با یک الگو نمی‌توانیم به همه این بافت‌ها بپردازیم و بافت چگونگی استقرار و هم‌نشینی اجزاء و عناصر با یکدیگر هستند و پیچیدگی که در هم‌نشینی و هم‌جواری شکل می‌گیرد، روابط پیچیده‌ای را ایجاد می‌کند که این روابط نمی‌تواند به راه‌حل‌های کالبدی فرو کاهیده شود و نیازمند است که با یک هندسه پیچیده با آن‌ها برخورد شود. فضای مدرنیستی هندسه‌ای ساده دارد و این هندسه ساده کالبدی با هندسه پیچیده اجتماعی و فرهنگی تقابل ندارد و گرفتاری برای ما ایجاد می‌کند. ریزدانی، ناپایداری و نفوذناپذیری بیش از آن‌که کالبدی باشد، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. ریزبافت بودن شهر کهن یا بافت‌های تاریخی سر در تزئین نداشته و خود تزئین هستند و این زیبایی به دلیل انباشت اجتماعی، فرهنگی و کالبدی و انباشت فرهنگی بین نسلی است. این زیبایی، زیبایی است که نسل‌ها در آن سهیم بودند و در یک نسل خلق نگشته است. هر ازگاهی فضاهای شهری که به نظر ما بزهکار جاهای ویژه هستند دارای محیط‌های عاطفی قدرتمندی بوده که در بسیاری از موارد قوی‌تر از بافت‌های به ظاهر سامان یافته عمل می‌کنند. پس نمی‌توان با الگوهای ساده مدرنیستی به پیچیدگی، سرزندگی و تراوتی که حاصل از محیط‌های عاطفی است پاسخ گفت و کار بست این الگوها اگر اندیشمندانه باشد، جز روان‌پریشی شهری چیزی را به بار نخواهد آورد و در واقع نمی‌توانیم با تخریب محیط‌های عاطفی به از خود بیگانگی عاطفی دچار نشویم. گم‌گشتن با غریب بودن متفاوت است؛ در گم‌گشتن می‌توان با پرس و جو راه را پیدا کرد ولی در غریب بودن چنین امکانی وجود ندارد و به سادگی نمی‌توان آشنا و اهل جایی شد. نو شدن امری مه‌دوم است و آن چیزی که به عنوان نو ساخته می‌شود، اگر هم عرض با آنی که بوده است و بتواند با آن هم‌نشین شود، کاری نو است و در غیر این صورت این کار سر در بیراهه خواهد داشت. این تاریخ باید با ساز و کارهای اجتماعی وفق داده شود و از درون آن‌ها بیرون آورده شود. تعریف رشد و توسعه؛ رشد منوط به ساز و کارهای درونیست که فقط باید

شرایط را برای آن فراهم آورد و توسعه ساز و کار بیرونی است که می‌تواند در تقابل با رشد قرار گیرد. چگونه می‌توانیم این ساز و کار درونی را با پدیده‌های ذاتی بازشناسیم و بتوانیم با آن هم‌ساز شویم؟ اقدام بیرونی عمدتاً دخالت بوده و سازو کار درونی امری درونی می‌باشد که باعث رشد می‌گردد. فراهم آوردن شرایط متناسب برای رشد مطلوب با توجه به قواعد ذاتی پدیده در امر حفاظت بافت تاریخی می‌باشد. کار در بافت شبیه به رفوگری می‌باشد و رفوگر باید از بافنده چیره‌دست‌تر باشد، بایستی رنگ را بهتر بشناسد زیرا که رنگ در گذر زمان تغییر یافته است و باید تار و پود را بهتر بشناسد او فقط یک بافنده ساده فرش نیست و به مراتب باید بیشتر طبع بافت را بشناسد و بنا به آن طبع، محرک‌های رشد را فراهم آورد و به همان اندازه که نمی‌توان شهر را مومیایی کرد، نمی‌توان آن را نیز سلاخی یا کالبدشکافی نمود و شناخت قاعده ذاتی و ظرفیت‌های پنهان و آشکار نهفته در شهر و بافت‌های آن شناخت روح و روان و شاکله شهر است و مسئله اینجاست که اجازه دهیم این شاکله، خود در شکل ظهور پیدا کند و در چهره شهر منعکس شود.

### گزیده‌ای از سخنرانی دکتر اسکندر مختاری (حفاظت و توسعه از نظر تا عمل) به نقل از دکتر سید محسن حبیبی

۹ گانه‌ای وجود دارد که از قوانین آغاز و به شهر تاریخی ختم می‌گردد:

#### (۱) قوانین

قبل از قانون رسمی، قانون عرفی وجود داشته که نانوشته بوده است ولی عمل کرده و این قانون عرفی در زمینه مرمت شهری بسیار قدرتمندتر از قوانین نوشته شده می‌باشد. این دانش بر مبنای شناخت و آفرینش بوده است، آفرینشی که به سه‌گانه بقاء، نوسازی و تخریب شکل می‌گیرد و این قانون است که می‌تواند به معماری فاخر و هم‌عرض با آبی که بوده است، دست یابد. تحولات اجتماعی امروز ما ناشی از مشروطیت است که مشروطیت به نوعی به شکل‌گیری حیات مدنی منجر شده توسعه و هویت ملی را مطرح کرده و به عنوان یکی از خواست‌های مدنی، انجمن آثار ملی را در سال ۱۳۰۴ تشکیل داده است. و این مطالبه مدنی است که تمنا می‌کند که آثار تاریخی به عنوان اموال عمومی و ثروت ملی محسوب شوند.





## ۲) کنوانسیون‌ها

همه منشورها به این اعتبار می‌رسند که حفاظت و توسعه توأمان تا جایی که مقصد توسعه حفاظت می‌شود تأکیدی جدی داشته باشند.

## ۳) تشکیلات

تقریباً تشکیلات از اداره عقیدات تا مجموعه حفاظت از آثار باستانی تا میراث فرهنگی و از یک راه بی‌بازگشت در زمینه مرمت شهری می‌باشد. از دیدگاه نظری تحول جدی پیدا شده و میراث به ثروت تبدیل گشته و نگاه از میراث به نگاه از ثروت برگشته است ولی در زمینه مرمت اجرایی، این امر از یک شأن اجرایی به یک شأن اداری تنزل یافته است. این امر دوگانه‌ایست که در مقابل ما قرار دارد و باید بتوانیم با آن‌ها جدال داشته باشیم. مرمت و نگهداری اگر فراموش نشده باشد، کم اعتنا گشته به همین دلیل آثار ثبت شده به یغما رفته‌اند.

## ۴) آموزش

آموزش مرمت از لحاظ نظری پیشرفت داشته ولی آموزش واقعی مرمت یعنی آن چیزی که در انجمن آثار ملی بود عملاً به قهقرا رفت. یک معمار و یک مهندس در کنار یک استادکار با یکدیگر راه پیش می‌بردند و یا به عبارتی دانش فنی و دانش تاریخی با یکدیگر آمیخته می‌شدند. این دانش فقط به عنوان یک فن منتقل نمی‌گشته بلکه به عنوان یک احساس منتقل شده و به نوعی صاحب حس بوده است. گستردگی دانش نظری مرمت در دانشگاه‌ها عملاً به جدایی بین عمل و نظر منتهی گشته است و این در حالی است که استادان فن، آرام آرام در حال از میان رفتن هستند و مرمتگر تربیت شده این رابطه را با مرمت برقرار نمی‌کند. هدف از حفاظت به آموزش حفاظت تقلیل یافته است.

## ۵) اقدامات

در سال ۱۳۰۴ انجمن آثار ملی با ۲۰۰ اثر تاریخی تا به امروز با ۳۳۰۰۰ اثر تاریخی به ثبت رسیده و ثبت ۱۸ اثر جهانی گام بزرگی بوده که به جلو برداشته شده است، در حالی که دست‌های سازنده اثر را از دست داده‌ایم. آثار ثبت می‌شوند برای آنکه ثبت شوند. این امر



فقط در زمینه مرمت آثار نبوده و در زمینه کاوش‌ها هم این اتفاقات صورت می‌گیرد بنابراین به امر ضد حفاظت مبدل گشته است.

## ۶) رویکرد در مقیاس

حفاظت از مقیاس بنا تا مجموعه، بافت، بافت تاریخی، شهر تاریخی و منظر فرهنگی تأکید داشته و دیگر یک اثر در مقیاس یک بنا قابل بررسی نیست بلکه در زمینه آن باید بررسی شود و نمی‌توان برخورد موضعی و نقطه‌ای داشت بلکه باید برخوردهای متعدد و موضوعی داشت. حفاظت از اثر یعنی حفاظت از منظر فرهنگی اثر بنابراین یعنی حفاظت از منظری که تحول تاریخی یافته همچنین حفاظت فقط به گذشته نیست، بیش از اینکه متعلق به گذشته باشد متعلق به آینده است.

## ۷) روش

روش در حفاظت بیش از آنکه امری نظری باشد امری کاربردی و کاربرستی بوده و متکی بر تجربیات تاریخی داشته‌ها و بهره‌ها از دانش تاریخی (زیستی-محیطی) می‌باشد. ترکیب دانش و علم و همسازی و هماهنگی آن را آموختن حفاظت از ثروت فرهنگی همراه با شایستگی و فرزاندگی مرمتگر می‌باشد و تا زمانی که به این امر نرسیم، امر دخالت بیهوده است و مداخله شتاب‌زده به مراتب خسارت بیشتری را وارد می‌سازد. در روند مرمت اجرایی بایستی هم زمانه را درک کرد هم دانش تاریخی را به همراه داشت، مرمت آمیخته‌ای از تجربه و علم است بنابراین روندی است که در طول آموزش صورت گرفته و آموخته‌ها بیشتر می‌شود. کاربرست دانش تجربی در امر مرمت یکی از پایه‌های عمده است و امر مرمت یک امر و دیوان سالاری و اجتماعی است. اقدام در اثر یعنی در حضور خالق اثر بودن بحثی که "لودوک" در قرن ۱۹ مطرح نمود.

## ۸) اثر تاریخی

اثر تاریخی تاکنون چهار مرحله را گذرانده است و ما امروز تجربیات تاریخی خود را فراموش کرده و نمی‌شناسیم. عدم اتکاء به تجربیات ارزشمند گذشته و در پیش گرفتن سازوکاری نو با اتکاء به دانش نوپای مرمت دانشگاهی از مهم‌ترین عوامل این فراموشی است.



## ۹) شهر تاریخی

مفهوم شهر تاریخی از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۳۲ با ورود اتومبیل دگرگون می‌شود. ساختار شهر تاریخی دگرگون شده ولی در این فاصله به علت حضور استادکاران آن بدنه‌ها و جداره‌های شهری که با علم روز ساخته شد توانست رابطه را با دانش تاریخی برقرار کند و کالبدی نسبتاً با هویت را در این سال‌ها داشته باشد. در فاصله ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ جدایی شهر تاریخی از شهر امروز می‌باشد و این امر با حضور طرح مدرنیستی، آمرانه و یک سوی صورت گرفت و شهر تاریخی با انفعال روبه‌رو شده. از سال ۱۳۵۷ تا کنون نیز آرزوهای نافرجام برای شهر تاریخی شکل و کوشش‌هایی برای احراز آن انجام گرفته شد. ولی عمدتاً چالشی که مقابل شهر تاریخی قرار دارد، چالش پایداری یا انهدام است و شهر تاریخی بین این دوگانه قرار گرفته که همراه با انبوهی از طرح‌های ناتمام، پوشش‌های نافرجام و آرزوهای از دست رفته می‌باشد. حفاظت از شهر تاریخی در مقابله‌ای نابرابر با توسعه ملی قرار گرفته و گزینه‌های حداقلی که مطرح می‌گردد، نسبت به آهنگ شتابانی که توسعه دارد یک امر معکوس است و جنبه انهدام آن بیشتر است. ارزش اقتصادی، سودهای آنی بر حفاظت، پایداری ارزش‌ها و سودمندی‌های آتی غلبه یافته و همه منابع ملی و آثار تاریخی در این مقابله نابرابر قرار گرفته‌اند و غلبه نگاه توسعه‌گر را با نقش عمده که کارشناسان توسعه‌گر در آن دارند به ضرر حفاظت آثار و منابع ملی می‌دانستند و در آخر از یاد برده شده است که حفاظت آثار در گرو حفاظت توسعه ملی و روی دیگر آن است.

### گزیده‌ای از سوالات مطرح شده توسط حضار به نقل از دکتر سید محسن حبیبی

■ چگونه می‌شود در مقیاس کلان مباحث ملموس باشد ولی در مقام عمل نه؟

■ چگونه می‌توان با درک نادرستی که از توسعه و حفاظت وجود دارد که با جامعه کارشناسی خو گرفته، با کمیت و کمیت‌گرایی کنار آمد؟

■ چگونه می‌توان الزامات زندگی امروز را با ارزش‌های جوهری همساز کرد؟

بازیگرانی که در این سرگشتگی و نابسامانی نقش دارند چه کسانی هستند؟

- چطور در کشورهای دیگر، به خصوص در غرب عبور از کمیت به کیفیت رخ داده است ولی در کشور ایران خیر؟
- آیا هجوم به بیرون شهر مترادف با جست و جوی کیفیت زندگی به صورت فردی نیست؟
- آیا می‌شود در حضور جامعه سوداگر از کیفیت زندگی سخن گفت؟
- چگونه می‌توان بین حفاظت، توسعه پایدار و تجاری شدن فضا تعادل برقرار کرد؟
- اگر کیفیت خود یک امر کالایی شده باشد، چه کیفیتی مورد نظر است؟
- اگر کالبد شهر برابر نیروهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، مدیریتی و کارشناسی و... باشد، آیا لازم نیست که کیفیت همه این ابعاد مورد بررسی قرار گیرد؟
- جامعه مدنی علی‌الاصول جامعه قانونی است، چگونه می‌توان به اجرای قانون پرداخت؟
- آیا ارزش‌های ذاتی آن‌گونه که بوده‌اند، وجود دارند؟ یا دگرگون شده‌اند؟ اگر دگرگون شده‌اند، می‌توان به آن‌ها پایبند بود؟
- دگرگونی ارزش‌ها چه پاسخی دارد؟
- نوسازی شهری مفهومی اجتماعی یا مفهومی کالبدیست؟
- به روزرسانی و امروزی شدن شهر چگونه رخ می‌دهد؟ و چگونه می‌توان تغییرات زمانه را در آن دید؟
- آیا باید همیشه با دوگانه کهن و امروزی مواجه بود؟
- چگونه می‌توان مفهوم رشد و توسعه را همسو کرد؟
- طرح‌های محرک توسعه بر مبنای کدامین ارزش‌ها قرار دارند؟ ذاتی‌اند یا سوداگر؟
- در برخورد با بافت‌های شهری متفاوت، مخاطبان متفاوت، چگونه مورد خطاب قرار می‌گیرند؟
- چگونه می‌توان به اجرا اندیشید وقتی که هنوز تفاهمی برای تعاریف وجود ندارد؟
- چگونه می‌توان آموزش شهرسازی و مرمت شهری را دگرگون کرد وقتی که تجربه عملی در دانشگاه‌ها جایی ندارد؟





- در عدم آگاهی مردم در امر مرمت، حفاظت و ارزش‌های آن در برابر رفتار انقباضی سازمان میراث فرهنگی، چگونه می‌توان به توسعه شهری شتابان و سوداگر پاسخ گفت؟
- آیا حفاظت به خاطر حفاظت به ضد حفاظت تبدیل نمی‌شود؟
- چگونه می‌توان میراث فرهنگی را به مدد توسعه ملی آورد؟
- چگونه می‌توان به خود حفاظتی رسید؟
- آیا تنها دولت متولی میراث و حفاظت میراث فرهنگی است؟
- آیا نمی‌توان با تحریک بازار میراث فرهنگی به توسعه حفاظت پرداخت؟
- چگونه می‌توان به دگرگونی سبک زندگی برای حفاظت از ارزش‌ها عمل کرد؟
- آیا نمی‌توان از طریق شبکه‌های اجتماعی، ارزش‌های میراث فرهنگی را به بازار وارد کرد؟
- توسعه، جزء تفکیک ناپذیر تحولات شهری و انسانی است، چگونه می‌توان بین توسعه همگن و متوازن و توسعه شتابان و ناهمگن فرق قائل شد؟
- چگونه می‌توان بین سیاست و حفاظت رابطه سازنده برقرار کرد؟

### دکتر حبیبی

وقتی صحبت از توسعه و حفاظت به میان می‌آید، از دو امر متعامل یا دو امر متقابل صحبت می‌کنیم؛ اصولاً بحث حفاظت از کی به وجود آمده است؟ حفاظت به عنوان امری که جدید تلقی می‌شود سابقه خود را به قرن نوزدهم می‌رساند و به بعد از قرن نوزدهم نمی‌رود زیرا که از قرن نوزدهم به بعد حفاظت امری دائمی بوده است. حفاظت از زمانی مطرح می‌شود که ما از مفهوم "TOWN" به مفهوم "CITY" عبور می‌کنیم. ما در زبان فارسی یک واژه بیشتر نداریم و آن **شهر** است و از دوردست‌های تاریخ تا به امروز با همین یک واژه مواجه‌ایم. ولی این واژه در اروپا و از قرون وسطی به بعد در تاریخ فرهنگی اروپا معنایی متفاوت را به خود گرفت. وقتی از "TOWN" به "CITY" صحبت می‌کنیم یعنی از انقلاب صنعتی و شهر صنعتی صحبت می‌کنیم و وقتی در قرن بیستم از "CITY" به "URBAN" صحبت به میان می‌آید، یعنی عبور کردن از آنچه که در "CITY" وجود داشته است. هر کدام از واژه‌هایی که به

کار می‌روند، در هر دوره‌ای معنای خاص خود را داشته و نمی‌توان معنای دوره‌ای را به معنای دیگری تعمیم داد. مشکل ما امروزه این است که ما در "URBAN" زندگی می‌کنیم ولی به ما "PLANNING CITY & PLANNING TOWN" یاد می‌دهند. وقتی صحبت از حفاظت می‌شود، به امر حفاظت در "URBAN" اندیشیده می‌شود ولی حفاظت در "TOWN" را فرا می‌گیریم. به عرصه عمومی در "URBAN" فکر می‌کنیم ولی عرصه عمومی در "TOWN" را یاد می‌گیریم، و این امری نادرست است. باید دانست که هر کدام از این بازه‌های تاریخی با خود چالش‌های سنگینی به همراه دارند. در "URBAN" مرکز وجود نداشته و هر کجا واقعه‌ای رخ دهد، مرکز محسوب می‌شود ولی در "CITY" مرکز با تعریفی جدی وجود دارد. زمانی که از عرصه عمومی در مرکز محله صحبت می‌شود، ذهنیت فرد به سمتی می‌رود که شرایط "URBAN" یا هتجارها یا رفتارهای "URBAN" در آن روئیده است، این در حالی است که از محله‌ای صحبت می‌شود که شرایط "TOWN" در آن رخ می‌دهد و در آن شرایط رو در رویی وجود داشته و اهالی یکدیگر را می‌شناسند ولی در "URBAN" مرکز محل، اینگونه نیست و به گونه‌ای دیگر باید نگاشت کرد.

آیا واژه حفاظت به معنای موزه است؟ اگر اکنون از حفاظت خود غافل شویم چه اتفاقی خواهد افتاد؟ حفاظت لازمه **حیات** است و این معنای واقعی حفاظت است. اگر حفاظت در میان نباشد، حیات منقضی می‌گردد، بنابراین **حفاظت** لازمه **رشد** و **توسعه** است و شرط رشد، حفاظت می‌باشد. از کودکی تا پیری شرط لاینفک زندگی آدمی حفاظت است و اساساً حفاظت در **زمان** و با زمان مصداق می‌آید، بدون حفاظت، رشد و توسعه که هر دو بسته به زمان هستند، بی‌معنا می‌گردند.

حفاظت در گرو دو دانش است:

۱. **دانش فنی** (دانش زمانی) دانشی که تدبیر و تحول علم و فن در آن مشهود است؛

۲. **دانش زیستی- فرهنگی** (دانش تاریخی) که دانش تاریخی سرزمینی است.

حفاظت یعنی اندیشیدن به محیط ساخته شده، رفتارهای جامعه و تأکید بر هویت انسان شناختی یک جامعه که در شهر یا سرزمین وجود دارد، پس با توجه به این تعابیر، حفاظت در شهر بندرعباس ممکن است در شهر تبریز مصداق نداشته باشد زیرا که در آنجا پدیده انسان



شناسانه‌اش پدیده دیگری است.

حفاظت در گرو دو حافظه نیز می‌باشد:

**حافظه سازمند**، ارگانیکی که در فرد و شهروند وجود دارد؛

**حافظه تاریخی**، که گهگاه به حافظه تاریخی یک ملت می‌رسد (عید نوروز).

حفاظت یعنی هنر و دانش ساختن و اگر این هنر را نداشته باشیم، شرط لازم هرگونه تخریب می‌باشد. این هنر و دانش ساختن است که ثروت ناملموس یک ملت، قوم، قبیله و سرزمین بوده و این دانش نزد کسانی است که آن را نه به طریق رسمی بلکه به طریق عرفی آموخته‌اند. بنابراین، این دانش است که ما را قادر می‌سازد که بدون ترس و وا همه تخریب کرده و بسازیم، به دلیل اینکه می‌توانیم چیزی را بنا کنیم که هم عرض آنی بوده یا آنی است که در کنار آن قرار دارد. گرفتاری ما نه تنها در کشور ایران بلکه در جهان امروزه این است که قادر به ساختن نیستیم، وقتی که مسجد جامع کویر یزد یا مسجد جامع اصفهان را می‌بینیم، هزار سال قدمت معماری در آن‌ها وجود دارد، بی‌هیچ شباهتی به یکدیگر و در عین شباهت به یکدیگرند زیرا که استادکاران قادر به ساختن بودند.

سه‌گانه **حفاظت، نوسازی و تخریب** با احیاء و تخریب مجموعه‌ای هم بسته‌اند. ما امروزه این دانش را از دست داده‌ایم. حفاظت همواره با **یادگرفتن، یاد دادن** و به **یاد آوردن** همراه بوده است، یعنی سه‌گانه یاد همواره بوده و حضور دارد و یاد آوردن بسیار مهم است چرا که حافظه جمعی و تاریخی را می‌سازد و در امر حفاظت معنا می‌یابد.

از قرن نوزدهم به بعد تعریف جدیدی از واژه حفاظت پیدا می‌شود و ما امروزه با آن مواجه هستیم. در این تعریف حفاظت، نوسازی و تخریب دیگر وجوه یک عمل **واحد** نیستند و کاملاً وجوه متقابل و متفاوتی‌اند. به همین دلیل است که امروزه بناهای یادمانی ساخته می‌شوند نه برای اینکه به آن‌ها احتیاج نداریم برای اینکه دیگر قادر به ساختن نیستیم. حفاظت، نوسازی و تخریب یک امر آیینی، جاری و مرسوم بوده که جای خود را به یک سه‌گانه متقابل داده است. همه فرهنگ‌ها در همه کشورها همواره از طریق هم‌نشینی و جانشینی عمل کرده‌اند و این امر یک فرآیند یکباره نیست. چرا ما آنقدر قدرتمند به میراث آویخته‌ایم؟ چرا که سه‌گانه یاد در آن وجود دارد، ولی مهمترین علت آن این است که نمی‌دانیم چه چیز را باید جایگزین

آن کنیم. میرزا مهدی خان قشقایی می‌دانست چه چیزی را جایگزین کند و مدرسه سپهسالار را ساخت، در گذشته این دانش را داشتند و می‌ساختند و ارزش‌های فاخر را ابداع می‌کردند. بنابراین سه‌گانه حفاظت، نوسازی و تخریب با مفهوم مطرح شده به معنی به روز کردن زندگی برای ایجاد ارزش‌های نو، هر عرض و برابر با ارزش‌های کهن می‌باشند.

معنایی در علم دندانپزشکی که اخیراً در ادبیات معماری و شهرسازی (URBAN) مصداق پیدا کرده است، اصولاً معماری "PROSTHESIS" می‌باشد و تمام معماران مدرنیستی به شکل "PROSTHESIS" در شهر کار می‌کنند. در تجربه پزشکی "PROSTHESIS" به "IMPLANT" مبدل گشت. "IMPLANT" به معنی کاشتن و با زمینه کار کردن است. از دهه هشتاد قرن بیستم به بعد اصل "IMPLANT" در معماری و شهرسازی قدرت می‌گیرد، ولی هنوز هم "PROSTHESIS" کاربرد داشته و تا جایی پیش می‌رود که ممکن است به "DISNEYLAND" هم برسد (کشور امارات). وقتی از "PROSTHESIS" صحبت به میان می‌آید، یعنی کنار نهادن، پاکسازی، چیزی را به جای چیز دیگری نهادن و در مقیاس شهر به معنای پاک کردن خاطره جمعی شهر، ناپیدایی و تخریب می‌باشد. "PROSTHESIS" یعنی فرم مستقل از محتوا، گاه بدون محتوا و گاه بدون هیچ نقش. و این امر از طرف مدرنیست آگاهانه صورت گرفته و معماری و شهرسازی "PROSTHESIS" به عنوان یک زیبایی‌شناسی خاص صورت می‌پذیرد. فرم نه نشانه است نه تصویر بلکه فرم بر خود دلالت دارد. فرم در معماری "PROSTHESIS" از هرگونه تاریخ و به سنت آزاد است و اعتبار خود را از بداعت و تازگی خود می‌گیرد. روشن است مجموعه‌ای از آدمیان بر این باورند و نمود عینی آن در شهر تهران آشکار است، و مهمتر از این امر در جهان تجاری همواره تقاضا برای فرم بدیع بیش از پیش است. هم‌آوایی و هماهنگی بین فرم و زمینه و انتظام میان اجزاء و عناصر دلالت بر خود فرم داشته، در حالی که در "IMPLANT" چنین چیزی نیست و تمامی این امور به هم‌آوایی، هم‌زمینی و ... می‌باشد. اگر فرمی که برای امروزه بوده و دلالت‌گر تاریخ باشد (گذشته تاریخ) و از دو دانش فنی و تاریخی نشأت گیرد، آن زمان می‌توانیم فرم را "IMPLANT" نام نهیم. نسل‌های گذشته شناخت قریبی داشته‌اند و متکی بر این شناخت، مهارت‌های سه‌گانه را دارا بودند امروز مهارت حفاظت، تخریب و ساختن،





همگرا نبوده و تمام مشکلات ما از واگرایی این مهارت است. چون واگرا هستند، دیگر معنا و اشارات مشترک وجود ندارد.

نتیجه‌گیری کلی: شهر در یک دگرگونی نه، در یک دگردیسی تاریخی قرار گرفته است. "متافرم" اتفاق افتاده یعنی از یک حال به حال دیگر می‌رود و این امر دگردیسی تاریخی است. توسعه آرام و پیوسته هم‌نشینی و جانشینی مداوم داشته ولی در مقابل حفاظت یک‌سو و یکپارچه وجود نداشته و میراث به ثروت مبدل گشته است و همیشه دو واژه کهن و نو در کنار یکدیگر تعریف شده‌اند تا مقطعی که انقطاع صورت گرفته است. بنابراین حفاظت و توسعه دوگانه‌ای به هم بسته و وابسته هستند و هر کدام بدون دیگری بی‌معنا می‌گردد. معماری و شهرسازی "PROTHESIS" زودتر از آن چیزی که فکر می‌کنیم کهنه خواهد شد و جای خود را به معماری و شهرسازی "IMPLANT" خواهد داد. معماری و شهرسازی جز با کاشته‌شدن، در زمین رشد نخواهد کرد، و این کاشته‌شدن اگر با دو دانش فنی و تاریخی همراه نباشد، آبیاری نخواهد شد.

## پرسش و پاسخ

### پرسش‌گر

موضوعی که در رابطه با واژه شهر مطرح شد و فرمودید: "ما برای شهر در ادبیات غربی واژگان متعددی داریم در حالی که در زبان فارسی اینگونه نیست." آیا شهر ایرانی هم تحولاتی را از سرگذرانده است که ما را نیازمند این کند که واژگان متعددی برای شهر داشته باشیم؟ اگر بله چرا به وجود نیامده است؟ و اگر خیر چرا برای ما یک گرفتاری محسوب می‌شود؟

### پرسش‌گر

در مورد بحث کلان شهر و بحثی که زیرمیل مطرح می‌کند، آیا نوسازی طبق فرمایشات آقای مهندس بهشتی در سطح کلان شهر هم به منزله به یاد آوردن آن امر آشنا مطرح می‌گردد؟ اگر اینطور است چرا؟ در حالی که بحث گم‌گشتگی یکی از خصوصیات ذاتی کلان شهرهاست و ممکن است مخاطب خاص خود را در کلان شهر داشته باشد. آیا این تناقض نیست؟ و ما چرا به دنبال چنین امری هستیم؟

### دکتر حبیبی

شهر ایرانی دچار تحول شده و از همان آغاز با سرزمین خویش تعریف می‌شده است. در حالی که "URBAN" جدای از محدوده فتوئالی تعریف می‌شود. بنابراین از دوره قاجار و پهلوی تا به امروز با همین یک واژه مواجه بودیم چراکه الگوی وارد شده الگوی جدیدی بوده است. گاه در یک مقیاس منطقه‌ای را هم شهر می‌نامیدند، یعنی در یک همبستگی دیگری درک می‌شود. پس واژه دیگری برای آن اختراع نکرده ولی ادبیات شهرسازی که با آن آشنا هستیم، ادبیات فرهنگی اروپای غربی است که خود را در مقیاس جهانی تعمیم داده است. کلان شهر بدین معناست که دیگر شهر نبوده و آن پیوستگی دیگر معنایی ندارد. نکته مهم دیگر؛ آن چیزی است که در مقیاس "URBAN" رخ می‌دهد. "CITY" با سلسله مراتب



تقسیمات کالبدی زیر محله، محله، برزن، ناحیه، منطقه، شهر، منطقه شهری و... تعریف شده و "URBAN" در دو مقیاس "URBAN" و مقیاس محله تعریف می‌گردد، ولی محله نه به معنای محله‌ای که می‌شناختیم بلکه به معنایی که امروزه مستفاد می‌شود، در ادبیات امروز نوشهرسازی و محلاتی در حد تعریف عابریاده، بازتعریف واحد همسایگی و... به خاطر اینکه همین واحد در یک حادثه می‌تواند مرکز کل "URBAN" گردد. و چون در این مقیاس تعریف می‌شود دیگر آن سلسله مراتب وجود ندارد و نوسازی در مقیاس کوچکتر صورت می‌پذیرد، پس آشناست.

### مهندس سربازی

در "DISNEYLAND" یک هماهنگی در میان اجزای مجموعه وجود دارد و قانونی در همه جای آن دیده می‌شود. در معماری "PROSTHESIS" که مطرح شد، ما با شهری مواجه‌ایم که برخی از بناها به صورت موردی ایجاد شده است و زیبا بوده همچنین با بافت پیرامون خود همخوانی دارند ولی برخی از ساختمان‌ها خارج از "نت" هستند و واگرایی را ایجاد کرده‌اند. **با واگرایی بناها چه کار باید انجام دهیم؟**

### دکتر حبیبی

این واگرایی از دید ما بوده و از دید خود سازنده و معمار خارج نت نبوده بلکه کامل است. در حالی که کسی که معمار و شهرساز "PROSTHESIS" است، نباید در کار خود نتی به وجود آورد زیرا که این نوع معماری باید با خود هماهنگ باشد و به چیزی جز خود دلالت ندارد. امروزه معماران بر این باورند که ارزش خلق می‌کنند(نمود عینی آن خیابان نیاوران) و این رفتاری ما از جای دیگری نشأت می‌گیرد.

### مهندس محرمی

دلایل تنزل را به خوبی بیان نمودید. لیکن از کی و برای چه این اتفاقات رخ داده است؟ شاید بعد از جنگ، انقلاب‌ها و یا اتفاقاتی که در سطح گسترده تخریب داشته‌اند باعث شده‌اند که ما یک احساس نیاز فوری داشته باشیم و بر اساس این احساس شروع به ساخت

و سازه‌های عجولانه در سطح گسترده کنیم و این امر در یک دوره‌ای تبدیل به رویه و عادت شده است. و در تجربه داخلی آن می‌توان شهر هویزه را نام برد. هویزه رابعده از جنگ که تخریب شده بود، به سرعت ساختند و بعد از چند سال به سرعت تبدیل به بافت فرسوده شد. در ادامه همین روند باعث شد که شهرسازی ما تقلیل یابد و به خیابان‌کشی و تفکیک اراضی منجر گردد و این امر باعث شد تا حس تعلق از بین رفته و حس تملک ایجاد شود. تجربه‌های دیگری در شیراز، تبریز و شوشتر در داخل و خارج از ایران، انگستان و برزیل این تجربه را در طول تاریخ داشته‌اند. **از این تجربه‌ها در طول تاریخ چه درسی می‌توان گرفت و راهکار آن چیست؟**

### دکتر حبیبی

در عبور به "CITY" تمامی این جریانات پیدا می‌شود و هنوز هم سعی می‌شود که با همان قدرت صحبت شود. اکنون پاریس "هوسمن" جزء خاطرات قرن نوزدهم محسوب می‌شود، با اینکه شهر قدیم را کاملاً در هم کوبید ولی توانست ارزش‌هایی با همان ارزش بازتولید کند. اگر بخواهیم بیانیه جدی در مورد معماری "PROSTHESIS" پیدا کنیم قوی‌تر از منشور آتن وجود ندارد. هنوز هم در سراسر دنیا پیروان داشته و پیروان آن در انقطاع با گذشته می‌باشند. فوریت‌ها کمک می‌کند و آن نگاه تئوریزه و نظریه‌پردازی شده و بر مبنای شیء که بر خود دلالت دارد، طرفدار داشته و به طور جد در مقیاس جهانی در مقابل ما هستند. به گفته گدس: **"جهان پارینه فنی تمام شده و جهان نوفنی آغاز شده است"**. گدس اعتقاد دارد؛ به همان انقطاعی که پارینه سنگی با نوسنگی دارد به همان میزان پارینه فنی با نوفنی تفاوت دارد، بنابراین جهان نوفنی اصولاً جهان "PROSTHESIS" است.

### مهندس صفامنش

امروز نگاه علمی یا ارزش اندیشه و خرد با نگاهی باز شد، تولید فکر و علم و اندیشه که می‌تواند شهر را به مراتب نوسازی کند، بیان شد. "DISNEYLAND" در نوع خود به معنی یادآوری می‌باشد و کاری خاص با جامعه امریکا انجام می‌دهد و اصلاً نمی‌توان آن ارزش را محدود نگه داشته و نگاه محدود بدان داشت. مایه اصلی آن چیزی که شهر و محیط ساخته



شده را "GRADE UP" و "GRADE DOWN" می‌کند، تفکر و خرد است و این خرد بدون فیلسوف، دانشمند و متفکر در حوزه‌های دیگر فراهم نمی‌شود. جامعه غرب بر عمل تولید تفکر و علم استوار است و تولید علم می‌نماید، محمل اصلی بر تفکر بوده و راجع به شهر و محیط ساخته شده باید فکر کرد و تئوری ساخت، باید به مباحث حوزوی نگریست و آن را وارد بحث علمی کرد. باید به شهر چه از نظر زمانی و چه از نظر مکانی متفاوت نگاه کرد. دانش شهری و دانش معماری زمینه وسیعی را برای جلب علم دارد و متأسفانه ما با آن کار ظاهر فریبانه و ظاهر پسندانه انجام می‌دهیم که همان عمل "PROSTHESIS" است.

### مهندسی خداوردی

در مورد نکته‌ای که فرمودید مفهوم سرزمینی که هر چیزی را می‌خواهیم فراهم می‌آورد در فضایی که انتظار نداریم؛ ما چه کار کردیم یا چه کار باید می‌کردیم یا چه کار نباید می‌کردیم که این اتفاقات در کنار ما رخ ندهد؟ به هر حال حجم عظیمی سرمایه در حدود ۱۰۰۰۰۰ میلیارد دلار در یک بیابان به نام امارات متحد عربی تبدیل به "DISNEYLAND" شد. امروزه چه اقدامی باید برای آینده انجام دهیم که اتفاقات خوبی حادث شود؟ از مفهوم "URBAN" صحبت به میان آمد و گذری که از "TOWN" به "CITY" داشته است، ولی امروزه مفاهیم دیگری وارد زندگیمان شده است که راجع به آن‌ها می‌اندیشیم. در گذشته دغدغه ما این بود که در فضایی زندگی می‌کنیم که همسایگانمان را نمی‌شناسیم ولی امروزه خانه‌نشین هستیم و بیشتر وقت ما صرف صفحه موبایلمان می‌شود. فرهنگ، اجتماعات، مکان، جرم، اشتغالات، امنیت، کسب و کار و... حتی سه‌گانه یاد وجود دارد ولی مفاهیم آن‌ها تغییر یافته است. **آیا راجع به این مقوله برای آینده شهر اندیشیده شده است؟**

### دکتر حبیبی

این بحث مربوط به متاپل است زیرا که بعد از "URBAN" گذر به "متاپل" صورت می‌گیرد. در "متاپولیس" اصل؛ استفاده از شبکه اجتماعی است و در واقع نمی‌توان آن را مجازی دانست چراکه در حرکت است. گذر سهمگینی از قرن بیستم به قرن بیست و یکم با گذر از "URBAN" به "متاپل" صورت می‌گیرد. در شهرهای نیویورک، لندن و توکیو دیگر

آسمان خراش‌ها به علت نبود صرفه اقتصادی ساخته نمی‌شوند حال این آسمان خراش‌ها را در آسیای شرقی نظیر دبی، سنگاپور و ... ساخته می‌شوند و به نوعی این پروژه‌ها به شرق نقل مکان کرده‌اند. شرق فلسفی و غرب فلسفی در "متاپل" تعریف می‌کردند و مفاهیم از "URBAN" به "متاپل" تغییر می‌یابد. وقتی در "متاپل" پا در خانه الکترونیکی می‌گذاریم، اینجاست که به فضا و عرصه عمومی برای ملاقات‌های رودررو نیازمندیم و شهر از اوقات فعالیت به اوقات فراغت تبدیل می‌گردد که آن زمان نوسازی وارد عرصه خواهد شد.



### مهندس رفیعیان

در مورد بحث دندان؛ اینکه چرا دندانپزشکان توانستند این کار را انجام دهند ولی ما مرمیگران نتوانستیم آن تغییر و پیشرفت را انجام دهیم؟ نقطه ظریفی مغفول مانده است، دندان در طی سال‌های متوالی فقط یک عملکرد دارد درحالی که یک بافت شهری در طی سال‌ها عملکرد و کاربری‌های متفاوتی به خود می‌گیرد. **آیا سنخیتی دارد که دندان را به یک بافت شهری تشبیه نمود؟**



### دکتر حبیبی

مباحث مطرح شده دلالت بر مفهوم "PROSTHESIS" داشت. یکی از مفاهیم عمده "PROSTHESIS" یعنی توانمندسازی و عضوی را که دچار فرسودگی و نقصان شده است را ترمیم دهد که بتواند عملکرد سابقش را دوباره به دست آورد. بحثی که در مورد معماری "PROSTHESIS" و بافت شد بر این بود که این "PROSTHESIS" هایی که کار شده‌اند برای این بودند که مجموعه را به هم پیوند دهند و توانمند سازد ولی این مجموعه با مفهوم "PROSTHESIS" بر خودش دلالت می‌کند. وقتی از معماری "PROSTHESIS" صحبت می‌کنیم، معماری "PROSTHESIS" نشان‌های بدون ارتباط با یکدیگر را می‌سازند و وقتی در دنیایی پر از نشانه قرار گیرید یعنی در دنیایی بی‌نشانه هستید.



## پرسش‌گر

با توجه به مباحث مطرح شده، شما راجع به نو دیروز و سنت امروز صحبت کردید. اگر نو دیروز ظرفیت مداخله را فراهم کرده که الگوی نویی امروز شکل گیرد و به سنت فردا مبدل گردد، با توجه به چیزی که امروزه در قالب نوسازی می‌سازیم و الگوی بلند مرتبه‌سازی، افزایش تراکم، افزایش سطح اشغال و... را جای می‌اندازیم، آیا می‌توانیم پیش‌بینی کنیم که آینده شهرمان مرگ شهر است یا بیمار شهر؟ آیا باید شهر را رها کرد یا به دنبال علاج آن بود؟

## دکتر حبیبی

اگر آن چیزی را که تولید می‌کنیم نو باشد می‌تواند به سنت فردا تبدیل شود. نوئی که در آن خرد، دانش فنی و دانش تاریخی را در خود داشته باشد، می‌تواند به سنت مبدل گردد ولی چیزهایی که ما می‌سازیم نو نیستند و تولید یک چیز قدیمی است، اگر در همان وقار و فاخریت جانشین کنیم به سنت فردا تبدیل خواهد شد.

## مهندس برومند

چند پیشنهاد مطرح است:

در همه مناطق دنیا شهرها قسمت‌های مختلفی دارند، قسمتی که مرتبط با گذشته آنهاست، قسمت‌هایی که گسترش بعدی است و قسمت‌هایی که سرریزهای جمعیتی شهر به حساب می‌آیند و اغلب فقیر نشین هستند. این پدیده‌ها وجود دارند و در همه جای دنیا در مورد آن بحث و گفت‌وگو و تبادل نظر صورت می‌گیرد. بنابراین دو پایه برای استناد کردن و درک مسائل داریم:

**دانش جهانی،** که از آن گریزی نداریم؛

**دانش سرزمینی،** که لازمه آن تلاش برای شناخت است چراکه سایر ملل این امر را انجام داده‌اند.

اگر بخواهیم به دانش سرزمینی خود پردازیم راهی جز شروع فعالیت در این زمینه نداریم.

در طی سال‌های بعد از انقلاب اسلامی، اقدامات مثبت و ارزنده‌ای در دفتر بهسازی مسکن و به موازات آن در سازمان میراث فرهنگی و نیز در دانشگاه‌ها در دست اجرا بود ولی مشکل عمده در این بود که این سازمان‌ها و نهادها با یکدیگر ارتباط نداشتند. اشکالی در عمل وجود دارد اینکه متخصصان ما از دانش تولید شده محرومند، ما واژه‌های مشترک را نمیتوانیم به راحتی به دست آوریم چراکه این واژگان مانند سایر ملل دیگر جایگاهشان در فرهنگستان است، یعنی فرهنگستان علوم مرتبط با هر رشته باید قدری روی آن‌ها بحث و تبادل نظر صورت گیرد تا به یک تفاهم علمی دست یابند. وقتی به تفاهم علمی برسند می‌توانند اقشار مختلف را قانع کنند. ساختار کشور ما با ساختار کشورهایی مانند اروپا متفاوت بوده است و ما استبدادهای کهن و طولانی مدت را تجربه کرده‌ایم. مردم در امور مشارکت ضعیف هستند. ما همواره از نظر تئوریک ضعیف هستیم و انعکاس آن در عمل دیده نمی‌شود.





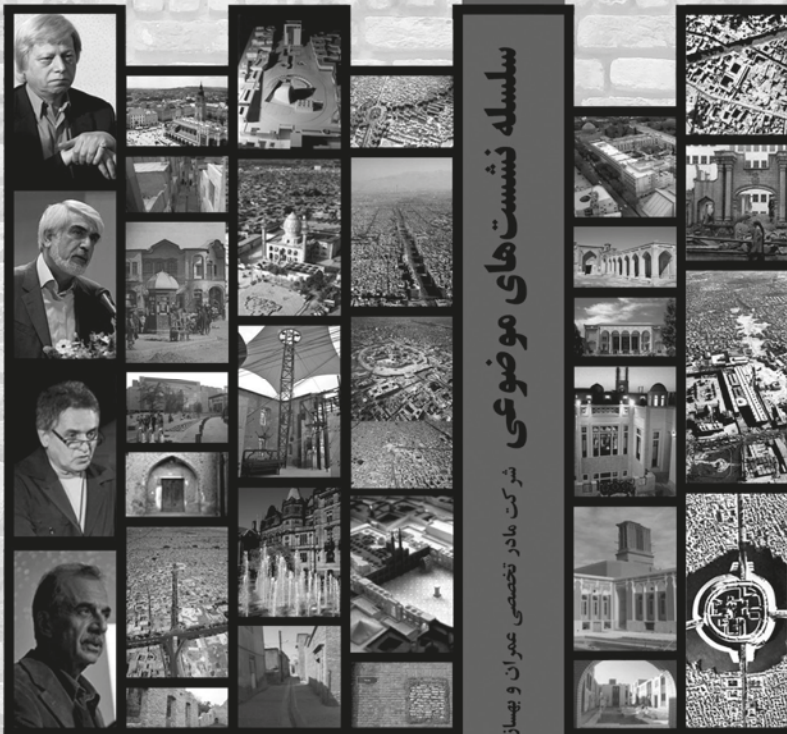




انجمن مهندسان و معماران  
کشور ایران

نشست پنجم:

## جمع‌بندی و هم‌اندیشی در موضوع حفاظت و توسعه توامان در بافت‌های تاریخی



سلسله نشست‌های موضوعی شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران

یکشنبه ۲۰ مهرماه ۱۳۹۳

ساعت ۱۶-۱۴



با مشارکت سخنرانان و اعضای نشست‌های گذشته:

مهندس سید محمد بهشتی  
دکتر مهدی حجت  
دکتر اسکندر مختاری  
دکتر محسن حبیبی



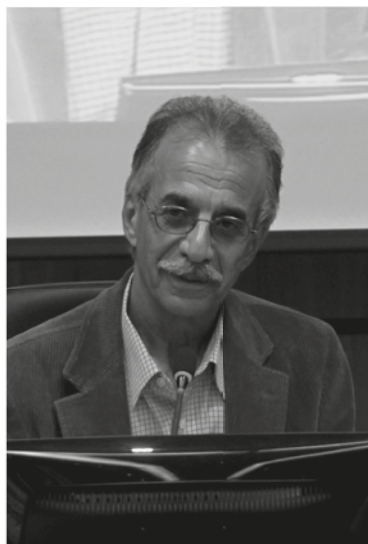
آدرس محل برگزاری:

تهران، بالاتر از میدان ونک، خیابان  
خدای، پلاک ۵۱  
شرکت عمران و بهسازی شهری ایران  
(مادر تخصصی)

تلفن: ۰۱-۸۸۷۸۸۸۶  
[www.udro.org.ir](http://www.udro.org.ir)

پوستر نشست پنجم





### نشست پنجم

#### حفاظت و توسعه توامان در بافت‌های تاریخی (جمع‌بندی)

سخنرانان: دکتر حبیبی، دکتر مختاری، دکتر  
حجت، مهندس صفامنش، مهندس سلطانی‌آزاد،  
دکتر بنیادی، دکتر عرفانیان سلیم، مهندس  
طلائی، دکتر اعتماد و همراهی حضار  
تاریخ برگزاری: ۱۳۹۳/۷/۲۰

### دکتر حبیبی

امروز بحث آزاد است و من همه شما شرکت کنندگان را به بحث و گفتگو دعوت می‌کنم چراکه سخنرانان امروز شما هستید.

### دکتر عرفانیان سلیم

با تشکر از حضور شما شرکت کنندگان، لازم به ذکر است که گفته شود هفته‌ی گذشته مراسم رونمایی از سند ملی بهسازی، نوسازی در مراسم (HABITAT) بود و بافت‌های هدف تعریف شده در این سند در ۵ دسته‌ی بافت‌های تاریخی، بافت‌های میانی، سکونت‌گاه‌های غیررسمی، بافت‌هایی با هسته روستایی و اراضی ناکارآمد شهری تقسیم‌بندی شده‌اند.

### مهندس سربازی

در سیستمی که بین آموزش و اقدام مرمت جدایی افتاده است، افرادی هستند که در این سیستم وجود ندارند ولی دخالت می‌کنند و بیشتر خرابی شهر از این افراد نشأت می‌گیرد. چه اقدامی برای این امر باید انجام داد؟ در رابطه با بهسازی شهر؛ به خاطر اینکه مردم فکر می‌کنند معماری بعد از سال‌ها به نیازشان پاسخگو نیست، آیا نباید یکسری از ساختمان‌ها و المان‌ها را در قطعی که در شهر رخ داده است، معرفی کرد؟ در واقع قسمت گذشته را به قسمت مدرنی که امروزه شاید بدون هویت هم ساخته می‌شود طوری متصل نمود که هویت قسمت جدید هم نگه داشته شود.

### مهندس محرمی

در این جلسات به نکات کلیدی اشاره شد که عمدتاً حول مباحث آسیب‌شناسی، مسائلی که باعث از دست رفتن هویت، پاره شدن زنجیره و بررسی مسائل و مشکلات موجود بودند و به راه حل‌های سیاستی، اشاره شد. چه ابزاری برای حفاظت و توسعه وجود دارد که بتوان به آن‌ها تکیه داشت، مانور داد و بر اساس آن‌ها اقداماتی را صورت داد؟ با توجه به شرایط فعلی جامعه، ما با چه ابزارهایی می‌توانیم قدمی در جهت هدفی که داریم برداریم و بافت‌های ارزشمند را که تنزل پیدا کرده‌اند را حفظ کنیم؟



## دکتر حجت

ابزارهایی برای نزدیک شدن به هدف داریم. می‌توان از ابزارهای حقوقی، اقتصادی، فنی و ... صحبت کرد. اما مهمترین ابزار آگاهی مردم نسبت به ضرورت این امر است. اگر این آگاهی نباشد نه قانونی وضع می‌شود، نه دستگاهی عمل می‌کند و نه جذبه اقتصادی پیدا می‌شود. ما راهی به غیر از بالا بردن سطح آگاهی عموم مردم نسبت به معماری، شهر و مرمت خوب نداریم. مردم باید از دلیل ارزشمند بودن این امر و حتی حقوق معمارانه خود آگاه شوند، و بدانند که چقدر بر رفتارشان تأثیر دارد. درست همانگونه که از پزشک انتظار دارند با تجویز درست دارو رفع عیب کند باید از معمار این انتظار را داشته باشند هزینه زیادی که برای مسکن پرداخت می‌شود درست مصرف شود. ما معماران حقوق مردم را ضایع می‌کنیم و با یک نوع خودخواهی شبه هنرمندانه همه آن چیزی که حق آنهاست را به آنها نمی‌دهیم. باید مسئولیت یک معمار را به او گوش زد کرد. هیچ انقلابی در این جهت شکل نمی‌گیرد مگر این که مردم آگاه باشند و آن را تغییر دهند و البته از بین مردم در درجه اول مدیران شهری قرار دارند.

## دکتر مختاری

مشکل اصلی مشکل فرهنگی است. به عنوان مثال؛ سفارت ایران در لندن قریب به ۱۰ سال است که هدف به بنای یک ساختمان را دارد. با وجود مجوز شهرداری، به دلیل نوع مترپال و فرم خاص این بنا، شوراهای محلی اجازه ساخت این ساختمان را در آن محله که بیشتر بناهای آن به سبک نئوکلاسیک هستند را نداده‌اند. ما چه زمانی به این درجه خواهیم رسید که مردم اجازه ندهند. تا حفاظت از ارزش‌ها تبدیل به خواسته جامعه و مطالبه عمومی نگردد حفاظت از ارزش‌ها کار سختی خواهد بود. کار ما نیز بسیار سخت است زیرا که جاذبه‌های دیگر بسیار هستند. کار ما این است که در تقابل با جاذبه‌های بی‌شماری قرار گیریم که سمت و سویی در اذهان عمومی دارند و بایستی اذهان عمومی را متوجه موضوع اصالت، هویت، ارزش‌ها و پایداری کنیم. چرا نتوانستیم پایدار ارزش‌هایمان باشیم آن هم زمانی که در امر حفاظت از لحاظ تشکیلات، آموزش، ابزارها و ... گسترش داشته و دیگر



قابل قیاس با گذشته نیستند؟ اتفاقاتی رخ می دهد که مبارزه را نابرابر کرده است. این یکی از اشکالات نظام برنامه ریزی است و مقدم بر نظام برنامه ریزی، فرهنگ عمومی است که در حال تغییر است.

### مهندسی سلطانی آزاد

بیشتر مباحث بر روی فرهنگ سازی، ارتقاء فرهنگ و مسئولیتی که شهروندان در مقابل ارزش های تاریخی شهر دارند، است. اما بایستی به مسائل شهری واقع بینانه تر نگاه کرد. در شرایطی که شهرداری تهران زمینه ای را فراهم می کند که به خاطر سودجویی مالکین و سازنده ها، ساختمان هایی که هنوز عمرشان از ۲۰ سال نگذشته است تخریب می شوند و به بهانه افزایش تراکم و سود بیشتر شهر را تخریب می کنند، ما چگونه می توانیم از فرهنگ سازی صحبت کنیم؟ مثلث سودجو که در رأس آن شهرداری تهران قرار دارد و در کنار آن مالکین حضور دارند، آنقدر این عامل سودجویی و اقتصادی در شهر قدرت دارد که همه ارزش ها را تحت تأثیر خود قرار می دهد. بنابراین فقط این نیست که ما راجع به ارتقاء فرهنگ مردم صحبت کنیم، در جایی که در مقابل این گروهی مردم را وسوسه می کنند که خانه های قدیمی را که سرمایه ملی هستند را تخریب کنند. پیشنهاد این است که راجع به این بخش بیاندیشیم. خوشبختانه در وزارت راه و شهرسازی و دولت جدید، ما برای اولین بار بعد از گذشت ۸ سال شاهد این بوده ایم که معاونت شهرسازی و شورای عالی شهرسازی و معماری مصوباتی را لغو کردند که در گذشته اجازه ساخت و سازهای فراوان در چند طبقه را می دادند. مرکز تاریخی ده ونک می توانست تبدیل به یک مرکز شهری زیبا شود ولی امروز به پوچی تبدیل شده است. ارتقاء فرهنگ یک امر لازم است ولی در کنار آن باید اقداماتی صورت گیرد که شهرداری ها را در این زمینه کنترل کنند، اقدامی را که می تواند زمینه سودجویی که نتیجه آن تخریب ارزش های تاریخی در بافت های شهری است را از بین ببرد.

### دکتر حبیبی

آگاه سازی اگر به مطالبه مردم تبدیل شود، دیگر ارگان ها و نهادهای مسئول نمی توانند سودجویی کنند. ولی اگر اینها به یک مطالبه تبدیل نشود، کماکان سوداگری ادامه

خواهد داشت.

### مهندسی برومندی

بافت‌های تاریخی باید تعریف مشخص خود را داشته باشند، یعنی ما نمی‌توانیم بافت تاریخی و بافت فرسوده را با یکدیگر تلفیق کرده و بعد راجع به آن‌ها بحث کنیم همچنین سکونتگاه‌های غیررسمی و بافت‌هایی که غیر اصولی ساخته می‌شوند واجد ویژگی‌هایی هستند. مبحث دیگر؛ ما به جز بافت‌های تاریخی گسترش یافته‌اند، بافت‌های میانی نیز داریم. برای مثال در خیابان انقلاب و اطراف دانشگاه تهران نمونه‌های بسیار شاخص و مشخص از بافت‌های میانی وجود دارد که دارای ارزش هستند، یعنی متعلق به دورانی هستند که معماران ایران وقتی با اطلاعات جدید دنیا آشنا شدند با اشرافی که نسبت به معماری گذشته در ایران داشتند تلفیق نموده و راه حل‌های مثبتی را ارائه داده‌اند و امروز جزء بناهایی هستند که به ثبت ملی رسیده‌اند و جزء بافت‌های میانی و با ارزش محسوب می‌شوند. هرچند که آن‌ها نیز مورد بی‌مهری قرار گرفتند. به طوری که در حاشیه خیابان انقلاب این بناها تخریب می‌شوند. مثلاً در سکونتگاه‌های غیر رسمی ما نمی‌توانیم خودمان را از مسئولیت‌هایی که بر دشمنان است فارغ کنیم و بگوییم که وضع اینها خوب است، در واقع آن‌چه که مثبت نیست و بر آن محرومیت تحمیل شده است را مثبت تلقی کنیم. بخشی که مثبت به نظر می‌رسد، به دلیل این است که آن‌ها مجبورند نیازهای خود را رفع کنند، یعنی اگر انسان برای رفع نیازهای خود به صورت دسته جمعی تصمیم بگیرد به راه حل‌های مثبت می‌رسد. این پدیده در بافت‌های تاریخی نیز مشاهده می‌شود. ما چه مشکلاتی در بافت‌های تاریخی داشته‌ایم و چرا تاکنون حل نشده‌اند؟ بافت‌های تاریخی مسائل خاص خود را دارند و باید به صورت واقعی و منطقی به آن‌ها پرداخته شود و همه برای حل این مسائل بایستی همکاری کنند. سکونتگاه‌های غیر رسمی عدم توازن (تنش اجتماعی) در سطح شهر ایجاد کردند. تنش‌های اجتماعی اگر امروز رخ ندهند قطعاً سال‌های بعد رخ خواهند داد. وقتی همه چیز نامتوازن و سنگینی بیش از حد باشد، گسیختگی ایجاد می‌شود. ما در جامعه خود شاهد گسیختگی‌های اجتماعی، فرهنگی و کالبدی هستیم و باید راه حل‌ها در جهت حل و فصل این امور باشند.





## دکتر عرفانیان سلیم



سند ملی بهسازی و نوسازی به مناسبت روز جهانی "اسکان بشر" به طور رسمی رونمایی شده است. این سند را دولت تصویب کرده و قرار است ملاک فعالیت های شرکت عمران و بهسازی شهری ایران باشد. تقسیم بندی در رابطه با محلات هدف بهسازی و نوسازی صورت گرفته است. طبق سند پنج محدوده تعریف شده است:

■ محدوده بافت های تاریخی؛

■ بافت های میانی؛

■ سکونتگاه های غیررسمی؛

■ بافت هایی که هسته های روستایی دارند که توسط بافت شهری احاطه شده اند؛

■ اراضی ناکارآمد شهری.



## مهندس حسینی

مهم ترین مشکلی که بافت های ما را تهدید می کند، بحث مالکیت است. بخشی از مالکین مردم، بخشی در اختیار میراث فرهنگی، بخشی سازمان عمران و بخش اعظم دیگری در اختیار شهرداری است. حرف آخر را در این بافت ها چه کسی می زند و چه اتفاقی می افتد؟ ابتدا باید این امر مشخص شود و بعد فرهنگ سازی صورت گیرد. از زمان بدو تأسیس سازمان میراث فرهنگی، سازمان عمران و بهسازی و ... چه اقداماتی در راستای حفاظت و مرمت صورت گرفته و چند پروژه آن ها به ثمر رسیده است؟ میراث فرهنگی به عنوان اصلی ترین متولی که کمترین قدرت را در حفاظت از میراث داشته، چه کارنامه ای داشته است؟



## دکتر حجت

باید توجه داشت اقداماتی که در سطح شهر قرار است انجام شود، اقدامی مشترک بین همه ارگان هاست، اگر یک ارگان بخواهد کاری را به تنهایی پیش برد نتیجه همان خواهد شد که تاکنون حاصل گشته است. برنامه احیاء در یک بافت شهری نیازمند مشارکت همه است و امروز تقریباً در همه حوزه های طراحی شهری کاملاً روشن است که اگر همه دستگاه ها با



هم مودت نداشته و با یکدیگر تنظیم نشوند، کار زیادی پیش نخواهد رفت. تصور کنید اگر بنایی بخواهد مرمت شود، برای کندن کف آن باید راهی درست شود که تأسیسات شهری در آن قرار گیرد. بنابراین باید آب، برق، گاز و ... وجود داشته باشد و شهرداری مجوز حفاری را صادر کند. این یک امر عمومی است و همه باید با یکدیگر ترکیب شوند. علت اینکه تا به امروز ما در این زمینه موفق نبوده‌ایم، بدنه‌سازی در راستای احیای بافت‌های شهری بوده است و این امر با هزینه دولت، شهرداری و میراث بوده است. به عنوان مثال اقدامی که در جلفای اصفهان در سطح بالایی صورت پذیرفت. امروزه این امور جزء معلومات مشهود شده است که تا ارگان‌های مختلف در یک شهر هماهنگ نباشند، نمی‌توان کاری را پیش برد. عملاً چون شهرداری بیشترین میزان دخالت در شهر را دارد باید این امکان را فراهم آورد که نمایندگان مجموعه‌ای از ارگان‌ها شورایی را تشکیل دهند، مسائل مطرح شده و هماهنگی‌ها صورت پذیرد. در جای جای دنیا این امر صورت گرفته است و ما اولین کشوری نیستیم که با بافت فرسوده مواجه هستیم. مرمت شهری یا احیای بافت‌های تاریخی و کهن یک انتخاب نیست بلکه یک باید است و هیچ گریزی از این امر نیست.

### مهندسی کشاورز

یکی از موارد مهمی که باید بدان توجه شود، آینده‌نگری و آینده پژوهی است. تاریخ هیچ‌گاه متوقف نمی‌شود و این امر در گذر زمان به ما ثابت شده است و زمان حال ما به تاریخ مبدل خواهد شد. تنها حفاظت از بافت‌های تاریخی و بهسازی بافت‌های فرسوده ملاک نیستند باید بتوانیم اقداماتی را انجام دهیم که از ساخت و سازها و تشکیل بافت‌های فرسوده در آینده جلوگیری کنیم چراکه بسیاری از ساخت و سازهای امروزی از کیفیت مطلوبی برخوردار نیستند و همین‌ها در آینده مجدداً بافت فرسوده را تشکیل می‌دهند اگر از همین امروز پژوهش را شروع کنیم می‌توانیم خیلی بهتر و راحت‌تر برای بافت‌ها و مسائلمان خصوصاً در حوزه شهرسازی تصمیم‌گیری کنیم تا با مشکلات این چنینی مواجه نشویم.



## مهندس سربازی

باید عملکردهایی را در بافت های تاریخی طراحی کرد که این بافت ها تغذیه شده و نیمه متروک نشوند و ارزش ها حفظ شوند چراکه بعد از گذشت ۵۰ سال با یک بافت زنده امروزی مواجه نخواهیم بود و عملاً نیمه متروک خواهند بود. نمی توان از مردم خواست رهبری ساخت و شهرسازی را بر عهده گیرند، باید سطح اطلاعات مردم را ارتقاء داد و این چیزی است که یک دولت مردمی باید انجام دهد. چه ابزاری باید باشد که این ساخت و سازها انجام شود؟ باید به این سمت و سو برویم که آموزش دانشگاهی حضور خود را پیدا کند و در وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری ها به عنوان یک کنترل مضاعف مطرح شود چراکه تصمیم گیرندگان اساتید دانشگاهی هستند. مانیفست های صورت گرفته توسط اساتید دانشگاهی بایستی به صورت بحث و گفتگو مطرح شوند.

## مهندس محرمی

مشکلی که گریبان گیر ماست و تقریباً می توان گفت که کشورهای در حال توسعه با این معضل روبه رو هستند عدم اجرایی شدن طرح ها و برنامه هاست. چند پیشنهاد مطرح است:

- باید در انتخاب مدیران دقت بیشتری داشته باشیم؛
- بافت های تاریخی ما یک زون نیستند بلکه یک لایه تاریخی است که باید حفاظت شوند؛
- ارتباط مهندسان مشاور با دانشگاه ها.

## مهندس بلوچ

ما در هر صورت به آگاهی نیاز داریم و این آگاهی به مردم، دانشجو، مهندسان مشاور و... تعمیم داده می شود. این آگاهی از کجا باید شروع شود؟ بحث آموزش می تواند نقطه کلیدی این موضوع باشد. سرنخ کلاف گم شده را اگر آموزش بگیریم می تواند بهتر تعمیم یابد.

## مهندس درودیان

در منطقه ۱۲ شهر تهران هنگامی که بحث نوسازی و بهسازی و تجمیع مطرح شد،

سیستم اجرایی موجود در دست معاملات ملکی و مشارکت در ساخت می‌باشد و مشاوران ارشد اهالی هستند. در ایران و بالاخص در بافت‌های فرسوده جای مرکز مشاور که مشاوران ارشد محله (معاملات ملکی) را کنترل کنند، خالی است.

### پرسش‌گر

مشارکت مردم چیست و بالا بردن آگاهی مردم به چه نحوی بوده و معنی آن چیست؟ آیا کلید تمام مشکلات ما در این قضیه است؟ ما ۱۰۰ سال پیش هم بافت‌های تاریخی داشته‌ایم اما به شکل امروزی اینقدر تغییر نداشتیم. مردم بافت‌های شهریشان را حفظ می‌کردند، ولی از زمانی که دولت مدرن تشکیل شد و بافت‌ها را تقسیم کردند متولی بافت هستند. از آن زمان شکاف عمیقی بین مردم، مسئولین و متولیان بافت ایجاد شد. و مردم دارای نقشی خنثی شدند. عملکرد امروز ما در همین جهت است و مردم روز به روز منزوی‌تر می‌شوند. طرح‌هایی تصویب می‌شوند که منجر به تخریب بافت‌ها می‌شوند.

### دکتر حجت

روش آگاه کردن مردم چگونه است؟ نکته‌ای که بسیار حائز اهمیت است این است که آیا آگاهی مردم بلافاصله مشکلات را حل می‌کند؟ خیر این اتفاق نمی‌افتد. احتیاج به لوازمی از جمله؛ قانون، آگاهی مردم، مدیران خوب، سلسله مراتب دقیق و ... داریم و برای اینکه چرخ بچرخد و این لوازم در طی زمان ایجاد شوند، اولین چیزی که نیاز داریم آگاهی مردم است. اولین مجلس کشور اولین قانونی را که تصویب کرد قانون بلدیه بود. قبل از این قانون کدام قانون بافت‌های با ارزش امروزی را فراهم آورده است؟ همان شعور، تفاهم سنت عمومی که در جامعه موجود بوده است. از زمانی که مردم به نمایندگانشان وکالت دادند تا به جای آن‌ها تصمیم بگیرند، این تفویض اختیار اتفاق افتاده است. تا مجلس چهارم و پنجم اختیارات نمایندگان توأم با توجه مردم؛ فهم و سنت عمومی بوده است. اما از مجلس پنجم به بعد نمایندگان، مطابق نظر دولت اقدام می‌کردند و اساساً نقش مردم نادیده گرفته شد. بنابراین مجموعه جهت حرکت‌ها تغییر یافت و امروز نیز با این مشکل مواجه هستیم.



## مهندس سلطانی آزاد



آگاه‌سازی و آموزش فقط آکادمیک نیست و نه تنها در دانشگاه‌ها بلکه باید در فضای اجتماعی و عمومی نیز شکل گیرد و حمایت باید صورت پذیرد تا این اتفاقات حادث شوند. اینها اقداماتی درست است که در طولانی مدت شکل می‌گیرند ولی عواملی وجود دارند که می‌تواند تسریع بخش این امر باشند از جمله قانون، طرح‌های جامع و تفصیلی به عنوان ابزاری در هدایت و برنامه‌ریزی نقش دارند که سابقه‌یشان در ایران قریب به ۴۰ سال می‌رسد. علی‌رغم اینکه در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ نگاه نوئی قرار بود به این طرح‌ها صورت گیرد و طرح‌ها براساس رویکردهای برنامه‌ریزی راهبردی تهیه شوند، اما متأسفانه شرایطی برای اجرای این امر ایجاد نشد و طرح‌های سنتی بازگشتند. امروزه بسیاری از اقداماتی که باید در راستای نوسازی و بهسازی و بازسازی بافت‌ها صورت می‌پذیرفت، عملاً عقیم بوده و درک درستی نداشته است. هنوز هم تعریف روشنی از استراتژی مداخله در بافت‌ها صورت نگرفته است و نمی‌دانیم با چه استراتژی در این بافت‌ها مداخله کنیم.

## مهندس بازا فکن



جامعه ما به سمت مصرف‌گرایی پیش می‌رود و مردم تجددطلب شده‌اند و این امری روشن است. ما هر روز در ساخت و سازها و سایر موارد شاهد این امر هستیم. حتی ما شهرسازان و معماران به تنهایی نمی‌توانیم حرف خود را بیان کنیم. بایستی از رسانه‌ها کمک بگیریم و آگاه‌سازی را در بین مردم ترویج کنیم. بحث زمان در مرمت؛ زمان را به نفع مرمت از دست می‌دهیم. به عنوان نمونه؛ در میدان حسن‌آباد که مرمت آن به درازا انجامیده است و هیچ الزامی برای مسئولین وجود ندارد که از تخریب جلوگیری کنند.

## دکتر مختاری



مرحوم شیرازی می‌فرمایند "این عوارض جامعه مصرفی است و جامعه مولد این کار را با خود نمی‌کند." زمانی تولید ارزش می‌کردیم و ارزش تولید می‌شد که فرهنگ تولید را داشتیم. از زمانی که شروع به مصرف کردن کرده‌ایم و عوارض یک جامعه مصرفی را شاهد هستیم.

یک جامعه مصرف کننده شده‌ایم که خودخواه، خود بین است و آینده‌نگر نیست. تکنولوژی و پول آن را کور کرده است. ما امروز محیط، ارزش‌ها، فرهنگ و سرزمینمان را نمی‌شناسیم. درست زمانی که باید ارزش تولید کنیم، دست به تولید ضد ارزش‌ها می‌زنیم. اگر دقیق بنگریم به اینکه چه عارضه‌ای به ما رسیده است، می‌توانیم به پاسخ‌ها برسیم. هرگاه خواستیم ارزش تولید کنیم، توانسته‌ایم موفق شویم. بایستی برنامه‌های توسعه ملی را به سمت تولید ببریم و سطح آموزش به سمتی پیش رود که تخریب نداشته باشد.

### مهندسی توأرمین

در کشورهای دیگر مسئولین در کنار مردم هستند و اگر مردم تصمیمی بگیرند، مسئولین پذیرای آن هستند ولی در ایران، مردم مسئولین را در مقابل خود می‌بینند. تفاوتی بین نوسازی شهری و بهسازی بافت‌های فرسوده شهری وجود دارد، وقتی می‌خواهیم نوسازی کنیم تخریب می‌کنیم و بعد نوسازی می‌شود ولی در بهسازی چیزی که موجود است را بهسازی می‌کنیم. مثلاً در منطقه ۱۲ و خیابان ایرانیان ساختمان‌ها را از نو می‌سازند یعنی نوسازی جدید، ولی دقیقاً در همان خیابان بافت‌های فرسوده شهری تخریب می‌شوند. در حریم بافت‌های تاریخی شهرداری مجوز ساخت و ساز می‌دهد و ما شاهد ساخت و سازهای غیر اصولی هستیم. وقتی راجع به بافت فرسوده صحبت می‌کنیم، در این بافت بناهای تاریخی نیز وجود دارند که مالک آن‌ها شخصی یا میراث فرهنگی است. ولی ما در عمل تعاملی میان میراث فرهنگی و شهرداری شاهد نیستیم. ما در آموزش‌ها ایده‌آل هستیم ولی وقتی در مقام مسئول قرار می‌گیریم، طرز فکرمان عوض می‌شود.

### دکتر بنیادی

ما در یک شرایط خاص اقتصادی در کشور به سر می‌بریم و این اقتصاد خود را بر موضوع ساختمان و معماری تحمیل کرده و روابط ناسالمی به وجود آمده است که این روابط ناسالم اگر در همین جهت پیش رود، مانند یک اقتصاد قرن نوزدهمی که آغاز یک سرمایه‌داری لجام گسیخته‌ای که تخریب می‌کند و محیط زیست و مردم را نادیده می‌گیرد، مبدل خواهد شد. بحث مسکن جوانان به یک معضل بزرگ تبدیل می‌شود و پاسخگویی آن برای کشور



دشوار خواهد بود. در چرخه‌ای افتاده‌ایم که به این مسائل دامن می‌زند و همه را آلوده خود کرده است که باید از آن خارج شویم. راه نجات بافت‌های تاریخی ما در این است که فرهنگ و میراث فرهنگی از بحث اقتصاد و جامعه جدا شود. که برخی از کشورها توانستند این کار را انجام دهند. راه حل دیگر، رفتن به سمت صنعت است. اگر صنعت در شرایط مطلوبی قرار داشت، قاعدتاً بقیه امور اقتصادی کشور در یک تعادل قرار می‌گرفت، اما در یک شرایط خاص جهانی و تاریخی هستیم.

### مهندس طلائى

ما در این جلسه شرح مصیبت کردیم. شرح مصیبت با پیدا کردن درد فرق می‌کند. موانع زیادی بر سر راه ماست و یکی از آنها این است که ما صنف صنف رشد نمی‌کنیم.

### مهندس صفامش

همه مشکلات ما فرهنگی هستند و افسارگسیخته شده‌اند. این جامعه بسیار پویا و فعال است و در بدو خود پاسخگو می‌باشد. بیشترین چیزی که امروزه با آن مشکل داریم، مدرن شدن است، بزرگترین چالش ما فهم جهان جدید در مقابل ارزش‌های پایدار می‌باشد. باید فهم و خرد تبدیل به اراده ملی یک ملت شود.

### دکتر اعتماد

ما قوانین بسیار پیشرفته‌ای داریم ولی مسئله اینجاست که ما بیشتر از قوانین، راه‌گریز از قوانین را داریم و باید جلوی این امر گرفته شود. اهل حرفه باید بدانند که مسئولند. باید برای حفاظت از بافت‌های تاریخی بستر را ایجاد کنیم.

### مهندس مسعودی

بخش اجرایی و قانون‌گذاری باید قوی‌تر از مردم باشد به دلیل اینکه نمی‌توانیم از وجدان آگاه مردم استفاده کنیم و در کنار آن باید سیاست‌هایی تشویقی تعبیه کنیم. در لندن سیاست‌هایی تشویقی از جمله؛ وام بدون بهره، بخشایش مالیاتی و ... وجود دارد که مالک را تشویق به مشارکت می‌کند. ما نمی‌توانیم فقط مردم را مسئول بدانیم. ما یک کشور در حال

توسعه هستیم در حالی که لندن در انگلیس کشوری توسعه یافته است و از نظر فرهنگی و اقتصادی با ما تفاوت دارد. "NGO" ها خوب هستند ولی سنگینی وزنه به سمت مسئولین و قانون گذاران است و مسئولیت بر عهده آنهاست.

### دکتر حجت

اینکه وزنه قانون گذاران از مردم سنگین تر است، نادرست است. به قول مرحوم شیرازی "ما چون تولید فرهنگی نمی کنیم به منابع کشور خود نیاز نداریم." هر کس می خواهد تولید کند، برای تولید نیاز به منبعی دارد. تا ابد اگر کسی تولید فرهنگی نکند، هرچقدر راجع به میراث فرهنگی صحبت شود تقلید از دیگران است چرا که تفکرش ریشه ندارد. تولید فرهنگی یعنی چه؟ اینکه اگر زمینه فرهنگی بخواهیم تولید کنیم نیازمند منابع فرهنگی هستیم و درد بزرگمان این است که امروزه تولید فرهنگی نداریم.

### مهندس بحراء

اگر بخواهیم تولید کنیم و مردم را آگاه کنیم. یا اینکه بخواهیم مسئولین قانونی درست عمل کنند، اولین قدم این است که فرهنگ وازگان و اصطلاحاتی داشته باشیم که مربوط به کشور خودمان باشد.

### مهندس بقیه

مشکلاتی که در شهرهای کوچک است این است که نیروهای متخصص وجود ندارند. به جای دستورالعمل هایی که در زمینه عمران و بهسازی شهرها صورت می پذیرند، ابتدا باید دستورالعمل هایی اجرا می شد که افراد متخصص در شهرهای کوچک استخدام شوند.





## جمع بندی نظرات و پیشنهادات توسط حضار و سخنرانان

- توسعه و حفاظت بافت های هدف، ابزارهای خاص خود را می طلبد که مهمترین این ابزار، آگاهی مردم نسبت به یک شهر خوب و حقوق معمارانه خویش است چراکه بدون آگاهی، قانونی وضع نخواهد شد.
- با وجود گسترش ابزارهایی چون آموزش، یکی از بزرگترین مشکلات، مشکل فرهنگی است. باید به درجه ای از فرهنگ رسید که حفاظت تبدیل به خواسته مردم شود.
- نظام برنامه ریزی و فرهنگ عمومی، دو مشکل اصلی در امر حفاظت و توسعه اند که باید ارتقاء یابند.
- کنترل زمینه های سودجویانه توسط شهرداری ها در کنار فرهنگ سازی امری ضروری است.
- بافت های میانی نیز به اندازه بافت های تاریخی ارزشمندند و باید به آنها رسیدگی شود.
- از بین بردن عدم توازن، تنش اجتماعی و گسیختگی در جامعه با همکاری و مشارکت همه دستگاه ها و ارگان ها تأثیر بسزایی در امر حفاظت دارد.
- حضور اساتید دانشگاه به عنوان ابزار آموزشی می تواند تأثیرگذار باشد.
- برای جلوگیری از فراموش شدن سند ملی، ویرایش جدید در اختیار عموم قرار گیرد و به بحث و گفتگو گذاشته شود.
- ایجاد یک کار فرهنگی مستلزم وجود ابزارهایی چون قانون، مجلس، سلسله مراتب و مدیران است که مقدم تر از همه این ابزارها، حضور خود مردم است.
- فعالیت NGOها و محیط زیستی ها برای حل مشکلات و آگاه سازی مردم الگوی معماران و شهرسازان شود.
- شرح خدمات طرح های تفصیلی و استراتژی مداخله در بافت های هدف بازنگری شود

چرا که مداخله در هر بافت باید منحصر به فرد باشد.

- همکاری صحیح رسانه‌ها می‌تواند کمک شایانی در حفظ بافت‌های هدف کند.
- از جامعه‌ای مصرف کننده به جامعه‌ای که تولید ارزش می‌کند، تبدیل شویم تا فرهنگی درست در جامعه مدنی ما شکل گیرد.
- مسئولین و مردم بجای قرارگیری مقابل هم، در کنار یکدیگر همکاری کنند.
- تعاملی سازنده بین شهرداری‌ها و سازمان میراث فرهنگی شکل گیرد.
- طرز فکرهايمان را ثابت نگاه داریم و آنها را با تغییر پست و جایگاهی که هستیم، عوض نکنیم.
- فهم و خرد تبدیل به اراده ملی یک ملت شود چراکه بزرگترین چالش زندگی امروز همین است.
- بجای دور زدن قوانین، از قوانین پیشرفته موجود پیروی کنیم.
- فراهم آوردن بستر حفاظت، مقدم بر امر حفاظت است.
- سیاست‌های تشویقی مانند وام‌های بدون بهره یا کم بهره به ساکنان بافت‌های هدف جهت همکاری اختصاص یابد.
- هم افزایی اطلاعات مابین میراث فرهنگی، شهرداری‌ها و... ایجاد شود تا منابع ارزشمند موجود تکمیل شوند.
- تولید فرهنگی و ارتقاء فرهنگ اجتماعی توسط جوانان به منظور بالابردن میزان درک عمومی، امری ضروری است.
- تعاریف صحیح و واحد از لغات، واژگان و اصطلاحات داشته باشیم.
- در خصوص واژه‌شناسی، روش‌شناسی و شاخص‌ها به اتفاق نظر برسیم.
- برای تولید فرهنگ، در وهله اول باید احتیاج به آن احساس شود.

## پیشنهادات (بایدها)

سیاست‌ها	<ul style="list-style-type: none"> <li>- موضوعات میراث فرهنگی و گردشگری باید توأمان پیش روند.</li> <li>- در زمینه حفاظت، باید فهیم و خرد به اراده ملی یک ملت تبدیل شوند تا در توسعه اثرگذار باشند.</li> <li>- برای همراهی مردم در امر حفاظت باید سیاست‌های تشویقی در نظر گرفته شود.</li> <li>- نقش مردم در عرصه‌ی حفاظت بافت‌های تاریخی می‌بایست پررنگ تر شود.</li> <li>- باید هماهنگی و همکاری ارگان‌های ذی‌ربط در بحث حفاظت بافت‌های تاریخی فراهم شود.</li> <li>- توجه به آینده‌نگری و آینده پژوهشی در بحث حفاظت اهمیت دارد.</li> </ul>
برنامه‌ها	<ul style="list-style-type: none"> <li>- برای حفاظت از بافت تاریخی باید بسترهای لازم فراهم گردد.</li> <li>- برای حفاظت از بافت‌های تاریخی باید روش شناسی داشته باشیم.</li> <li>- در انتخاب مدیران مرتبط در حوزه حفاظت می‌بایست دقت و وسواس بیشتری وجود داشته باشد.</li> <li>- باید وظایف معماران در رابطه با موضوع حفاظت مشخص شود.</li> <li>- حفاظت باید تبدیل به خواسته‌ی مردم شود.</li> <li>- باید تعریفی از بافت تاریخی به طور مشخص ارائه گردد.</li> <li>- مسائل و مشکلات بافت‌های تاریخی باید دقیقاً شناسایی شوند.</li> <li>- از زمان حال (هم اکنون) به موضوع تاریخ توجه شود چون برنامه ریزی حال، تاریخ آینده را می‌نگارد.</li> <li>- نقش طرح‌های جامع و تفصیلی می‌بایست در فرایند بهسازی و نوسازی مشخص شوند.</li> </ul>
راهکارها	<ul style="list-style-type: none"> <li>- برای ترویج و نهادینه سازی موضوع حفاظت، باید تولید فرهنگی داشته باشیم.</li> <li>- باید به آموزش به عنوان یک اقدام کلیدی توجه شود.</li> <li>- میزان تأثیرگذاری بنگاه‌های معاملات ملکی در محلات تاریخی کنترل و مهار شود.</li> <li>- باید از تخریب باغات جلوگیری کرد.</li> </ul>

## مشکلات

سیاست‌ها	<ul style="list-style-type: none"> <li>- شاخص‌های توسعه پایدار در ایران شناسایی نشده‌اند.</li> <li>- اگر چه قوانین بسیار خوبی در زمینه حفاظت از ابنیه و بافت‌های تاریخی وجود دارد اما بیش از آن راه‌های گریز از قانون موجود است.</li> <li>- بزرگ‌ترین چالش ملی، عدم شناخت از مفهوم جدید و مدرن است.</li> <li>- سیاست‌ها و برنامه‌ها مرتباً باعث انزوای مردم می‌شود.</li> <li>- میان مردم و مسئولین شکاف عمیقی وجود دارد.</li> <li>- ما به تصور تولید ارزش، تولید ضد ارزش می‌کنیم.</li> <li>- بزرگترین چالش ما فهم جهان جدید در مقابل جهان پایدار است.</li> </ul>
برنامه‌ها	<ul style="list-style-type: none"> <li>- واژگان مرتبط به درستی شناسایی، تعریف و مورد توافق قرار نگرفته‌اند.</li> <li>- رسانه‌ها تأکید بر مدرن بودن و مدرن زندگی کردن دارند.</li> <li>- زمان به نفع تخریب از دست می‌رود و زمانی برای مرمت وجود ندارد.</li> <li>- برخی اقدامات بهسازی و نوسازی در تضاد با یگدیگر هستند.</li> </ul>
راهکارها	<ul style="list-style-type: none"> <li>- مشاورین خلاف کار پیشنهادات و اقدامات نادرست خود به شهرداری‌ها را در جهت تخریب و نوسازی بافت‌های ارزشمند حمایت می‌کنند.</li> <li>- اگر اقدامات نرم افزاری (مجلات، کتب، سخنرانی‌ها ... ) تاکنون به جواب نرسیده‌اند، به سبب آنست که راه ترویج را نیاموخته‌ایم.</li> <li>- مطالبه ای از سوی مردم وجود ندارد چون با موضوع آشنا نیستند و راه ترویج درست پیموده نشده است.</li> <li>- جامعه ما، یک جامعه مشارکتی نیست.</li> <li>- طرح‌ها و برنامه‌های حفاظتی اجرایی نمی‌شوند.</li> <li>- مهندسان مشاور فعال در عرصه‌های تاریخی و دانشگاه‌ها با هم ارتباط لازم و کافی را ندارند.</li> <li>- در بافت‌های تاریخی، بنگاه‌های معاملات ملکی نقش مشاوران عالی را برای مالکان بناهای ارزشمند ایفا می‌کنند.</li> <li>- طرح‌ها عقیم مانده‌اند چون درک درستی از مسئله نداشته‌اند.</li> <li>- قدرت عام سودجویی همه ارزش‌ها را تحت‌تاثیر قرار داده است.</li> <li>- ضوابط تخریب ساختمان‌ها از سوی شهرداری باعث وسوسه و تحریک شهروندان به تخریب ابنیه می‌شود.</li> </ul>

